

نامه‌های تاریخی

تألیف و تحقیق

از

ابراهیم صفائی



نامه های تاریخی
چاپ حیدری
مرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

انتشارات بابک ــ میدان ۲۴ اسفند اول آیزنهاور بازار ایران طبقه سوم شماره ۳
تلفن : ۹۲۷۶۱۷

سرآغاز

با انتشار کتاب «نامه‌های تاریخی» چهارمین مجموعه از اسناد سیاسی قرن اخیر وقرن معاصر ایران را دردسترس پژوهشگران تاریخ می‌گذارم .

پیش‌ازاین، کتاب «اسناد سیاسی دوران قاجاریه» وکتاب «گزارش‌های سیاسی علاءالملك» وکتاب «اسناد مشروطه » راکه روی هم حاوی بیش از دویست سند مهم تاریخی میباشند بچاپ رسانیدم و بجز آن سه‌کتاب ، پنجاه سند در بیوگرافی‌های «رهبران مشروطه» منتشرساختم وبیش ازبیست‌سند دردسترس دونویسندهٔ ارجمندکتاب «فراموشخانه وفراماسونری درایران» وکتاب « زندگی سیاسی اتابك اعظم » قراردادم ونیز دراین چندسال افزون‌تر ازپنجاه سند پیوست مقاله‌های خود درمجله‌های هفتگی وماهیانهٔ طهران بچاپ رسانیدم .

چاپ و انتشار این اسناد توجه محققان ایرانی و ایرانشناسانی راکه در تاریخ قاجاریه پژوهش می‌کنند جلب‌کرد و مرا بکار خویش تشویق نمود .

من سالیان دراز باکوشش فراوان به‌گردآوری اسنادتاریخ قاجاریه پرداختم ، واین‌کاری بس‌دشواربود ، زیرا هنوزیك‌آرشیوملی برای‌گردآوری اسناد ومدارکی‌که زمینهٔ مطالعات‌پژوهندگان‌تاریخ می‌باشد درکشورما بنیادنشده‌است واین‌گونه‌نامه‌های پراکنده وپوسیده چون ارزش مادی ندارند بخوبی نگهداری نمی‌شوند بلکه درشمار کاغذهای بیهوده و باطله بدور ریخته می‌شوند ودستخوش نیستی وفراموشی میگردند ، درحالیکه‌اینگونه نوشته‌ها و یادداشت‌ها روشنگر تاریخ هستند وارزش معنوی دارند

و بایستی حتماً بچاپ برسند تا واقعیت‌های تاریخی را برای نسل جوان و نسل‌های آینده کشور آشکار سازند . من برای روشن شدن تاریخ دوران قاجاریه‌مقداری از این کاغذ های پوسیده و پراکنده را(اصل‌یافتوکپی) گرد آوردم و برای نخستین ـ بار انتشار نامه‌ها و گزارش های رسمی را که پایهٔ استوار و مایهٔ اطمینان بخش تحقیقات تاریخی میباشد درایران بکار بستم وبا پراکندن این اسناد بسیاری ازروی ـ دادهای مهم ورازهای مکتوم تاریخ اخیر ایران راکه درپس پردهٔ فراموشی ودرپشت حجاب غرض‌ها و شایعه‌ها نهان شده بود آشکار ساختم وزمینهٔ تحقیق در یك دوره از تاریخ ایران را برای پژوهشگران ژرف اندیش فراهم آوردم .

گرچه ارج اینگونه کارهای تحقیقی در جامعهٔ ما شناخته نیست و دست یازیدن بچنین خدمتی بارنج بی‌شمار وزیان بسیارهمراه است وخاندان‌ها وکسانی‌که ازانتشاراین‌گونه‌اسنادخشنود نیستند نیز به‌خصومت برمی‌خیزند ودشواریهای‌دیگرپیش می‌آید ، با اینحال چون به این‌گفتهٔ ناپلئون بناپارت معتقدم که :

«هرکس باید درخوراستعداد ذاتی وقریحهٔ خدادادی خودبجامعه خدمت‌کند.

از اینرو دنبالهٔ این خدمتی را که از من ساخته است رها نکردم و خرسندم که در این راه با همهٔ دشواری‌هاکه در پیش داشتم توفیق یافتم وچاپ و پخش سندها ونامه‌ها ومکتوب‌های سیاسی‌را بعنوان یك‌کاراصیل وبایسته درزمینهٔ تحقیقات‌تاریخی واجتماعی در ایران معمول ساختم زیرا به اصطلاح دانشمندان علم اصول ، اینگونه مدارك در حکم ، مقدمات وجوبیّه وبلکه ، مقدمات وجودیّهٔ پژوهش های تاریخی است‌که ذهن مطالعه‌گران تاریخ را از وهمیّات به واقعیات بازمی‌گرداند .

کتاب « نامه‌های تاریخی » دارای چهل سند می‌باشدکه از سال ۱۲۹۳ تاسال ۱۳۶۷ق (۱۲۵۴ تا۱۳۲۶ش) نگارش یافته‌است ، مندرجات‌این‌کتاب نکته‌های‌جالب

و بایستی حتماً بچاپ برسند تا واقعیت‌های تاریخی را برای نسل جوان و نسل‌های آینده کشور آشکار سازند . من برای روشن شدن تاریخ دوران قاجاریه مقداری از این کاغذ های پوسیده و پراکنده را(اصل یافتوکپی) گرد آوردم و برای نخستین ـ بار انتشار نامه‌ها و گزارش های رسمی را که پایهٔ استوار و مایهٔ اطمینان بخش تحقیقات تاریخی میباشد درایران بکار بستم وبا پراکندن این اسناد بسیاری ازروی ـ دادهای مهم ورازهای مکتوم تاریخ اخیر ایران راکه درپس پردهٔ فراموشی ودرپشت حجاب غرض‌ها و شایعه‌ها نهان شده بود آشکار ساختم وزمینهٔ تحقیق در یك دوره از تاریخ ایران را برای پژوهشگران ژرف اندیش فراهم آوردم .

گرچه ارج اینگونه کارهای تحقیقی در جامعهٔ ما شناخته نیست و دست یازیدن بچنین خدمتی بارنج بی‌شمار وزیان بسیارهمراه است وخاندان‌ها وکسانی که ازانتشاراین گونه‌اسنادخشنود نیستند نیز به‌خصومت برمی‌خیزند ودشواریهای‌دیگرپیش میآید ، با اینحال چون به این‌گفتهٔ ناپلئون بناپارت معتقدم که :

«هرکس باید درخوراستعداد ذاتی وقریحهٔ خدادادی خودبجامعه خدمت‌کند.

از اینرو دنبالهٔ این خدمتی را که از من ساخته است رها نکردم و خرسندم که در این راه با همهٔ دشواری‌هاکه در پیش داشتم توفیق یافتم وچاپ و پخش سندها ونامه‌ها ومکتوب‌های سیاسی‌را بعنوان یك‌کاراصیل وبایسته درزمینهٔ تحقیقات‌تاریخی واجتماعی در ایران معمول ساختم زیرا به اصطلاح دانشمندان علم اصول ، اینگونه مدارك در حکم ، مقدمات وجوبیّه وبلکه ، مقدمات وجودیّهٔ پژوهش های تاریخی است‌که ذهن مطالعه‌گران تاریخ را از وهمیّات به واقعیات بازمی‌گردانند .

کتاب « نامه‌های تاریخی » دارای چهل سند می‌باشدکه از سال ۱۲۹۳ تاسال ۱۳۶۷ق (۱۲۵۴ تا۱۳۲۶ش) نگارش یافته‌است ، مندرجات‌این‌کتاب نکته‌های‌جالب

و پرارجی ازهفتاد سال تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران را در بر دارد ورفتار و منش گروهی از رجال دوران هفتاد ساله را باز میگوید وطرز نگارش‌های رسمی و اداری وروش نویسندگی آن دوران‌رامی‌نمایاند ونمونهٔ‌خط وپایهٔ‌معلومات ومیزان‌تفکرسیاسی جمعی ازوزیران و زمامداران پیشین را بدست میدهد.

بجزاینها مطالعهٔ این‌اسناد دورنمای‌گذشتهٔ‌نزدیك تاریخ‌ایران را پیش چشم ما می‌گشایدودرك دگرگونی‌های‌شگرف‌وپیشرفت‌های‌شگفت‌کشوررادرشئون‌مختلف‌سیاسی واجتماعی واقتصادی وفرهنگی برای‌ما وبرای‌کسانیکه‌اوضاع‌آشفتهٔ نیم‌قرن پیش‌ایران را شخصاً مشاهده نکرده‌اند محسوس‌تروآسان‌ترمی‌سازد.

در ذیل صفحات هرجا که بایسته می‌نمود برای آگاهی خوانندگان کتاب، بازگویی‌کوتاهی‌نوشتم، این‌بازگویی‌ها برپایهٔ پژوهش وبرهان‌است والفاظ همگی بر معانی صریح خود دلالت حقیقی دارند، امیداست که سهوالقلمی نشده باشد.

مهر ماه ۱۳۴۸

ابراهیم صفائی

فهرست نامه ها

نامه های تاریخی

نامهٔ یکم

دستخطی است از ناصرالدین شاه برای میرزاحسینخان سپهسالار (مشیرالدوله). این دستخط درذیقعده ۱۲۹۷ق هنگامی که مشیرالدوله برای اصلاح کار آذربایجان و برانداختن آشوب شیخ عبیدالله رهسپار آن استان شده صادرگردیده است. (۱)

۱ـ شیخ‌عبیداله از سران کرد و تابع دولت عثمانی بود و بتحریک آن دولت به‌رضائیه و مهاباد تاخت و بقتل و غارت پرداخت، حمزه آقامنکور که از سران کرد و تابع ایران بود به‌او پیوست و برای دولت‌ایران گرفتاری بزرگ پدید شد.

مصطفی‌قلیخان اعتمادالسلطنه از تبریز و حمزه میرزا حشمت‌الدوله از طهران به‌نبردرفتند وکاری ازپیش نبردند، قبل از ورود سپهسالار به‌تبریز، امیرنظام گروسی نیزبهمراهی سواران شاهسون واردکارزارشده وهلیری کرد، سرانجام سپهسالار این‌آشوب را از میان برداشت و شیخ‌عبیداله به‌سرزمین عثمانی گریخت، بدیهی است گفتگوهای سیاسی بین ایران و عثمانی نیز در برداشتن این فتنه مؤثر بود.

جناب مشیرالدوله - باوجود خستگی و کار زیاد لابداً بخط خودم دستورالعمل مختصری برای شما نوشتم الان دادم یحیی خان معتمدالملك بچاپاری بیاورد (۱) بعد از رسیدن این دستورالعمل بقول عوام آب در دست داشته باشد نخورد و برود به آذربایجان رفع این اختلافات را انشاءالله بزودی بکند دستورالعمل را بعینها بده بولیعهد بخواند (۲).

حقیقتاً عقیدهٔ من این است که اگر درنظم آذربایجان با شما همراهی نکند و بخیالات قدیم خود برقرار باشد اورا احضارطهران نمایم ، دولت عقیم است پسر ندارد مملکت نظم می‌خواهد ، عمل این اکراد خیلی بد شده است بمحض ورودیك تدبیری وخیالی بکنید که عجالتاً رفع این‌ها بشود تا بعد یك قرار محکمی با دولت عثمانی داده شود برای آتیه .

اردویی ازطهران میفرستم که بصفحات ساوجبلاغ یکراست بروند و آنجاها را نظم داده برگردند آنچه لازم باشد شما هم به حشمت الدوله دستورالعمل بدهید که چه نحو حرکت کند .

عمدهٔ این کارها از قراری که میگویند این‌است، اقبال الدوله (۳) حاکم ارومی ناخوش و بی حال و بی مصرف است اختیار ارومی را ببرادرزاده‌اش داده است او با شیخ‌عبیدالله دوستی‌دارد، محال‌اشنویه مرگور ترکور...(۴) جاهای‌عمدهٔ‌سرحدارومی‌را

---

۱ - یحیی خان معتمدالملك برادر مشیرالدوله وشوهرعزت‌الدوله خواهرناصرالدین‌شاه باید دانست که مشیرالدوله هنگامی که مأمور آذربایجان شد مقیم قزوین بود و این دستخط به قزوین فرستاده شده است .

۲ - در متن «بخاند» .

۳ - ظاهراً اقبال الدوله تبریزی است و این لقب در ۱۲۹۹ به میرزا محمد خان امین خلوت کاشی داده شد .

۴ - کلمه ناخوانا .

به‌پسر شیخ به‌اجاره‌داده است . واورا خودآورده‌است وداخل‌مملکت‌کرده است وسابقاً بواسطهٔ‌همین‌مداخله واجارهٔ‌محالات‌تسلطی که‌لازم‌شد به‌اکراد بهمرسانده‌بودند تادراین مقدمه‌آنچه‌گفته اکرادقبول‌کرده تبعیت اورا نموده عمدهٔ هرزگی‌ازاکرادخودمان‌است، بخصوص اکراد مکری و ساوجبلاغی‌که همه‌آنها را تنبیه سخت وکامل باید بکنید و رؤسای اینها را انشاءالله زنجیر کرده بطهران بفرستید .

خلاصه وضع آذربایجان این‌بود وهست وماها در طهران بالمره بی‌خبر وهمه به اشتباه می‌گذشت، حالا انشاءالله بروید بلکه نظمی بدهید .

ازقراری‌که شنیدم‌تیمور پاشاخان(۱) بخیال وصلت باولیعهد افتاده‌است مناسب نمیدانم البته مانع بشوید . بعضی فرمایشـات به معتمدالملك شد بشما ابلاغ می‌کند بعد از این هم در محاسبات وغیره اگر حرفی چیزی پیدا بشود به امین‌السلطان گفتم بمعتمدالملك بگوید او بشما بنویسد جواب بگیرد بهیچوجه بدست و دهن دیگری نیفتد ، امین‌السلطان مرد دولتخواهی است در کارهای او همراهی بکنید البته بلکه دوستی ویگانگی کامل . (۲)

اول‌کاری‌که می‌کنید انشاءالله رفع اختلال اکراد است بهر تدبیری باشدبزودی رفع بکنید البته .

علما ومجتهدین تبریز وسایر را خیلی امیدوار بکنید و تجار وکسبه و سایررا البته البته ، خیلی‌مأیوس وپریشانحال‌شده‌اند وخیلی بی‌نظم است، نمیدانم چه‌کرده‌اند، لعنت خدا باشخاص بی‌معنی .

دو تلگراف هم در جواب اعلام ما از ولیعهد (۳) و مجتهد (۴) رسید برای شما فرستادم زود زود بروید البته . اقبال‌الدوله هیچ بکار ارومی نمی‌خورد و همچنین در دیگران که انشاءالله بعداً مفصلا احکامش خواهد شد .

---

۱ ــ فرمانده فوج سواد ماکو .
۲ ــ آقا ابراهیم امین‌السلطان اول .
۳ ــ مظفرالدین میرزا .
۴ ــ حاج میرزا جواد .

دستخط ناصرالدین‌شاه

نامهٔ دوم

نامه‌یی است ازمیرزا ملکم خان وزیرمختار ایران درلندن که در سال ۱۲۹۳ ق (۱۲۵۵ ش) برای چند ماه به طهران احضار شده بود .

ملکم این نامه را به میرزا حسینخـان سپهسالار صدراعظم وقت نوشته و از زمامداری و صدارت مدحت پاشا در عثمانی و نیز از یك وامخواهی چهل هزار لیره‌یی برای ایران در لندن سخنی رانده که در تاریخ‌دوران‌زمامداری سپهسالار بدان‌اشاره‌نشده ودرخور بررسی‌می‌باشد.

خداوندگارا ــ دیروز صبح که ازاردو بیرون آمدیم تمام‌روز را راه رفتیم ویك ساعت و نیم ازغروب گذشته به نیاوران رسیدیم .

امروز صبح خدمت جناب‌وزیر امورخارجه‌رسیدم(۱) تادوساعت برمسئلهٔ سیستان مذاکره نمودیم بنا شد که جمیع تحریرات گذشته را بخوانم و بعد چیزی بنویسم و بنظر ایشان برسانم .

الآن مشغول تحقیق نوشتجات و مستندات هستم عصری دوباره خدمت جناب ایشان میرسم وبهرچه لازم باشد با صوابدید ایشان اقدام خواهم‌کرد .

تلگرافهای متعدد رسیده‌بود همه‌را اینك ارسال حضرتعالی‌میدارم ، چهل‌هزار لیره رهن درلندن حاضر شده‌است انشاءالله این کار بزرگ تا آخر اینطور بخوشی و بمساعدت پیش خواهد رفت .

کار حسابی این است نه آن‌گرفتاریهای بی‌معنی که بندگان عالی را برتحمل آنها مجبورکرده‌اند .

خبر بزرگ‌این است‌که مدحت پاشا صدراعظم شده است، بدو ملاحظه ازبرای جنابعالی میدان تازه پیداشده میدانیدکه مدحت پاشا ازبرای‌ایران عالی پاشا نخواهد بود (۲) و ازجانب ما متحمل بعضی حالت‌ها نخواهد شد ، بلکه دست به بسی‌کارها

---

۱ ــ میرزا سعید خان مؤتمن‌الملك .

۱ ــ عالی پاشا در زمان سفارت میرزا حسینخان سپهسالار (مشیرالدوله) در اسلامبول با وی مناسبات دوستانه داشت و با ایرانیان مقیم عثمانی ملایمت ومسالمت مینمود پس از عالی پاشاکه در۱۲۸۸ درگذشت محمود ندیم پاشا بصدارت رسید .

مدحت پاشا ازرجال معروف عثمانی وطرفدار جدی «پان ترکیسم» وازآزادیخواهان آن‌کشور بود، وی در اوائل‌سال ۱۲۹۳ ق (۱۸۷۶-م) بصدارت دولت‌عثمانی برگزیده شد ونخستین قانون اساسی آن‌کشور بنام تنظیمات بسعی او فراهم گردید و پارلمان عثمانی در ربیع‌الاول ۱۲۹۴ بکوشش اوگشوده شد ولی سلطان عبدالحمید بعداز ده ماه پارلمان را بست ومدحت پاشا را عزل وتبعید نمود و پس ازچندی درتبعیدگاه مأموران سلطان او را خفه‌کردند .

خواهد زدکه ازبرای ما خیلی تازگی داشته باشد .

یکی از خوشبختی‌ها این است که شما صدراعظم هستید ، او حریف خود را می‌شناسد و هرقدر بتواند خود را جمع خواهدکرد با وصف این نباید مطمئن وآسوده نشست دوستی و اتحاد او را با عباس میرزا (۱) . البته در نظر دارید ، خلاصه کار مختصری ازبرای سرکار عالی پیدا شده است ، اما بزرگتر از این ملاحظه این است کـه مدحت پاشا درتنظیم دولت عثمانی کارهای بزرگ خواهد کرد و دراین‌عالم نیز حریف شما خواهد بود .

چشم فرنگستان حال مصروف تطبیق اعمـال این دو صدراعظم خواهد بود ، مدحت پاشاکمال سعی را خواهدکردکه ازسرکار عالی پیش بیفتد بلکه جمیع اعمال اینجا را بی‌معنی جلوه بدهد ، خلاصه میدان رقابت خوبی پیدا شده است اگر باقی بماندکارهای عمده خواهدکرد .

درچندین‌جا شروع بساختن راه آهن خواهدکرد ، درهرده عثمانی یك‌بانك خواهد ساخت ، هزارکرور قرض خواهدکرد و همه را صرف آبادی خواهدکرد ، تا ببینیم روس‌ها چه خواهندکرد ، مشکل است روس‌ها بگذارند .

خبر دیگر قرض جدیدفرانسه است، بنظر خواب خواهد آمد ، هفت هزار و دویست‌کرور تومان پول داده‌اند وآنهم درچه وقت ودرچه حالت .

آیا این هنگامه‌ها کافی نیست از برای اثبـات اینکه دنیای امروز ما ربطی به‌دنیای چهل سال قبل ندارد، چهل سال قبل هیچیك ازحکمای فرانسهٔ قبول‌نمیکرد که دردنیا اینقدر پول باشد .

پس معلوم می‌شود دراین چندسال آخر بعضی علوم وبعضی اسباب پیدا شده که

۱ ـ عباس میرزا ملك‌آرا برادرکوچك ناصرالدین شاه که چندین سال تحت حمایت سیاستهای بیگانه و با اغوای معدودی از رجال ایران مدعی سلطنت بود و سال‌ها در سرزمین عثمانی بسربرد وسرانجام‌شاه اورا بخشود و به طهران بازگشت و چندی‌بوزارت تجارت منصوب شد .

متقدمین ما اصلا خبر نداشتند ، باوصف این نتایج حیرت انگیز مامی‌خواهیم بنای تدابیر مالیه خودرا برعلم نظام‌الدوله (۱) وبرتحقیقات و دولتخواهی صنیع‌الدوله (۲) قرار بدهیم ، والله باید رفت به کربلا – زیاده جسارت نورزد – ملکم –

روز جمعه ۲۶ جمادی‌الاول درنیاوران . (۳)

ناصرالدینشاه درحاشیهٔ نامهٔ ملکم نوشته است : استقامت صدارت محمود پاشا اعتبار آن دولت بود ، ازعزل او باین زودی ونصب مدحت پاشا واضح است و مبرهن که امورشان بسیار بیقاعده ومتزلزل است و درحقیقت‌گیج هستند ونمیدانندچه‌بکنند.

---

۱ – دوستعلی خان معیرالممالک نظام الدوله از مسئولان امور مالی دربار ناصری و بنیانگذار کاخ شمس‌العماره طهران است .

۲ – صنیع الدوله – محمد حسن خان ، از سال ۱۲۸۴ مترجم دربار شد و درسال ۱۲۸۷ لقب صنیع‌الدوله گرفت و درسال ۱۳۰۰ وزیر انطباعات گردید و درسال ۱۳۰۴ به «اعتمادالسلطنه» ملقب‌شد، بیشتر تألیفات‌او بدانشمندانی‌که دروزارت انطباعات زیردست وی کار میکرده‌اند نسبت داده میشود .

۳ – درمتن بجای جمعه «جمع» نوشته شده است .

صفحه اول و دوم نامه ملکم و یادداشت شاه

پول داده‌اند و اینها در چه وقت و در چه مدت   آیا این مسئله که ثابت است در بنای [illegible]

و دنیای امروزه اعتقاد یعنی دنیای جدید چند سال قبل ندارد   چند سال قبل بسیاری از حکمای فرانسه

همچنین می‌گفتند [illegible] اعتقاد داشتند   پس معلوم می‌شود در این چند سال آخر بعضی علوم و بعضی اسباب

ثروت پیدا شده که مستقیماً باعث خرابی گشته   با وصف این علوم و نتایج حیرت‌انگیز [illegible]

بنای این رساله را که بعد به حکم نظام الدوله و به تحقیقات [illegible] ضیع الدوله قرار داده‌ایم   والله چه

رفته به گردید   زیاده جسارت [illegible]   ملکم   روز جمعه ۲۰ جمادی‌الاول در نیاوران

صفحهٔ سوم نامهٔ ملکم

نامهٔ سوم

تلگراف رمز میرزا حسینخان مشیرالدوله (سپهسالار) به میرزا ملکمخان وزیرمختار ایران درلندن برای تعقیب ادعای مالکیت ایران نسبت به هرات ومرو .

نمره ۲۶ هو ـ صورت تلگراف رمز به ناظم الملك ۱۳ ذیقعدهٔ ۱۲۹۶

تلگراف محرمانهٔ شمارسید منهم درباب هرات ومرو دراینجا باوزیرمختارانگلیس در مذاکره هستم لیکن بقدری در شرائط این منظور سختگیری می نماید که از هیچ طرف راه اختیار ومفراز برای ما نمی گذارد و حال آنکه این معنی بدیهی است که منظور ما از هرات ومرو مقدمات منظور عمدهٔ ما میباشد که جلب مراودهٔ صادقانهٔ تازه واعادهٔ آن اطمینان حقیقی دولت انگلیس به ایران ورفع شدن این پلوتیك مضر ومعوج حالیه واتحاد بادولت انگلیس است وبلاتردید ما هرات ومرو را از برای این می خواهیم که یك سد و فاصله مابین روس و افغانستان و هندوستان باشد و دراین موقع حالت دوستی حقیقی ایران را نسبت به دولت انگلیس درداشتن هرات و مرونشان بدهیم که از حمایت و میل ملت انگلیس بما، صرفه های کلی ببریم واسلحه حفظ پولتیك دولت انگلیس با خودمان برسایرین نمائیم وهرگز آنجاها را اسلحهٔ پولتیك دیگران نخواهیم کرد .

متن صورت تلگراف رمز سپهسالار

شما درآنجا بطوری که اقدام کرده‌اید از وزرای آنجا تحقیق نمائیدکه شرائط این کار را چه قرار میدهند وزود بمن خبر بدهید .

امیدوارم بحسن تدابیر شما منظور حاصل شود . منتظر جواب هستم . رئوس شرایطی که دراینجا وزیرمختار می گوید امشب بشما تلگراف خواهم کرد . (۱)

۱ ـ هرگاه تلگراف ملکم که سپهسالار اشاره کرده است بدست میآمد شرائط تصرف مرو وهرات ازطرف ایران وموانعی که انگلیس‌ها ایجادکرده بودند بخوبی دانسته میشد . متأسفانه آرشیووزارت خارجه بصورتی نیست که بتواند دردسترس پژوهشگران تاریخ قرار گیرد.

شرائط واگذاوی هرات به‌ایران درکتاب روابط سیاسی‌ایران وانگلیس تألیف‌محمود محمودچنین‌یادشده ۱ـ تسلیم‌هرات به‌دولت‌ایران ۲ـ اقامت‌یك‌مأمورسیاسی‌انگلیس‌درهرات ۳ ـ تعلیم قشون ایران ساخلو هرات بوسیله افسران انگلیسی ۴ ـ منع تأسیس نمایندگی سیاسی سایردولت‌ها درهرات. ولی دولت‌ایران تعدیل این شرائطرا میخواسته است، شرائط راجع بتصرف مرو را نمیدانیم .

ظاهراً بی‌ثمرماندن‌مذاکرات‌راجع بتصرف‌مرو وهرات‌دراثرتغییردولت‌انگلیس (دولت لرد بیکانزفیلد) وروی‌کار آمدن دولت‌کلادستون ودگرگونی سیاست‌آن دولت دربارهٔ‌ایران وافغانستان بوده است .

نامۀ چهارم

تلگراف رمز ملکم وزیر مختار ایران از لندن در پاسخ تلگراف رمز مشیرالدوله.

نمره ۱۵/۴۱ ذیقعده ۹۶ ـ هو ـ استخراج تلگراف رمز از لندن ـ تلگراف نمره بیست و ششم زیارت شد مضمون آن خیلی صحیح و مفید همه را بطور شایسته بخرج خواهم داد، تکلیف وزیرمختار انگلیس این است که درآنجا زیاده‌طلبی بکند (۱)، بقدر مقدمات با ایشان موافقت بفرمائید و فرمایشات مشکلی که دارید زود به بنده خبر بدهید.

می‌ترسم اولیای دولت ما هنوز در این اشتباه بزرگ باشند که این نوع کارها در دست فلان مأمور طهران یا در اختیار فلان وزیر انگلیس است، وضع اینجا اصلاربط به وضع اسلامبول وپائین ندارد.

متن سورت تلگراف رمز ملکم

این نکات‌را بقدری‌که می‌توانید درنظرداشته باشید که این نوع کارهای انگلیس دراختیار اقلا هزارنفر است، علی‌العجاله بنده را ازنیت ومنظور طهران کاملا مطلع نگاه بدارید. ملکم

۱ ـ دراین تاریخ تامسن وزیرمختار انگلیس درطهران بوده است.

نامهٔ پنجم

گزارشی است از میرزا محسن‌خـان مظفرالملك که از طرف ظل السلطان چندسال حکومت لرستان و خوزستان را داشته و نظریات « مسیو دیولافوا » (۱) را در بـارهٔ کشتی‌هـای ایران در شطالعرب و کارون‌گزارش داده است، تاریخ نامه مربوط بسال ۱۳۰۳ قمری میباشد و نامه را برای علیقلی‌خـان مخبرالدوله وزیرعلوم و تلگراف ومعادن (که کارهای مربوط به‌کشتی‌های دولتی نیز زیرنظر او بوده) نوشته است.

۱ـ مسیومارسل اگوست‌دیولافوا باستانشناس‌فرانسوی است‌که ازطرف دولت فرانسه مأمور تحقیقات علمی و باستان‌شناسی در اندلس و ایران بود و در جمادی‌الاول سال ۱۲۹۸ قمری به‌ایران آمد و در سال ۱۳۰۰ اجازهٔ حفاری در شوش را از ناصرالدین‌شاه گرفت و بهمراهی چند بـاستانشناس فرانسوی نخستین بررسی و کاوش‌هـای علمی را در شوش انجام داد و قسمت مهمی‌از آثار دوره ایلامی راکشف‌کرد و مطـابق قراردادی‌که داشت نیمی‌از آن‌آثار را به‌فرانسه برد .

مسیو دیولافوا مهندس فرانسوی وقتی که ازمأموریت واشتغال خود درشوش فراغت حاصل وعزیمت معاودت کرد فدوی دراهواز (۱) اقامت داشت ، درعبور ازاهواز به ـ محمره (۲) دوسه روزی درآنجا نزد فدوی توقف کردند، وقتی برسبیل صحبت ازحالت کشتی‌های دولتی ابتیاعی جدید ازاو استفسار کردم تفصیلی که مشارالیه درجواب فدوی بیان کرده باحتمال اینکه شاید استحضار کارگذاران آستان مبارك از اینفقرات وقتی ضرورت بهم برساند آنها را عیناً باختلاف عبارات بعرض میرساند .

جهاز بزرگ که موسوم به‌پرسه پلیس است نه تجارتی است نه جنگی درحیثیت اینکه انبار ومخزنی ندارد که مال‌التجاره درآنجا گذاشته‌شود وبکار تجارت بر نمیخورد وازجهت اینکه زره‌پوش وسایر آلات وملزومات حربیهٔ آن مهیا نیست بکار جنگ هم نمی‌آید .

اشخاصی که عزیمت‌مسافرت دارند میتوان بواسطهٔ این کشتی جمعی را حمل نمود ولی کشتی طوری ساخته شده و میزان مخارج آن بقدری است که درصورت مملو ـ بودن تمام طبقات از جمعیت داخل آن کفاف خرجش راکه سالی دوازده هزار تومان می‌شود نمیدهد .

فایدهٔ این کشتی آن است که هرگاه وقتی یکی ازرجال و اعاظم دولت جاوید آیت علیه با جمعی از عمله و اجزای خودشان بخواهند بممالك اروپا بسفارت یا سیاحت بروند ونخواهند که کشتی خارج بنشینند میتوانند بواسطهٔ این کشتی بروند و غیر ازاین فایدهٔ دیگر براین کشتی نیست .

وچون ازوقتی که این کشتی را بآب انداخته‌اند همه را در حالت وقوف بوده و حرکت نکرده است بواسطهٔ شوری آب دریا زیر کشتی جرم غلیظی بهم رسانیده و

۱ ـ مقصود اهواز قدیم است که هنوز بصورت یك روستا درکنار شهر اهواز دیده میشود ، شهر اهواز که تا چهل سال پیش بندر ناصری نامیده میشد درکنار اهواز قدیم بدستور ناصرالدین شاه و بکوشش حسینقلیخان نظام السلطنه در ۱۳۰۶ قمری احداث شده است .

۲ ـ خرمشهر .

متحجر شده است که میباید بطور لزوم به بمبئی برده واز آنجا به محل موسوم به‌گودی ببرند واین عیب وعلت را مرمت واصلاح نمایند و مخـارج این کار هم زیاد است و چنانچه چندی دیگر بهمین حالت بماند بکلی بیمصرف خواهد بود . (۱)

کشتی کوچك هم‌که محل سیر آن کارون است (۲) چندان بکار نمی‌آید، از قرارتقریر مسیو دیولافوا آب رودخانه‌کارون (۳) درهنگام شدت وطغیان ده درجه‌قوهٔ آنست و این‌کشتی زیاده از هشت درجه قوه ندارد درصورتی‌که بخواهند از محمره باهوازکه خلاف سیر وجریان آب است این‌کشتی را حرکت بدهند قوت آن کفایت نمی‌کند واسباب معطلی وزحمت است، محض‌آنکه این‌کشتی هم غالب اوقات درحالت توقف و سکون بوده همـان عیب کشتی بزرگ را بهم رسانیده و زیر آن را جرم گرفته است .

روزی که فدوی به فیلیه (۴) وارد شد شیخ مزعل خـان درهمین کشتی نشسته به استقبال آمده بود چندان قوه وقدرتی ازآن مشاهده نشد ،کاپیتان این‌کشتی‌که در

---

۱ ــ لردکرزن‌که درسال ۱۸۸۹ م (۱۳۰۶ ق) به ایران آمده وکشتی پرس پلیس را دیده نوشته است .

«کشتی‌پرس پلیس چهارناوبان‌آلمانی وچهل‌کارگر ایرانی وعرب (مقصودخوزستانی است) دارد ودارای سالن‌های زیبای مجللی است وبه یك‌کشتی زیبای مسافربر شبیه‌تراست تا به یك رزم ناو» (کتاب ایران و مسئله ایران ص۲۳۱) ظرفیت کشتی پرس پلیس شش صد تن بوده است .

مخبرالسلطنه نوشته است کشتی پرس پلیس بصورت تجارتی و نظامی بود با زده و پنج توپ وبیست وپنج تفنگ (ص ۱۳۱ ج ۳ گزارش ایران) .

۲ و ۳ ــ درمتن سند «کاران» .

۴ ــ فیلیه (بروزن زیدیه) قصر شیخ محمره در چندکیلومتری خرمشهر و درکنار کارون بوده ومقر حکمرانی شیخ خزعل آخرین حکمران محلی خرمشهر نیز درهمین‌قصر بود و اکنون ویرانه های آن برجاست .

فیلیه بود این تقریرات مسیو دیولا فوا را برای او بیان‌کردم اونیز اظهارات مومی‌الیه را تصدیق‌کرد . (۱)

لزوماً بعرض این فقرات جسارت ورزیده چیز بقاعده که آن کشتی کوچك دارای‌یك توپ ته‌پر بود آن‌راهم کاپیتان بزرگ فرستاده‌برده بود. جهت این‌فقره‌را از کاپیتان آن سئوال‌کردم‌درجواب گفت: دانستندکه این‌کشتی بهیچ مصرفی بر نمی‌خورد لاجرم آن توپ را هم ازآن خارج‌کردند .

درکنار نامه مظفرالملك با خط مخبرالدوله نوشته شده است .

« این کاغذی است‌که مظفرالملك نوشته‌اگرچه محل‌اعتنا نیست (!) لکن‌محض استحضار خاطر شریف فرستاده شد اگر صلاح بدانید بعرض برسانید » .

درزیر عبارات بالا ناصرالدین شاه بخط خود چنین نوشته است .

« همینطور است‌که نوشته است، اولاکشتی بزرگ‌را به بمبئی فرستادیم وخرج تعمیرش را هم دادیم چند روز دیگر معاودت می‌کند بدریای‌فارس، اما کشتی کوچك رابایدمخارجش‌را شیخ مزعل خان حکماً بدهد و برای‌شأن دولت درلنگرگاه محمره همیشه برای مسافرت وسیر خودش ومأمورین دولت حاضر ومهیا باشد . »

---

۱ ـ کشتی‌کوچك به‌کشتی شوش موسوم بوده و بیست و شش تن ظرفیت داشته است ، کشتی شوش و کشتی پرس پلیس هردو بوسیلهٔ مخبرالدوله و پسرش صنیع‌الدوله از دولت آلمان خریداری شده‌بود .

گزارش مظفرالملک و یادداشت مخبرالدوله
و دستخط شاه

نامهٔ ششم

دستخطی‌است از ناصرالدین‌شاه به‌امین‌السلطان (اتابك) ، این نامه‌را شاه هنگامی که رهسپار سفر سوم فرنگستان بوده برای پایین آوردن پرچم کنسولگری روس و انگلیس درمشهد نوشته است .

جناب امین‌السلطان ـ امروز عرب صاحب (۱) وچرچیل (۲) هردو را بخواهید واین‌فرمایشات مارا بآنها برسانید، بوزرای‌مختار خود بگویندماکه حالا بفرنگستان میرویم وشش هفت ماه از پای تخت خودمان و مملکت ایران دور می شویم از بابت شهرمشهد بسیار متفکر هستیم و تشویش داریم که مبادا درغیاب ما ازعوام‌الناس بی‌تربیت آنجا امری اتفاق بیفتدکه ناگوار و باعث خجالت‌ما دراروپا بشود، بخصوص‌ماه‌رمضان هم درپیش است و مردم شهری و زوار خارجی اجتماع غریبی درمشهد می‌کنند و در مساجد و منابرجمعیت‌زیادمی‌شود

دستخط ناصرالدینشاه

اولا خواهش داریم‌که وزرای مختار بقنسولهای خودشان که در مشهد هستند تلگراف محرمانه بکنند که یك نوعی خودشان وآدمها و نوکرهاشان و منتسبانشان

۱ ـ دبیر سفارت روس ـ سیدنی چرچیل دبیر سفارت انگلیس .

رفتار نمایندکه بدست مردم شهری وملاّها وعوام‌الناس بهانه ندهند بخصوص درایام رمضان ودرغیاب ما .

ثانیاً بسیارخوب‌است که‌درایام مصیبت مانند طهران‌پرده‌بیرق(۱) قونسول‌خانه‌ها را نکشند ، بعداز مراجعت ما بطهران هرقدر بخواهند بیرق(۲) بکشند عوض‌یکی ده پرده هم داشته باشند ضرری برای ما و دولت ما ندارد ، غرضی هم نداریم در این فقره بجز اینکه درغیبت‌ما، اسبابی بدست عوام ومردم نفهم نیفتد بیرق(۳) را ببینند بگویند این‌چه چیزاست وچرابایددرمشهد مقدس بیرق(۴) بزنند (؟) می‌ترسم‌اسباب فسادی درغیاب ما بشود .

درهردو این فقره فرمایشی که‌کردیم معلوم است هیچ حق این‌را نداریم که‌رسماً بگوئیم یا خواهش بکنیم لیکن محض احتیاط و دوستی واینکه نمی‌خواهم درغیاب ما خدا نکرده امر ناگواری رو بدهد که درمسافرت من بفرنگستان اسباب خجالت‌ما بشود این اظهارات راکردم در رد وقبول آن وزرای مختار خواهند بود، چون لازم میدانستم نوشتم ۳۰۶ همین دستخط را هم بدهید بخوانند (۴) البته .

۱ و ۲ و ۳ و ۴ درمتن سند «بیدق» .

۴ ـ در متن سند « بخانند » .

نامهٔ هفتم

نامه‌یی است ازسر هنری درومندولف وزیرمختار دولت انگلیس، این نامه درپاسخ یادداشت ناصرالدین شاه دربارهٔ اختلاف مرزی ایران وافغانستان درناحیهٔ هشتادان نوشته شده است (۱) .

---

۱ ـ یادداشت ناصرالدین‌شاه باین شرح است .

جناب امین‌السلطان ـ بـا جناب «ولف» وزیرمختار انگلیس در بـاب عمل هشتادان حرف زده جواب بگیرید بعرض برسانید . حالا هشت ماه است که این فقره را در روی نقشه‌ئی که عرض کردند با وجودیکه میل هم نداشتم بنا بخواهش دولت‌انگلیس امضاء کردم، حالا دراین‌مدت آنهم انجام‌نگرفته است یعنی‌چه (؟) حالا وقت‌کار وآبادی وساختن بعضی آبادیهااست‌درآن نقطه، اگر این‌کار نمیشود چرا ما را معطل کرده‌اند (؟) دوباره آن نقشه و قرارداد را باید باطل بدانیم ، انگلیس‌ها هم من بعد مداخله نکنند بکار هشتادان ، آن‌حالت‌اولی بهترازین حالت حالائی‌است‌که هیچ معلوم نیست چه چیز است، اگر امیر افغان حرف انگلیسهارا‌گوش نمیکند دیگر چه‌کار دارندکه‌باینکار مداخله میکنند ؟ وابگذارند بخود ایران وافغان هرطور توانستند این‌کار را تمام میکنند . البته دستخط را برای وزیر مختار بخوانید بتاریخ ۳۰۷ ـ (ازصفحه ۹۴ کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه) .

مورخه ۲۹ می‌سنه ۱۸۹۰ مطابق ۹ شهر شوال سنهٔ ۱۳۰۷ ـ سفیر انگلیس دستخط همایون اعلیحضرت راکه جناب مستطاب اشرف امین‌السلطان نشان داده با نهایت افتخار ملاحظه نموده‌است. فوراً به لردسالیسبوری (۱) وفرمانفرمای هندوستان تلگراف نموده وضمناً تا جواب معظم‌الیهما برسد تصور می‌نمایدکه ملاحظهٔ شرح ذیل خاطرهمایون اعلی را ازاینکه وقت تلف نشده آسوده خواهد نمود.

از پنجماه اندکی متجاوز است‌که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار هشتادان را قبول فرموده‌اند وقبل‌ازاواخر جمادی‌الثانی قرارداد نمیتوانست وارد بکلکته بشود، نوشتجات زیاد بوده‌که میبایستی سواد وترجمه شود ودرنهایت تعجیل امیر افغانستان قبل‌از اواخر رجب نمیتوانستند آنها را وصول نماید واگر جواب آنها را همان روز وصول نوشته باشند وقت نبوده‌که جواب برسد.

علاوه براین سفیر انگلیس ازسفارت روسیه استماع نموده است که امیر سخت ناخوش بوده وهست اگر خبر صحیح باشد بازهم اسباب معطلی (۲) خواهد بود.

اعلیحضرت‌همایونی‌میدانندکه منظور دولت‌اعلیحضرت‌اقدس پادشاه امپراطریس دراین حکمیت فقط این بوده‌که چیزی‌که ممکن اسباب زحمت خاطر ملوکانه باشد ومحتمل بوده امنیت آسیا را درخطر اندازد رفع شود وسفیر انگلیس امیدوار است‌که رأی عاقلانهٔ که اعلیحضرت شاهنشاهی را براین داشته کـه عمل هشتادان را مرجوع بحکمیت فرمایند درآتیه نیز این رأی را مستدام خواهند فرمود.

(مهر ـ سرهنری‌درومند ولف).

---

۱ ـ رئیس‌الوزراء انگلیس.

۲ ـ درمتن سند «معاطلی».

سفیر انگلیس دستخط همایون شاهانه را که از جناب مستطاب اشرف امین السلطان

با نهایت امتنان ملاحظه نموده است فوراً به لرد سالسبوری [illegible]

تلگراف نموده و ضمناً تا جواب جنابان معظم الیهما برسد تصور مینماید که ملاحظه مزاج

قبول خاطر همایون اعلی را از اینکه وقت تلف نشده اسباب خواهد بود [illegible] مشتاقان

تا پنج ماه اندکی متجاوز است که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار [illegible] به کلکته انسب

قبول فرموده‌اند و قبل از اواخر جمادی الثانی وارد آن [illegible] نهایت تعجیل

نمود [illegible] زبان بوده [illegible] نماید

امیر افغانستان قبل از اواخر رجب نتوانستند آنها را وصول

و اگر جواب آنها را همان روز وصول نوشته باشند وقت تعیین کرده جواب خواهد رسید

علاوه بر این سفیر انگلیس از سفارت روسیه استماع نموده است امیر صاحب ناخوش بوده [illegible] اعلیحضرت

و هست که اگر این خبر صحیح باشد باز هم اسباب معطلی خواهد بود [illegible] کلکته

همایونی میل داشته‌اند منظور ولیعهد اعلیحضرت اقدس پادشاه امپراطریس در این

فقط این بوده چیزی که [illegible] اسباب زحمت خاطر ملوکانه باشد و محتمل بود

امنیت [illegible] را در خطر انداختن رفع شود و سفیر انگلیس [illegible] است

و برای [illegible] اعلیحضرت شاهنشاهی را برابر [illegible] مشتاقان را

رجوع بحکمت فرمایند در آتیه نیز این رای را استدعا خواهند [illegible]

نامهٔ ولف وزیر مختار انگلیس

نامهٔ هشتم

دستخطی است از ناصرالدین شاه خطاب بـه امین السلطان دربارهٔ اختلاف مرزی ایران وعثمانی و مربوط بسال ۱۳۰۷ قمری میباشد .

جناب امین السلطان ـ درخصوص «وزنه»(۱) و آنطور اظهارات سفیر کبیر و آن کاغذها که نوشت و جوابی که دادیم تا در آخر آن اظهاری که بشما کرد لازم است فوراً امروز عصری وزیر مختار انگلیس را آورده از روی نوشتجات و اسناد که از وزیر خارجه بگیرید حاضر باشد با او حرف بزنید و صریح بگوئید علاوه بر اینکه در امور سرحدیهٔ ما و عثمانی ها انگلیس و روس مداخله دارند و بی اطلاع آنها نباید کاری بشود شما صراحتاً که دولت انگلیس باشید بنوشته تعهد...(۲) و حفظ خاك ایران را کرده اید و الآن صریح سفیر کبیر رسماً آمده است بمن که وزیر اعظم ایران هستم میگوید: یا «وزنه» را که خاك ایران و در تصرف شما است خالی بکنید بروید یا من می نویسم قشون عثمانی آمده بزور تصرف نماید و آدم های شما را بدوانند.

دستخط ناصرالدینشاه

---

۱ ـ از سرزمین های مرزی ایران و ترکیه در آذربایجان غربی. ۲ ـ دوکلمهٔ ناخوانا.

این یعنی چه (؟) این نوع اظهارات سفیر چه معنی دارد ، فرضاً هم «وزنه». محل حرف و متنازع فیه باشد دیگر الآن که تصرف من است خالی چرا بکنم (؟) تو بیا درسرحد مأموری هم ازروس وانگلیس ... (۱) باشند ، اگرمأمورین تصدیق کردند که خاك عثمانی است ما فوراً تخلیه بکنیم اگر مال ما است‌که درتصرف داریم وداشتیم ازحالا چرا خالی‌کنیم .

خلاصه خیلی سخت با ایلچی انگلیس حرف بزنید و او را وادارید که فوراً به اسلامبول ولندن تلگراف‌کند که نکنند عثمانی‌ها خودسر حرکت بی‌قاعده نمایند . البته الآن ایلچی‌را خبر بکنید که یکساعت بغروب مانده منزل شما بیاید وولف در طهران هم سفیرکبیر (۲) را دیده اورا ازاین نوع حرکات ممنوع دارد .

---

۱ ـ دوکلمهٔ ناخوانا .

۲ ـ سفیرکبیر ، مقصود خلیل خال بیك سفیر عثمانی است .

نامهٔ نهم

گزارشی‌است از امین‌السلطان درپاسخ دستخط شاه (نامهٔ هشتم) ، در این گزارش امین السلطان از گفتگوی با ولف وزیر مختار انگلیس در موضوع اختلاف ایران وعثمانی و امتیازات روس ها سخن رانده‌است.

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم . جواب سفیر کبیر هنوز نرسیده است ولی ولف که امروز دیدن آمده بود گفت به لندن و اسلامبول تلگراف کرده‌ام هروقت جواب رسید فوراً اطلاع میدهم ولی بهیچوجه اسباب خیال شما نباشد، رسم عثمانی‌ها این است گاهی مثل گربه‌غرّی میزنند ولی خطری ندارد اعتنائی نباید کرد .

در باب امتیازاتی که بروس‌ها داده‌شود تصدیق کرد و میگفت البته لازم است بآنها هم چیزی داده شودوالبته باملاحظهٔ صرفه وصلاح دولت بایدداده‌شود.

در باب مسئله چوب جنگل(۱) هم صحبت شد تصدیق اینغلام را کرد وگفت البته اینکار خوبی نیست وقتی که اینکار شد من در طهران نبودم والاهرگز نمیگذاشتم ،

گزارش امین‌السلطان ودستخط شاه

۱ ـ مقصود قراردادی است که برای صدور چوب‌های جنگلی شمال باروس‌ها بسته‌شده‌بود .

حالا هم دردفع آن هرقدر بتوانم سعی خواهم کرد که طوری بکنم که روس‌ها راضی بشوند . زیاده قدرت جسارت ندارد .   الامر الاقدس الاعلی مطاع .

ناصرالدین شاه درحاشیه گزارش امین‌السلطان نوشته است .

« جناب امین السلطان ـ جواب را از سفیرکبیر حکماً مطالبه بکنید و بعرض برسانید . در این فقره بـا امیرنظام(۱) هم تلگراف مفصلی بکن ، صورت‌تلگراف نظام‌الدوله(۲)را هم به‌امیرنظام بنویس وبگوکه اوهم به‌حکام سرحدیه خوی‌وارومی وساوجبلاغ بنویسدکه جاسوسی‌که بخاک‌روم (۳) فرستاده . . . چه‌کرده‌اند (؟) .

---

۱ ـ حسنعلی‌خان گروسی پیشکار آذربایجان .

۲ ـ محمدابراهیم‌خان نظام‌الدوله‌نوری که در ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ ق والی‌کردستان بوده است .

۳ ـ عثمانی .

نامهٔ دهم

نامه‌یی است که ملکم بسال ۱۳۰۹ ق درزمان معزولی وهنگامیکه گفتکوی‌پرداخت‌زیان‌کمپانی‌رژی‌درمیان‌بوده محض‌تقرب به‌ناصرالدینشاه نوشته ونامه را با یك جملهٔ تحذیری بپایان برده است (۱).

---

۱ ـ معزولی ملکم ازوزیرمختاری‌ایران درلندن وسلب‌عناوین والقاب او بواسطهٔ تقلب درقرارداد لاتاری‌بوده تفصیل آن دردورهٔ‌اول رهبران‌مشروطه (بیوگرافی‌ملکم) واسناد ومدارك آن دربخش‌نهم‌کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه چاپ شده است .

۹ ژوئن ۱۸۹۱ ـ لندن هلند پارك ـ هو ـ قربان خاکپای اقدس همایونت شوم جناب اشرف وزیر اعظم (۱) فدوی را بدون اطلاع شاهنشاه ولینعمت خودم بیك اشارهٔ انگشت معزول وازچاکری دولت علیه باکمال افتضاح اخراج کرد ولیکن باهمهٔ اقتدار خود ابداً قادر نخواهد بودکه بنده را ازچاکری مخصوص وشخصی ذات مقدس همایون شاهنشاه روحی فداه خارج نماید .

هرقدر که منکر این وزارت هستم ضد آن قـدر درصدد ترقی این سلطنت و بخصوص درقید مزید شوکت وسعادت ذات اقدس ولینعمت خداداد بوده وخواهم بود.

باین جهت واجب می‌شمارم درخصوص مرارتهای حاضر چندکلمه عرض نمایم، این امتیاز تنباکو بغلط داده شد ، اما درفسخ آن بعضی سهوها و غلطها بروز کرد که معایب آن خیلی بیشتر خواهد بود .

البته ممکن وسهل بودکه این امتیاز وهرامتیاز دیگررا منسوخ نمایند بی آنکه ازبرای دولت ضرر مالی و شکست اعتباری حاصل بشود و حالا هم بعلم‌الیقین عرض می‌شودکه رفع این مشکلات و دفع این خسارت‌ها راه صحیح و تدبیر معین دارد ، از این راه‌دور تدبیر تفصیل عرض‌نمی‌کنم زیراکه یك نوع خودنمائی بی‌موقع می‌شود .

درطهران یك دوسه نفر هستندکه ازاین راهها و تدابیر بی‌خبر نیستند ، نکتهٔ که بجسارت عرض‌میکنم این‌است‌که این‌راه خسارت‌که خود اولیای‌دولت پیش‌آوردند بکلی غلط ومملو نتایج مضر است وچارهٔ آن هنوز ازدست نرفته است .

اگرچه بخواست این وزارت عظمی بنده خائن و نـادان و بکلی بیمصرف هستم ولیکن هنوز همه چیز من بسته به اعتبار دولت ایران وهمهٔ امیدهای فدوی موقوف

---

۱ ـ امین‌السلطان ـ اتابك .

به علو مقام آن وجود مبارك شاهنشاهی است ، باین‌جهت باز به‌اصرار عرض میکنم‌که اصلاح این مسائل را سهل نشمارند .

باهمهٔ نادانی خود ازاوضاع داخل واطراف ایران بکلی بی‌خبر نیستم، مقدمات مهم فراهم و مشکلات غیرمترقبه درپیش است . بنده را خائن وبکلی معدوم بشمارید اما بزبان عموم چاکران آستان همایون، هوش وادراك محیط شاهنشاه روحی فداه را قسم میدهم‌که بی‌انتظار شرح وتفصیل ازبرای نجات‌همه یك‌فکر فوری بفرمائید .

فدوی حقیقی و غلام وچاکر مخصوص بندگان شاهنشاهی — ملکم .



گراور پاکت ملکم که برای ناصرالدینشاه نوشته است

9 Jan. 1892
London
60, HOLLAND PARK.

نامهٔ ملکم

نامهٔ یازدهم

نامه‌ئی محرمانه از امین‌السلطان (اتابك) به میرزا محمد علیخان علاء السلطنه وزیرمختار ایران درلندن ، اتابك این نامه‌را دربارهٔ چند حادثه‌که درسال ۱۳۰۸ ق (هنگام مسافرت وی به قم) درطهران روی داده نوشته است . (۱)

---

۱ ـ این‌نامه با خط منشی اتابك نوشته شده و تنها چندسطر پایان‌نامه بخط خوداتابك میباشد.

مخدوم مهربانم - قریب بیست روز بسفر زیارت قم رفته بودم، بسلامتی این روزها مراجعت کردم قدری استراحت وصحت مزاج تحصیل کردم ولی افسوس که در غیاب من اتفاقات ناگوارکه دراینجا افتاده اسباب تأسف شد .

یکی اینکه سیدی در مازندران خروج کرده بود که صاحب الامر هستم (۱) ساعدالدوله (۲) پیرمرد دنیا دیده را فرستادندکه برود با قشون وآنها را تهدید کند و سیّد را بیرون کند ، مردکه احمق رفت سیصد نفر راکشت وقتل وغارت کردوحال - اینکه لزوم نداشت .

دیگر اینکه سرایداری قدری طلا از صندلی عمارات همایونی دزدیده بود اعلیحضرت بقدری متغیر شدندکه خودشان ایستاده دادند اورا کشتند و همینقدر که من نبودم یکنفر پیدا نشد واسطه شود .

دیگراینکه نایب‌السلطنه(۳) مشیرالدوله(۴) واین‌اشخاص که همیشه بدخواه‌دین‌و دولت هستند موقعی بدست آورده در پرده علما را دیده متفق کردند یکمرتیه کشیدن قلیان وچپق وسیگار دراین شهر بفتوای علما حرام وممنوع شد وهمه‌کس حتی زنهای

---

۱ - اعتمادالسلطنه مدعی صاحب‌الامری‌را چنین معرفی کرده است «سید باقر نام از اهالی صحنه کرمانشاهان ازمرشدهای طایفهٔ علی‌اللهی به کلاردشت رفته خواجه وندهایی راکه علی‌اللهی هستند ارشاد وتحریك نموده جمعی‌را مرید خودکرده یك‌نفر سرتیب‌خواجه وند را با نه نفر اززن و دختر و یك برادرکشته است وسوزانده ، این مقتولین برادر و مادر و کسان صاحب سلطان خواجه وندی که زن شاه است می باشند (ص ۸۸۶ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه) .

۲ - حبیب‌اله خان تنکابنی پدر سپهدار خلعت‌بری .

۳ - کامران میرزا .

۴ - میرزا یحیی خان برادر سپهسالار .

اندرون همایون هم قلیان را شکسته معرکه ها کردند ، این چند روزی که آمده‌ام دچار زحمت زیاد برای اصلاح این اتفاقات هستم بخصوص مسئله تنباکو که کشیدن قلیان و تمام دخانیات‌را حرام‌کردند، بتمام شهرها این مسئله سرایت کرده همه همین کاررا کرده‌اند .

چندمجلس علماءرا نشانیده هرچه گفته‌ایم نشده‌است حالا ناچارمشغول گفتگوی باکمپانی هستم‌که بلکه به اهتمام ودستیاری سفارت انگلیس آنها را راضی بکنم‌که مونوپول داخله را موقوف بکنند مونوپول حمل خارج مال آنها باشد (۱) وعوض این خسارت برداشتن مونوپول داخله روی‌گمرك تنباکوهای داخله‌کشیده‌گمرکانه بگیرند وهرسال بآنها برسانند، اگرانشاءالله این کاررا ازپیش ببرم وبه اعانت سفارت برکمپانی فائق بیایم بدانید بزرگترین خدمتی‌است‌که بمملکت ایران‌کرده‌ام زیراکه اگر اینکار باینطور تمام نشود این آخوندها مردم را تا پای جان هم حاضرکرده‌اند وباید شروع بجنگ داخله بنمائیم ، انشاءاله نخواهد شد .

(بخط اتابك) تفصیل را محض اطلاع شما نوشتم‌که بدانید چه مرارت‌ها و جان‌کندنها دارم وتفصیلاتی‌که البته‌بانواع‌مختلف درروزنامه‌ها خواهیدديد،. این‌است حقیقت آنهاکه نوشته شد .

این‌کاغذرا بعد ازملاحظه پاره‌کنید وبسوزانید پس فرستادن لازم‌نیست خودتان بخوانید وخودتان بسوزانیدکه نماند .

---

۱ ـ قرارداد دوم ایران با کمپانی دخانیات راجع به لغو انحصار داخلی دخانیات (که به نتیجه هم نرسید) در فصل اسناد رژی کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه چاپ شده است .

نامهٔ امین‌السلطان به علاءالسلطنه

نامهٔ دوازدهم

گزارشی است از امین‌السلطان (اتابك) به‌ناصرالدین شاه در بارهٔ لغو قـرارداد رویتر (۱) .

۱ـ قراردادرویتر در ۱۸ ج ۱۲۸۹/۲ ق (۲۵ جولای۱۸۷۲میلادی) بسعی سپهسالار وواسطگی‌ملکم تنظیم گردید و خاص‌ساختن راه‌آهن‌سرتاسری بود ضمناً شامل بهره‌برداری از تمام منابع و معادن زیرزمینی ایران می‌شد (بجز طلا ونقره و جواهر) ولی براثر مخالفت روحانیان واعتراض روسها وبی‌میلی شاه بکاربسته نشد وسالهاتعیین تکلیف‌قرارداد وخسارت‌صاحب‌امتیاز مورد گفتگو بود و سرانجام قرارداد بانك شاهنشاهی در هفتم جمادی‌الاولی ۱۳۰۶ منعقد شد و قرارداد رویتر فسخ گردید .

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم . عمل بارون رویتر بحمدالله تعالی و به اقبال بلند همایون ختم شد قرارنامه مبادله و نوشتجات لازمه گرفته شد که تمام آنها بامضای سفارت انگلیس رسیده است و صبح البته تقدیم خاکپای جواهر آسای همایون خواهد شد ، گذشتن این عمل را به هیچ چیز غیر از بخت بلند همایون حمل نمیتوان کرد ، یکی همین خود قرارنامه بود که قبالهٔ تمام ایران و در دست دولت انگلیس بود و اگر دولت انگلیس هم صلاح خود را در اجرای آن نمیدید امکان داشت که بدست دولت دیگری داده شود و اسباب زحمت شود و تا قیامت ایران آسوده نباشد ، باقی فواید آنهم انشاءالله بمرور معلوم خواهد شد.

گزارش اتابک به ناصرالدینشاه

صورت تلگرافی برای تمام مأمورین دولت علیه که در خارجه هستند نوشته شد بنظر آفتاب اثر همایون میرسد و اگر صحیح است مقرر خواهد شد که همین فردا تلگراف کنند ، باعتقاد این غلام خیلی لازم است چون مختصر است قیمت تلگرافها هم زیاد نخواهد شد .

وزیرمختار انگلیس علاوه بر آنکه این کاغذها را امضا کرده است خودش هم

کاغذ رسمی خواهدنوشت که اظهار امتنان از ختم این مسئله باشد، محض اطلاع خاطر مهر مظاهر همایون شاهنشاهی جسارت شد . الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع .

ناصر الدینشاه در بالای نامه نوشته است جناب امین السلطان ـ حقیقتاً انصافاً در این مسئله و ختم عمل خدمتی بدولت کرده اید که دوست و دشمن اقرار و اعتراف دارد ، صدهزار آفرین برشما وبدون اینکه من بشما اصرار کنم خود از روی غیرت و ملت پرستی خدمت را انجام داده اید ، البته در تلگراف بهمه مأمورین باید اطلاع داد لازم است .

نامهٔ سیزدهم

ناصرالدین‌شاه مصمم بود هنگام بازگشت از سومین سفر اروپا از کشور عثمانی دیدن‌کند‌ولی برنامهٔ‌پیشواز راکه سلطان عبدالحمیدتصویب نموده بود نپذیرفت و از سفر بکشور عثمانی منصرف‌گردید .

این‌نامه‌را میرزامحسن‌خان معین‌الملك (مشیرالدوله) سفیرایران درعثمانی درین باره به‌اتابك نوشته است .

فدایت شوم ـ مجملا باتلغراف عرض‌کرده بودم‌که درتشریفات ورود موکب‌همایون بعض مشکلات هست همینکه بجائی منتهی شد عرض خواهم‌کرد ، اگرچه هنوز بجائی نرسیده است داخلا وخارجاً تدابیر و اقدامات لازمه می‌شود ولی برای تفهیم و تفهم شاهنشاهی تشریح حالت شخص سلطان و خیالات ایشان ناگزیر است وبا تلغراف وتحریر کشف مطلب چنانچه شاید وباید دست نمیدهد .

بهمین جهت با تلغراف عرض‌کرده بودم که دریکی ازنقاط اروپا شرفیابی بنده لازم است‌که قبل ازوقت نکات وکنه مطلب را درست تشریح‌کنم ، بعد ازآن برآنچه ارادهٔ علیهٔ همایونی علاقه بگیردکار بسته شود . اینك من باب مالایدرك‌کله لایترك‌کله مجملی عرض میکنم .

حالات ترس وواهمهٔ سلطان بدرجهٔ جنون رسیده درتمام سال سه دفعه ازسرای یلدز بیرون میرود ، یکی در پانزدهم رمضان درسرای عتیق بزیارت خرقه شریف و دو دفعه هم در عید رمضان و قربان بسرای بشکطاش برای معایده ، آنرا هم از چند روز قبل پولیس خفیه درهمه جای شهر و درخانهٔ وکلا پراکنده می‌شود وپولیس منظم وعساکرِ جمیع راهها را پیش ازوقت می‌گیرند تا باکمال ترس آمده و برمیگردند ، روزهای جمعه‌را هم به مسجدی‌که دراتصال سرای یلدز ساخته است میرود والاّ گشت وتفرّج وشکار وسواری همه درداخل سرای است .

همان اوقات که خبر میمنت اثر سفر همایون منتشر شد محض برای اینکه در ملاقات ودید و بازدید با ذات اقدس همایون به بیرون‌آمدن ازسرای مجبور نشود در کمال‌استعجال به‌بنای یکدستگاه عمارت درداخل‌باغ سرای‌یلدز امر دادکه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه درآنجا نزول و اقامت فرمایند و شب و روز کار

کردند تا حالا نزدیك به اتمام است وتا زمان تشریف‌فرمایی موکب همایون مفروش و مزین می‌شود .

ازآنروزکه رسماً تشریف‌فرمائی همایون اعلام شده است قرار وآرام نداردکه مبادا مجبور بحرکت وخروج ازسرای بشود، ازطرف دیگر امنیت بهیچیك ازوزراء و وکلای‌دولت ندارد وهمگی مثل حبس نظری هستند حتی بخانهٔ‌یکدیگر نمی‌توانند بروند، صدراعظم ووزیر امورخارجه هیچکدام ازمذاکرات تشریفات اطلاع ندارند، تاحال پنج شش دفعه منیر پاشا ناظر تشریفات ورضا پاشا را بسفارت فرستاده است ، صورت تشریفاتی فرستاده بودند لفاً ترجمه آن ازلحاظ انور عالی خواهدگذشت ، درجواب گفتم یقین دارم‌که این تشریفات در خاکپای ولینعمت همایون من‌موقع قبول نخواهد یافت زیراکه در نزد سایر سلاطین واهالی ایران برای ذات مقدس همایون موجب مسئولیت عظیمه خواهد شد .

سایر سلاطین می‌توانند ایرادکنند که چرا یك حقی از حقوق سلطنت را ترك کرده سابقه برقرار فرمودند .

بعد ازآن بارضاپاشا پیغام داده‌بودند وقسم یادکرده‌بودندکه مقصود من‌العیاذبالله توهین شخص‌همایون شاه نیست ولی چون فلانی‌را مثل سفرای اجنبی نمیدانم بجهت اعتمادی‌که باو دارم خجالت را برکنار گذاشته می‌گویم ، می‌ترسم ، وکلای دولت من خائن هستند، پادشاه مخلوعی موجوداست وبرادران من مم بزرگند وهمیشه‌خیالات فاسده درحق من دارند ، البته اعلیحضرت شاهنشاهی راضی نخواهند شدکه در زمان حضور ایشان غائله ناگواری ظهورکند .

گفتم عبدالعزیز خان مرحوم کار را آسان کرده‌اند و سابقه نهاده اند بهمان تشریفات قناعت میکنیم .

بعد منیر پاشا آمد دو سه نقطه‌را تغییرداده بودند ، اول اینکه یکی‌ازوزرا با یك سفیر عسکری در بلغارستان استقبال کند و یکی از صدراعظم‌های سابق درادرنه شرفیاب‌شود ویکی‌ازشاهزادگان درسرراه‌آهن استقبال‌کرده درکالسکهٔ‌همایون به‌سرای برود و سلطان درموقف کالسکه استقبال کرده بکالسکهٔ همایون نشسته اعلیحضرت همایونی را بمنزل معین برسانند ، بعد اعلیحضرت همایون بازدید فرمایند .

گفتم عبور اعلیحضرت همایون ازاسلامبول بحضور اعلیحضرت سلطان بهیچوجه قبول نخواهد شد .

گفت اگر گار راه‌آهن تمام شد و منظم بود ممکن بود و گار حالا پر ازگرد و خاك وقابل پذیرائی چنین مهمان بزرگی نیست .

گفتم چون حالت سلطان‌را میدانم محض استراحت وجود وخاطر ایشان میتوان طوری‌کرد وآن این‌است‌که چون حقیقتاً موقع وموقف راه‌آهن خیلی‌مغشوش وبواسطه بنائی پراکنده وغیرمنظم‌است می‌شود آنجا را منزل آخر فرض نکرده یکی ازمنازل دیگر اسلامبول تصور بکنیم واعلیحضرت سلطان داخل‌کشتی شده بااعلیحضرت‌همایون بیرون رفته سوار کالسکه شده تشریف فرمای سرای یلدز بشوند ، هم برای استراحت سلطان وسیله می‌شود وهم مثل تشریفات عبدالعزیزخان مرحوم می‌شود .

گفتم بلکه بتوانم اعلیحضرت همایون را به قبول این معنی راضی کنم زیاده براین را نمیتوانم برعهده بگیرم و یقین دارم که از آمدن باسلامبول صرف نظر خواهند فرمود .

منیرپاشا مراتب‌را بسلطان عرض‌کرد مجدداً آمده‌گفت بواسطهٔ وضع‌زمان‌حاضر صورت تشریفات با تعدیلات چندی‌که شد قابل‌تغییر نیست ، خواهش سلطان این‌است که شما مراتب را بعرض حضور همایون برسانید و هرچه زودتر جواب هرچه باشد ازرد وقبول بما بدهید، با صدراعظم ووزیرخارجه مکرر مذاکره‌کرده‌ام همگی‌اظهار

انفعال کرده جرأت اینکه یك کلمه حرف بزنند ندارند ، حتی وزیر خارجه محرمانه گفت : اگرکه یکی ازماها حرفی بزند همان ساعت یقین می‌کند که خیالی درحقش دارند و تشریف فرمائی موکب همایون را از برای اجرای خیالات خود موقع فرصت اتخاذ خواهند کرد و با سفرا هم مذاکره کرده ام همگی چون از حالت سلطان مطلعند اظهار تعجب نمی‌کنند ولی تا دستور العملی ازدولت خودشان نرسد اقدامی نخواهندکرد .

این است صورت حال ، شاید همینکه ترك عزیمت همایونی باسلامبول منتشر شد بحکم اضطرار تغییری بدهند چنانکه درزمان عبدالعزیزخان هم میخواست بکشتی نیاید رسماً گفتم اگر سلطان بکشتی تشریف نبرند اعلیحضرت همایون بطور تبدیل و ناشناس آمده درعمارت خودشان که سفارت است منزل کرده بهیچوجه مهمانی قبول نکرده همینقدر با سلطان ملاقات کرده خواهند رفت .

در پهلوی سفارت، خانهٔ رؤف پاشا را برای یك هفته کرایه کرده عملجات برای تفریش انداختم .

همینکه خبر به بابعالی رسید وزیرامورخارجه خودش فوراً بسفارت آمده گفت سلطان درکشتی استقبال خواهدکرد .

بالجمله حالت واهمهٔ سلطان در حضور همایون خارج از حد تصور خواهد نمود ولی همینطوراست ، چنانکه عرض کردم سالی سه دفعه ازسرای بیرون میرود و بس .

عرض این فقره‌راهم لازم میدانم که در زمان سلطان‌عزیزحرف خلافت باینطورها طرف اهمیت نبود ، حالا بطوری مبالغه در اینباب دارند که بتصور نمی‌آید ، عقلای قومشان خلاصی دولت را در استقرار و اثبات خلافت میدانند ، چنانکه اگر رجوع

بمطبوعات و روزنامه‌های اینجا بفرمایند محقق می‌شود ، دور نیست که یك سبب عدم استقبال هم این باشد .

بذهن سلطان داده‌اند که امیرالمؤمنین و امام‌المسلمین و خلیفهٔ حقیقی پیغمبر است باید بسایر سلاطین اسلام تفوق داشته باشد، این‌فقره از تصورات و حدسیات‌خود بنده‌است‌شاید اینطور نباشد و سبب‌همان ترس و واهمه بی‌معنی‌است ، بالجمله‌محسنات تشریف‌فرمائی همایونی زیاد است از آن جمله قرار و انجام بعضی مسائل عمده مثل مسئله تحدیدحدود و تعدیل‌مقاوله‌نامه اخیره و تشیید مبانی دولتین ، ولی‌حق‌سلطنت راهم بهیچوجه نمیتوان ترك‌کرد . اگر رای‌صوا بنمای همایونی مصمم تشریف‌فرمائی است باید درپطرزبورغ اقدامات بفرمایندکه از جانب شخص امپراطور تعلیمات‌قویّه بسفیرکبیرروس برسد وبجناب‌ناظم‌الدوله(ملکم)هم‌تلغراف بفرمایندکه‌از«فورین‌افیس» تعلیمات بسفیرکبیر انگلیس بفرستندکه با بنده همراهی‌کرده قرار تشریفات راطوری بدهیم‌که حقوق‌مقدسهٔ سلطنت محفوظ بماند والاّ ازآمدن اسلامبول صرفنظرفرموده بنده در اینجا بطور حکیمانه و نزاکت بطوریکه اسباب رنجش نشود اعلام می‌کنم و هنگام شرفیابی‌هم نامه ودستخطی مرقوم و اعتذار می‌فرمایند غائله رفع می‌شود .

شخص مقدس همایون را بسایر سلاطین اروپا قیاس نمیتوان‌کرد ، اگر در حق آنها درتشریفات قصوری‌شود در نظر اهل مملکت چندان‌اهمیت‌ندارد ولی درتشریفات قدوم همایونی اگراندك قصوری شودکلی‌خواهد نمود و در عالم‌اسلامیت موجب‌سوء ـ تأثیر خواهد بود ، درباب مسئله‌حدودو اصلاح بعضی امور هم باید دستورالعمل‌مؤثر بسفرای‌کبار دولتین واسطه برسدکه رقابت راکنارگذاشته جداًبا بنده همراهی‌کنند ، ازباب تشریفات اگر از برلن بسفیرکبیرآلمان دستورالعمل برسدکه بطور نصیحت و

خیر اندیشی اقدام کند خیلی مؤثر خواهد بود زیرا که پولتیك دولت آلمان در مزاج سلطان رسوخ تمام دارد و از صوابدید آنها تخلف نمی‌کند و چون دولت مشارالیها مایل حسن مراودهٔ دولتین اسلام است البته اقدام خواهد کرد و قطعاً مفید خواهد بود.

بالجمله شرفیابی بنده قبل از وقت خیلی لازم است در پاریس یا در خاك آلمانیا، بنده در اوایل ماه ژوئیه که اوایل ذیقعده می‌شود انشاءالله به‌مارین باد میروم و منتظر امر و ارادهٔ همایونی می‌شوم.

جواب اینعریضه را منتظرم که بزودی با تلغراف مرقوم و تکلیف را معین فرمائید زیاده چه عرض شود ـ ۹ رمضان ۱۳۰۶ ـ مهر ـ عبده محسن ابن کاظم.

صفحهٔ اول گزارش معین‌الملک

صفحهٔ دوم و سوم گزارش معین‌الملک

صفحهٔ چهارم و پنجم معین‌الملک

نامهٔ چهاردهم

دستخطی است از ناصرالدین‌شاه به‌سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان دربارهٔ کمك بوصول بستا نکاریهای بانك شاهنشاهی در اصفهان .

ظل السلطان ـ میدانید که عمل بانك انگلیس‌ها بموجب یك قرارنامه که بامضای ما رسیده است برقرار شده است دیگر امکان ندارد که بتوان او را منسوخ کرد یا فصول آن راکه یکی از آنها تقویت دولت است در عمل داد و ستد بانك ، تغییری داد .

دستخط ناصر الدین شاه

اگر خدانخواسته بهانه بدست آنها داده شود و ادعای ضرر و خسارت بکنند ده مقابل بالاتر ازعمل رژی تنباکو ضرر بدولت خواهدخورد. حالا چندی است که رئیس بانك طهران کاغذها می نویسد و شکوه می کندکه دراصفهان قریب هشتصد هزار تومان معامله و داد وستد دارم ظل السلطان در وصول آنها تقویت نمی کند و آخوند ها برای ما بازی درمی آورندکه این کار شرعی نیست و طلب بانك را نبایدکسی بدهد ، خوردن پول کفار حلال است، و خیلی شکوه دارد و بی‌مزگی می کند .

شما نوکر عاقل دولتخواه ما هستید ، میدانیداگر خدانکرده یك بهانه بدست اینها بیفتد چه‌ها خواهندکرد و در حقیقت دولت ایران درضرر این کار تمام خواهد شد ، البته طوری بکنیدکه رئیس بانك اصفهان راضی باشد بهرکس پول داده است یا میدهد پولش راوصول کرده در سر وعده برسانید و زیاده‌از اندازه مراقب این کار باشید که مبادا عیبی بکند و باید طوری بگذرد که رئیس بانك آنجا برئیس بانك طهران اظهار رضامندی بکند ، زیاده چه تاکید شود ۳۱۱ .

نامهٔ پانزدهم

نامه‌یی است ازشیخ محمد تقی (آقا نجفی) مجتهد معروف اصفهان به حاج میرزا حسن آشتیانی روحانی متنفذ طهران، دربارهٔ فتنه‌انگیزی فرقهٔ بابی و جدالهای مذهبی دراصفهان نوشته شده است (۱) .

---

۱ ـ شیخ محمد تقی آقا نجفی فرزند شیخ محمد باقر آقا نجفی است که او نیز دراصفهان مرجعیت ونفوذ روحانی داشته ودربرابر دولتیان برای مردم یك ملجأ ومظهر قدرت توده بوده است .

شیخ محمدتقی پس ازمرگ پدر یکی‌ازپسران خودرا بنام پدر موسوم ساخت واوشیخ محمد باقرالفت بودکه چهارسال پیش‌درگذشت ، الفت‌درعلوم دینی و عرفان و ادب و فلسفه دست داشت غزلهای لطیف می‌سرود ، مردی گوشه‌گیر ودارای معتقدات ماسونی بود .

بسمه تعالی ـ معروض میدارد انشاءالله تعالی در پناه حضرت ارحم الراحمین محفوظ بوده باشید ، در این اوان جمعی از فرقهٔ ملعونهٔ بابیه علیهم‌الاف اللعنه در قصبهٔ اردستان که زیر سر اصفهان است طغیان نموده علانیه مشغول اخلال و اعلان کلمهٔ کفر هستند ، کتب بابیه را علانیه میخوانند .

بطوری شدت کرده‌اند که بسیاری از سادات و مسلمانان آن حدود از بابیه تقیّه می‌نمایند .

چند روز است جمع کثیری از سادات ومؤمنین آن حدود باصفهان آمده از شدائد کفر بابیه تشکی دارند .

البته حکایت مفاسد این فرقه را در سایر نواحی مثل زنجان وبشرویه و غیره در تواریخ بنظر شریف رسیده که چند شهر مثل زنجان وغیره از مفاسد بابیه خراب شده ، هرگاه‌گاهی یك نفر دو نفر ازرؤسای بابیه مقتول شوندآتش فتنه‌آنها خاموش(۱) می‌شود وهرگاه مسامحه شود بساهست ازمفسدهٔ بابیه عماً قریب اردستان‌هم مثل زنجان خراب میشود .

مفاسد بابیه اسباب خرابی ملت‌ومملکت است ، میدانید این فرقهٔ خبیثه‌دشمنان حضرت صاحب‌الامر صلوات‌الله علیه هستند و کمال عداوت را با دولت علیه‌اسلامیه دارند، خداوند عز اسمه کلمهٔ سرکار عالی را در اسلام‌مسموع قرار داده مستدعی‌هستم حکمی از اولیای دولت صادر شودکه بعضی از رؤسای بابیه قصبهٔ اردستان که ملجاء کفرو منشاء فتنه وفساد هستند مطابق حکم شرع مطاع بعداز ثبوت در محضر علماء اصفهان‌سیاست‌شوندکه آتش فتنه‌خاموش شود ومسلمانان آن‌حدود ازشدائدکفرآسوده شوند و بدعاگوئی‌وجود مبارك‌اعلیحضرت‌سایهٔ‌خدا مشغول باشندزیاده‌عرضی ندارم . در قلعهٔ‌سن‌سن‌که نزدیك به ولایت‌قم‌است محمدبیگ‌نامی‌است برحسب شیاع‌قطعی ارتداد کفراوثابت شده ازفرقهٔ‌ملعونه بابیّه‌است مستدعی‌است حکمی‌مخصوصاً دررفع وقتل او صادر شود ومفسده کلیّه رفع شود . پشت‌کاغذ مهر- عیدهٔ محمد تقی ابن محمد باقر .

---

۱ ـ درمتن خواموش .

نامهٔ آقا نجفی

نامهٔ شانزدهم

نامه‌یی است از امیر نظام‌گروسی پیشکار آذربایجان ، خطاب به میرزا علیخان‌امین‌الدوله رئیس دارالشورای دولتی ووزیر پستخانه‌درباره چاپارخانه‌های راه آذربایجان نوشته شده است (۱) .

---

۱ ـ حسنعلی خان امیرنظام‌گروسی از رجال با تدبیر وصاحب شمشیر وقلم، چندی وزیرمختارایران درپاریس‌بود ومدتی هم درلندن مأموریت‌داشت سالها نیزوزارت فوائد عامه را اداره میکرد وبه وزیر فوائد معروف بود ، دردورهٔ پیشکاری آذربایجان به‌امنیت‌آذربایجان خدمت کردومظفرالدین میرزا ولیعهد محکوم حکم اوبود .

فدایت شوم ـ عرض و اظهار این مطلب را از تکالیف لازمهٔ چاکری و عبودیت خودم درخاکپای همیون (همایون) اقدس اعلی روحنافداه و از متقضیات اخلاص در خدمت جناب مستطاب عالی میدانم که چاپارخانه‌های (۱) آذربایجان که اصلا و اساساً هم بی‌استحکام بودند این اوقات بطوری‌خراب‌شده وازحیّز انتفاع‌افتاده که‌اکثر اسب‌های‌چاپارخانه‌را بدهات‌اطراف برده و کرایه‌داده نگاهداشته‌اند.

حالاکه ادارهٔ پسته (پست) بهمه‌جهة‌منظم وطرف رجوع‌داخله وخارجه‌ومنزلگاه‌عابرین‌ومسافرین است حیف ودریغ است که وضع چاپارخانه ها که از بیوتات دولتی است اینطورخراب بماند و اقدامی درتعمیر وتجدیدآنهانشود و از لوازم دولتخواهی جناب مستطابعالی است‌که وضع و حالت چاپارخانه ها را بخاکپای اقدس عرض وبرای‌تجدید چاپار خانه‌ها بنحوی که لایق شأن دولت باشد قراربدهند واین‌بنده متقبل‌می‌شوم که بوکالت جناب مستطاب عالی چاپارخانه ها را بطوری‌که جامع وضع چاپارخانه و قابل ابنیهٔ دولتی‌باشدبناکرده باتمام برسانم.زیاده مصدع نمی‌شوم و به اقتضای چاکری و دولتخواهی ضرورت تجدید چاپارخانه های آذربایجان را تکرار می‌نمایم.

ایام شوکت‌وجلالت پاینده‌باد۲جمادی‌الاخر ۳۰۸ ـ پشت‌کاغذ مهر‌ـ‌امیر نظام.

نامهٔ امیرنظام

۱ ـ در متن سند «چاپارخانه‌ها» همه جا بصورت «چاپارخانها» نوشته شده است.

نامهٔ هفدهم

گزارشی است از امین‌الدوله که پیوست نامهٔ امیر نظام دربارهٔ راهسازی ایران و تجدید بنای چاپارخانه‌ها و احداث مهمانخانه‌های بین راه برای ناصرالدین شاه نوشته است.

قربان خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت اقدس همایونت شوم . جناب امیر نظام شرحی باینغلام نوشته‌اند ازشرف ملاحظهٔ انور همایونی می‌گذرد . حالت همهٔ چاپارخانه‌ها این است وباتغییر هوا وشدت بارندگی همه سست بناهای‌کهنه وخاکی قدیم قابل حفظ وبقا نیست .

وجوه تعمیرات دیوانی درغالب جاها بمصرف‌کرایهٔ طویله ومنزل میرسد ،آنچه راکه سابقاً بخاکپای همایون معروض داشتم و چنان وانمود شد که امتیاز طرق و شوارع استدعا شده است خدا میداند بتصور خدمتی بدیوان همایون بود ، چون بالمشافهة العلیه مقرر شد دوباره همان طرح وترتیب‌را معروض دارم جسارت میکنم و امید ندارم‌که دیگر با تفرقهٔ اسباب ممکن‌الاجرا باشد .

خانه زاد عرض میکردم درراههایی‌که امتیاز ساختن آن باشخاص وکمپانی‌ها داده شده است حکم شود منازل‌را بسازند چرا که جزء عمل راه‌آنها است وراههایی راکه هنوز امتیاز آنهارا به احدی نفرموده‌اند اجازه مرحمت فرمایند شرکتی تشکیل دهم منزلها را خوب وکافی بسازند در عبور و مرور مردم و مسافرین اسباب راحت باشد واگر بتوانند عرّاده وکالسکه هم راه بیندازند .

هرساعت‌که اراده‌فرمودید یك‌راه‌را بیك‌کمپانی واگذارند آهنی یاشسّه بسازند آن‌کمپانی حقوق این شرکت را ازبابت ابنیه وپل وراهسازی که‌کرده باشند بدهد وضرری نکرده باشند .

مثلا درراه خراسان‌که منازل دور بی‌آب هست ودرراه یزد وکرمان‌که اینطور مسافت‌های سخت وصعب داریم اشخاصی هستندکه بشرط اطمینان آب بیرون بیاورند جا ومنزل بسازند ، چون اجازه نیست راهها صعب‌العبور مانده است .

درراه لاریجان از اضطرار یك مبلغی داده‌ام و عجالتاً یك قنات وآبادی تازه

دربالای «مشا» دائر کرده‌اند و خیلی مایهٔ رفاه مردم شده است ، درصورتیکه هنوز با تحقیقات ورسیدگی‌های مکرر مخارج اینغلام را ازبابت راه‌گیلان نداده‌اند وقرض آن بدوش چاکر خانه زاد مانده است ـ الامر الاقدس الاعلی مطاع .

ناصرالدین‌شاه درپشت پاکت نوشته است :

امین الدوله ـ دراین فقرات عمل راه و ساختن چاپارخانه و مهمانخانه و . . . باجناب امین السلطان حرف بزنید هرقراری که مقرون به صرفه دولت و ملت است بدهید ۳۰۸ .

گزارش امین الدوله

نامهٔ هجدهم

نامه‌ئی است از کنت منت فرت اتریشی وزیر نظمیه و بنیانگذار پلیس ایران (۱) .

کنت این نامه‌را به‌امین‌السلطان نوشته واز کار پلیس طهران مطالبی برای اطلاع ناصرالدین شاه یادآور شده‌است، این گزارش مربوط به‌آغاز تظاهرات مخالفان قرارداد رژی درطهران می‌باشد .

---

۱ ــ پلیس ایران در۱۲۹۷ قمری بدستور ناصرالدین‌شاه تأسیس شد و به وزارت نظمیه موسوم گردید دربالای آگهی تأسیس پلیس‌که ازطرف دولت منتشر شد این رباعی ازناصرالدین‌شاه دیده می‌شد .

رندانه حذرکنید یاران ز پلیس — یك‌جو نرود بخرج ایشان‌تدلیس

در محبس کنت منت خواهد افتاد — برچرخ اگر خطانماید برجیس

وزارت جلیلهٔ نظمهٔ دولت علیهٔ ایران ــ ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۰۹ بعرض حضور حضرت مستطاب اشرف امجد افخم عالی مدظله میرساند.

این بنده کمال تشکر ازخاکپای مبارك همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه حاصل نمود ازاینکه امر و مقرر فرمودند در قراولخانه‌ها سرباز گذارده شود، اینفقره کمك بزرگی است برای نظم و امنیت شهر خاصه در همچو موقعی که این فرنگیهای احمق بی‌جهت اینطور اظهار وحشت می‌کنند اسباب تسلای بزرگی است اما این بنده هم مادامیکه مسئولیت بعهده دارم و غرامت دزدی باید بدهم (۱) ملتفت کار خودم باید باشم که اولا این سربازها ازیك فوجی باشند که متهم بدزدی وشرارت نباشند چنانچه حالا اغلب گفتگوی دزدی و طرف سئوال و جواب خود این سربازها هستند و غالباً اشکالات اداره پولیس با آنها است. قبلهٔ عالم ارواحنا فداه خوب می‌شناسند اگرچه شنیده‌ام این فوج موقتی است بعد عوض خواهد شد اما پنجروز بودن آنها در شهر برای اینکه پولیس بیچاره تا دو سال دیگر غرامت دزدی آنها را بدهد کافی است.

ثانیاً ازفوج دیگر هم که گزارده شده باید دستورالعمل سخت بآنها داده شود که ابداً مخالفت باپولیس ومداخله درکار پولیس نکنند، وجود آنها برای این است که در تمام نقاط شهر برای انظار مردم سرباز دیده شود و هروقت محتاج به کمك آنها شدند و حکم دادند کمك کنند والاّ درقراولخانه‌ها باید حالت سربازخانه را داشته باشند نه اینکه شبها یا روزها بی‌جهت اسباب گفتگو وحرف با پولیس بشوند.

ثالثاً درهرقراولخانه یکنفر نایب پولیس ویکی دونفر پولیس همیشه حق داشته باشند یا دربرف وباران بخواهند پناه بگیرند بنوانند، مقصود این است که اگر واقعاً

۱ ــ ازاین گزارش چنین پیداست که درآغاز تأسیس نظمیه درعصر ناصری دربارهٔ اموالی که درشهر بسرقت می‌رفته هرگاه پلیس درمدت محدودی به‌پیدا کردن اموال دزدزده موفق نمی‌شده مسئول تاوان صاحب مال بوده است.

میل‌مبارك به‌بقای این‌اداره وهیئت پولیس‌که بعدازپانزده‌سال زحمت ودوکرور مخارج باینجا رسیده است علاقه دارد باید در نهایت سختی بسربازها قدغن کردکه مداخله در کارپولیس نکنند مگروقتی‌که ازآنهاکمك بخواهند چنانچه درفرنگ رسم است والا اگر بخواهند دست بگرفت وگیر مردم بزنند و درعمل نظم مداخله کنند معایبش را حضرتعالی وخود بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ارواحنافداه خوب ملتفت هستید و استدعای دیگر این بنده بعد از این مدت چاکری این است که بعد ازآنکه این گفتگوها رفع شد قبلهٔ عالم این خفت بزرگ را باین بنده نپسندند وبکلی سرباز را ازقراولخانه موقوف‌کنند .

پانزده سال بدون سرباز این شهر حفظ شد همه‌کس هم راضی بود و امنیت در نهایت خوبی برقرار بود ، باز هم همانطور ممکن است باشد .

این بنده خیلی افسوس می‌خورد ازاینکه حضرت والا (۱) بعد ازمدتها موقع بدست آوردندکه آرزوی خود را برضد ادارهٔ پولیس باآنهمه میل وتقویت شاهنشاهی روحنا فداه مجری بدارند .

خداوند انشاءالله صد وبیست سال بقبلهٔ عالم عمر بدهد و جان همهٔ مارا تصدق وجود مبارك او بکندکه باز چشم امید بقدرشناسی قبلهٔ عالم است .

تعجب دارم ازاینکه فرنگیها مگر فرنگستان را فراموش‌کرده‌اندکه هرساعت یك همهمه و شورش برپا می‌شودکه باین شدت اظهار وحشت می‌کنند ، در هرحال اینکه خیلی جسارت کردم برای این بود که مادامی‌که مسئولیت دزدی و نظم بعهدهٔ چاکر است نمیتواند سکوت بکند ، ناچار باید موانع‌کار را بعرض برساند و چون حضرت اجل‌را امروز ازهمه‌کس انصافاً دولتخواه‌تر و بحال دولت دلسوزتر میدانم این است که عریضه را بحضرت اجل خطاب کردم و استدعا میکنم بعرض خاکپای مبارك برسانید وکسب تکلیف برای این بنده بفرمائید. زیاده عرض وجسارت نمیکند .(۲)

امضاء ـ کنت دمنت فرت

---

۱ ـ کامران میرزا نایب‌السلطنه وزیرجنگ‌که باایجاد وتوسعهٔ پلیس مخالفت میکرد.

۲ ـ در زیرنویس صفحهٔ ۷۱ ، سال ۱۲۹۷ خطا و سال ۱۲۹۵ ق درست است (سال تأسیس پلیس) .

گزارش کنت وزیر نظمیه

نامهٔ نوزدهم

گزارشی از اتابك در بارهٔ مخبرالدوله و خودداری وی‌از تحویل گرفتن مایملك کمپانی رژی که بدولت ایران واگذار شده بود ، تاریخ این‌گزارش همزمان با ماه ربیع‌الاول ۱۳۱۰ ق می باشد . (۱)

---

۱ ـ علیقلی خان مخبرالدوله پسر رضاقلیخان هدایت (لله باشی) سرسلسله خاندان هدایت ومؤلف دوکتاب نفیس «مجمع‌الفصحاء» و «ریاض‌ـ العارفین » می‌باشد و مخبرالسلطنه هدایت فرزند مخبرالدوله است .

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - آنچه این غلام فهمیده و استنباط میکنم از سایرین‌هم شنیده است مخبرالدوله مقصودش طفره ازاین‌کاراست و میخواهد شانه خالی‌کند بسه ملاحظه ، یکی اینکه زحمت نکشد ، یکی دوستی و خصوصیت که با انگلیس‌ها دارد (۱) .

یکی‌هم ترسیده است‌که بمحض تحویل گرفتن آنوقت فوراً بنای حواله به او بشود و پول ازاوبخواهند ، چنانچه به شیندلرصاحب (۲) که دوست خودش بود گفته بودکه ، مگردیوانه‌ام اینکار را بکنم وخودم‌را طرف حساب باشاه بکنم‌که در خانهٔ مرا ازپاشنه بردارند ، شیندلرهم محرمانه به‌رابینو رئیس‌بانک‌گفته‌بود اوهم محرمانه باینغلام گفت :

مقصود از جسارت این است‌که مسئله در نظر مبارك باشد او را در بین صحبت مأیوس بفرمایید از اینکه بدیگری رجوع شود زیرا که حقیقتاً آدمی غیر از او نداریم و با اسباب جمع و احـ ای حاضر کار کار اوست - زیاده قدرت جسارت‌ندارد الامرالاقدس الاعلی مطاع .

شاه در بالای گزارش نوشته است .

مخبرالدوله غلط می‌کند پهلو خالی می‌کند نوکر است هرچه حکم می شود باید عمل‌کند اگر کار صحیح باشد البته نمیتواند انکار نماید .

---

۱ - لردکرزن درکتاب ایران و مسئله ایران و ژنرال سایکس درجلد دوم تاریخ ایران نیز از مناسبات دوستانهٔ مخبرالدوله با انگلیس‌ها سخن گفته‌اند .

۲ - آ. هوتوم شیندلر (A. Hautum, Shindler) افسرمهندس بود ودر ارتش انگلیس درجهٔ سرتیپی داشت به استخدام دولت ایران درامد و از سال ۱۲۹۹ ق مأمور ساختن خطوط تلگراف شد و بسیاری از راههای ایران را نقشه برداری‌کرد و درگسترش خطوط تلگراف ایران خدماتی نمود .

گزارش را بابک و دستخط شاه.

نامهٔ بیستم

گزارشی‌است از اتابك بـه ناصرالدین شاه دربارهٔ تجدید قرارداد شیلات با لیانازف روسی (۱)

---

۱ ـ نخستین امتیازی‌که اتباع روسیه در زمان ناصرالدینشاه در ایران بدست آوردند امتیاز بهره برداری از مراکز صید ماهی درقسمتی از سواحل گیلان بود .

این امتیاز درسال ۱۲۸۵ قمری بصورت اجاره به لیانازف داده شد و پیش‌ازآنکه بوسیله اتابك تمدید شود یکبار دیگر در زمان صدارت میرزا حسین‌خان سپهسالار تمدیدشده بود و آخرین‌بار در زمان صدارت عین‌الدوله (صفر ۱۳۲۴ ق) برای مدت بیست سال تمدید شد .

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم - لیانازوف مستاجر شیل آمده تاحالا اینجا بود قریب دوساعت گفتگو کردیم واورا از تمام خیالاتی که داشت ازدادن تخفیف و اینکه دولت رودخانهٔ سفید رودرا بطوریکه او می‌خواهد به بندد که اقلاً بیست هزار تومان خرج دارد، انداختم وگفتم امکان ندارد ومن نمیتوانم دراین‌فقرات با شما قرار ومداری بدهم.

بعد رفتیم برسر تجدید قرارنامه، دیگر اگر بخواهم عرض کنم که چقدر در این مسئله حرف زدیم وبچه استادی اینغلام خانه‌زاد برداشت مطلب را کردم همینقدر جسارت می کنم که قرار شد سالی چهار هزار تومان علاوه بدهد که درسالی شصت هزار تومان نقد داده شود و قسط را هم مثل همان قرارنامهٔ اولی که با سپهسالار مرحوم بسته بود بدهد وتفاوت تنزیل همین فقرهٔ تغییر قسط البته سالی پنجهزار تومان بلکه بیشتر است، قرارنامه هم ده‌ساله بسته خواهد شد وچون به او حالی نموده‌ام که‌دیناری خرج ندارد عمل باینطور گذشت.

بدیهی‌است که اگر غلام خانه‌زاد هم مثل سایرین طمع داشت هرگز نمیتوانست این طور قراردادی بدهد، اینها تمـام از اقبال همایون است ابداً این غلام اظهار خدمت نمی‌کند واین خدمتهای جزئی قابل عرض واظهار نیست خداوند جان‌ناقابل این غلام را تصدق خاکپای همایون بگرداند - زیاده قدرت جسارت ندارد - الامر الاقدس الاعلی مطاع.

ناصرالدین‌شاه دربالای نامه نوشته است «جناب امین‌السلطان - عمل ازاین‌بهتر نمی‌شود که با لیانازف گذرانده‌اید علاوه برمحسنات دخل وخرج محسنات پلیتکی (پلیطکی) هم دراین وقت دارد، هزار آفرین برشما.

گزارش اتابک ودستخط شاه

نامهٔ بیست و یکم

گزارشی است از اتابك به ناصرالدین شاه دربارهٔ گفتگوی با کاردار سفارت روس و حاجی میرزا حسن آشتیانی دربارهٔ قرارداد تنباکو(۱)

۱- دیگر اسناد مربوط به قرار داد رژی و قیام مخالفان قرارداد در کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه چاپ شده است .

دیروز رُشتی(۱) میگفت که بوتسوف(۲) میگفت که رئیس ملت بشاه نوشته است که باید تمام امتیازاتی که ازهر بابت بکفّار داده شده است برگردانید منحصر بهمین تنباکو نیست وصورت آن تلگراف که بتوسط نایب السلطنه در چهار ماه قبل شده است حالا پیش من حاضر است (۳) ، رُشتی گفته بود ، امتیازاتی که بعمل آمده و برقرار شده است مثل بانك و معادن و راه آهن شاهزاده عبدالعظیم چطور برمیگردد (؟) گفته بود تمام برمیگردد ومن هم منتظرم که بعداز برگشتن آن امتیازات خدمت شاه رفته عرض کنم که باید عهد نامهٔ ترکمان چای را بفرستید بامضای علمای ملت برسانند .

خلاصه از این مزخرفات خیلی گفته بود ، رُشتی که درحقیقت یك نوع حالت صدق خوبی دارد فوراً ازآنجا نزد غلام آمده تفصیل را نقل کرد .

آقا میرزا حسن آشتیانی در جواب پیغام این غلام که گفته بودم : شما بمجلس بیایید فقرات قرارنامه راملاحظه نمائید بلکه انشاءالله آنهاکه عیب دارد درست شود، گفته بود، این کاراصلاح بر نمیدارد باید موقوف شود مگر امین السلطان تلگراف جناب میرزا را که چهار ماه قبل بتوسط آقای نایب السلطنه بحضور مبارك شده است ندیده است ، بگو تلگراف نزد آقای نایب السلطنه حاضر است بگیرند بخوانند این امتیازات همه باید برگردد وتا برنگردد جناب میرزاآرام نمی گیرد .

خانه‌زاد به اوپیغامات خیلی سخت دادم وتهدیدکردم تا قدری آرام گرفت، گفتم ابداً اسم امتیاز و امتیازات نبرید و بی جهت القای شبهه‌های بی معنی بمردم و بعوام نکنید ، این حرف‌ها قباحت دارد کاردولتی وامتیازات چه ربطی بعلماء وعمل‌مذهب دارد، پس تلگراف وپست هم یقین حرام است .

۱ـ کاردار سفارت روس . ۲ـ وزیرمختار روسیه .

۳ـ تلگراف اشاره شده درص۸ کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه چاپ‌شده‌است .

باری هر طور بود اورا تا امشب باین مقام آورده‌ام که حرفهای دیگر را کنار گذاشته فقط در اصلاح همین مسئله تنباکو حرف بزند ببینم چه میتوان کرد تاانشاءالله فردا در مجلس معلوم شود چه‌خواهدگذشت وانشاءالله امیدوارم‌که درمجلس بتوان کاری کرد ، درشهر و نزد سایر علماء هم خبری نیست سهل است امام جمعه و آقاسیدعبدالله(۱) وآقاسیدعلی‌اکبر(۲) متصل‌نزد این‌غلام‌می‌فرستندکه‌هرچه‌میل‌دارید بگوئید ماها حاضریم سهل است پریروز که این سه نفر از مجلس رفتند بغلام پیغام دادندکه امروزما منتظربودیم‌که بماهم قلیان تعارف‌کنید بکشیم نکشیدن شما وآقای نایب‌السلطنه درحضورماها برما هم مسئله را مشتبه کرده است‌که شاید میل‌اعلیحضرت همایونی وشماها هم براین است .

این هیاهو واین تفصیلات هم که وزیر مختار نوشته است اصل ندارد و مردم خسته شده‌کم‌کم‌مشغول‌قلیان‌شده‌اند اگردستهای‌آقای نایب‌السلطنه(۳) ومشیرالدوله(۴) بگذارد .

حقیقتاً خیلی عجیب است یکی بمشیرالدوله نمی‌گوید بدذات تورا چه باین فضولی‌ها . زیاده‌چه‌جسارت‌کند. الامرالاقدس الاعلی مطاع .

نوشته ناصرالدین شاه

شاه درپشت نامه نوشته‌است «این میرزاحسن‌پوسیدهٔ پدرسوخته چه میگوید (؟) این‌ها تودهنی می‌خواهند بسیار سخت » .

۱ـ بهبهانی . ۲ـ تفرشی (مجتهد) .
۳ ـ کامران میرزا فرزند ناصرالدین شاه .
۴ ـ میرزایحیی‌خان (برادرسپهسالار) شوهرخانم عزت‌الدوله خواهرناصرالدین‌شاه.

گزارش اتابک

نامهٔ بیست و دوم

نامه‌یی است که رابرت کندی شارژ دافر سفارت انگلیس بـرای میرزا علی اصغر خان امین السلطان (اتابك) ، دربارهٔ گرانی ارزاق و مایحتاج عمومی و شورش کوچك گروهی ازمردم پایتخت نوشته است .

محرمانه ودوستانه ـ فدایت شوم ، حضرت مستطاب اجل ازدوستی صادقانهٔ کامله که فیمابین دولتین علیتین ایران وانگلیس موجوداست وهمچنین از امتحانات وافیه که همیشه شخصاً درچیزهای راجعه بسعادت واقبال ایران نموده بخوبی مستحضر میباشند چندین مرتبه از اطلاعاتی که از جاهای متفرقه بوده وفرموده بودند که بجهة آنجناب مستطاب اشراف بافایده بوده بحضرت اجل عالی اطلاع داده دوستدار را هماره قرین افتخار فرموده‌آن اطلاعات را از نظر اعلیحضرت اقدس شهریاری گذرانیده‌اند . وضع مستحسنی که اعلیحضرت اقدس شهریاری قدر این کار را دانسته‌اند مرا ترغیب براین نموده‌که درباب یك مطلبی که راجع باموردا خلهٔ مملکت است ودوستداررا بهیچوجه درآن حق مداخله نیست مگربواسطهٔ دوستی کاملی که میانهٔ این دومملکت حاصل‌است اشعاری بنمایم .

از چندی قبل دوستدار مطلع است‌که طبقهٔ فقیر رعایای دولتخواه اعلیحضرت شاهنشاهی بواسطهٔ گرانی ملزومات زندگانی از قبیل نان و گوشت ، سوخت و غیره خیلی ناراضی میباشند ،

میدانم اعلیحضرت شاهنشاهی که همیشه حاضرند جهة استماع شکایات حقهٔ حقیرترین رعایای خود ، این مطلب را در تحت توجه ملوکانه داشته‌اند و نیز میدانم که حکم ملوکانه شرف صدوریافته است‌که قیمت ملزومات زندگانی را از روی قاعده وانصاف معین کنند .

بدبختانه بعضی از صاحب‌منصبان که نام‌آنها برتمام زبانها جاری است و از این جهة اسم بردن آنها بردوستدار لازم نیست طوری رفتار می‌کنند که بکلی این حکم همایونی اجرا نمیشود ومخفیانه احساس نارضایتی میشود .

بنا براین دوستدارمبادرت نموده محرمانه اشعار می‌کندکه حال موقع خوبی

است که مؤکداً مقرر فرمایندکه قیمت نازل صحیحی بجهة فروش لوازم زندگی معین شود ، فساداحمقانه‌که بروزکرده وبعضی ازگمراهان‌که دراین‌کاردست داشته‌اند حبس شده مجازاتی‌که مستحق می‌باشند یقین است از روی رحم و انصاف خواهد بود ولی رعایای‌کثیره اعلیحضرت شاهنشاهی که درحقیقت شاهدوست میباشند مخصوصاً خوب است دراین موقع ثبوت واضح بلا شکی داشته باشند که شکایات حقهٔ آنها بحضور انورمیرسد واعلیحضرت اقدس شهریاری‌بالشخصه مواظب مصالح رعایای خود بوده‌حتی امورات جزئیه‌آنها را رسیدگی می‌فرمایند ـ زیاده زحمت است .

فی شهر رمضان ۱۳۰۸ ـ پشت کاغذ مهر ـ رابرت‌کندی .

British Legation.
Tehran.

محرمانه و دوستانه

[illegible]

نامهٔ سفارت انگلیس

نامهٔ بیست وسوم

نامه دیگر از رابرت کندی شارژ دافر سفارت انگلستان برای امین السلطان دربارهٔ اختلاف مرزی ایران وافغانستان .

سفارت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان وامپراطور هندوستان ـ مورخه ۲۱ رمضان ۱۳۰۸ مطابق ۳۰ اپریل ۱۸۹۱ یادداشت ـ شرف آن را دارد در ایفاء ترجمه تلگرافی از جنرال مکلین (۱) درباب هشتادان(۲)که مراتب‌آن دیروزشفاهاً خدمت جناب مستطاب اشرف محاوره شد چنانچه جناب مستطاب اشرف مستحضر می‌باشندکه این دوقناتهائی که ذکرشده‌است ازاولیکه حکمیت قبول شده بود داخل ملکیت افغان آمده بود الحال معلوم شده است که سرقنات این دو قنات بطرف مغرب خط تحدید است در جنوب در خاك ایران است ، جنرال مکلین اظهار میدارد که برای سدّ منازعه آتیه خط سرحد چند ذرع بطرف مغرب حرکت داده شود ، برای اینکه سر قنات این قناتهائی که متعلق بافغان است در خاك افغان باشد .

البته این اقدام را بی رضای خاطر اعلیحضرت اقدس شهریاری نمیتوان‌کرد ، این فقره چنان جزئی است ومحتوی است از واگذاردن چند ذرع زمین‌کم قیمت که جسارت ورزیده امیدوارم اعلیحضرت‌اقدس شهریاری مساعدت دراظهار جنرال مکلین فرمایند ، الحال‌که این مسئلهٔ پرزحمت سرحد درحال انجام و اختتام است فقط یك هفتهٔ دیگر کار لازم دارد بخیال دوستدار خیلی حیف است که چندین هفته بجهة رجوع بجناب مستطاب فرمانفرمای هندوستان که منتج این خواهد شد که مکرراً رجوع به‌امیرافغانستان شود بتعطیل‌انجامد . این تکلیف را دوستدار بحضوراعلیحضرت اقدس شهریاری نمیکردم اگر چنانچه یقین نداشتم که نه همین مصالح دولت علیه ایران از این سبب نقصانی نخواهد یافت بلکه‌کمال فایده از برای دولت ایران دارد که مسئله هشتادان بزودی انجام بیابد چنانچه قبل ازین خدمت جناب اشرف عالی

---

۱ ـ افسر گارد سلطنتی انگلیس که بتقاضای دولت ایران برای ایجاد وسائل دفاعی در مرز ایران و روس بخراسان رفته بود و عضو کمیسون داوری دفع اختلاف سرحدی ایران وافغانستان نیزبود .

۲ـ سرزمین مرزی میان ایران وافغانستان .

اظهار نموده‌ام دوستدار خیلی مایل است که جنرال مکلین بتواند قبل از ورود حکمران تازهٔ خراسان مراجعت بمشهد نماید.

(پشت کاغذ) مهر را برت کندی

شاه جواب هردو نامه‌کندی را در پشت پاکت یک‌جا چنین نوشته است.

«جناب امین السلطان- در فقرهٔ تغییر علامات و بردن بسرقنات. نمیدانم صلاح است یا نه وهیچ اطلاعی ندارم باید فوراً این فقره را باتلگراف رمزاز ناظم‌الملک (۱) مشهد سئوال بکنید که آیا میتوان این تکلیف را قبول کرد یا نه (؟).

در فقرهٔ نرخ نان هم من ازخدا می‌خواهم همه چیز ارزان باشد وحکم میشود که مجلسی برپا نمائید که قرار نرخها را بدهند انشاءالله ارزان و بقاعده بشود. (۲)

۱- میرزا محبعلیخان مهندس.

۲- نوشتهٔ شاه چون بسیار فرسوده و بی‌رنگ بود تهیهٔ گراور آن ممکن نشد.

سفارت دولت بهیهٔ انگلیس

دارالخلافه طهران [illegible]

۲۱ رمضان ۱۳۰۸ مطابق ۳۰ آوریل

۱۸۹۱

نامهٔ سفارت انگلیس

یادداشت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نامهٔ بیست و چهارم

نامهٔ سر فرانك لاسلس وزیر مختار انگلیس به ناصرالدین شاه
دربارهٔ حسن روابط سیاسی دو دولت ایران وانگلیس وسپاسگزاری ازشاه .

باکمال توقیرواحترام مکشوف رأی ملوکانهٔ اعلیحضرت‌اقدس شهریاری‌میسازد.
اعلیحضرت اقدس شهریاری بموجب دستخط مبارك این دولتخواه را سرافراز و از اقداماتی که در باب وجه استقراض برای پرداختن خسارت کمپانی (۱) دخانیات شاهنشاهی بعمل آورده بود اظهار قدردانی و رضایت فرموده بودند ، لهذا با کمال توقیر واحترام تشکرات قلبی خود را مشهود رأی مبارك اعلیحضرت شهریاری‌میسازد.
از اینکه مستقیماً بنگارش دستخط مبارك این دولتخواه را سرافراز فرموده بودند مراحم ملوکانه را درحق‌خود به‌اعلی(۲) درجه مشاهده‌نموده نهایت خرسندی‌را دارم.
از اینکه در موقعی که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نهایت اهتمام را برای معاونت دولت آن اعلیحضرت بعمل میآوردند این دولتخواه واسطهٔ میانه بوده است .

یقین‌دارم‌که امید اعلیحضرت‌همایون‌شاهنشاهی براینکه روابط دوستی دولتین ایران و انگلیس روز بروز افزوده شود مطابق است با مقاصد دولت متبوعهٔ این دولتخواه ، چنانچه در این موقع این معنی را کاملا و آرزوی خودشان را بربقای استقلال‌اعلیحضرت‌همایون(۳) شاهنشاهی مخصوصاً به‌ثبوت رسانیده‌اند، به‌اعلیحضرت اقدس شهریاری اطمینان میدهدکه این دولتخواه دراستحکام وبرقراری روابط دوستی که خوشبختانه میان دولتین علیتین حاصل است دقیقه‌کوتاهی ننماید .

در خاتمهٔ این عریضه اظهار امید می‌نمایم‌که سفرحالیهٔ اقدس شهریاری...(۴) فوائد کلی ومرضی خاطر اعلیحضرت‌اقدس شهریاری باشد (۵) ۱۹ می ۱۸۹۲ امضاء ـ فرانك لاسلس .

۱ـ در اصل «کمپنی» . ۲ـ درمتن «اعلا» .
۳ـ درمتن سند «همیون» .
۴ـ یك کلمه ناخوانا .
۵ـ تاریخ این نامه همزمان با اواخر شوال ۱۳۰۹ قمری میباشد و درآن هنگام ناصرالدین شاه رهسپار مسافرت به شهرهای مرکزی قم و اراك و محلات بوده است .
چنانکه در متن نامه هم آشکار است فرانك لاسلس واسطهٔ استقراض پانصد هزار لیره برای پرداخت خسارات کمپانی دخانیات (رژی) بود و او برخلاف «ولف» وزیر مختار پیشین انگلیس در تصفیه کارکمپانی دخانیات حسن نیت نشان داد .

با کمال توقیر و احترام معروض رای ملوکانه اعلیحضرت اقدس شهریاری میدارد

اعلیحضرت اقدس شهریاری برحسب دستخط مبارک این دعاگو را سرافراز داشته‌اند از [illegible] که درباب [illegible]

[illegible] جسارت انگلیس درباب شاهنشاهی [illegible] آورده بود اظهار فرموده‌اند [illegible] بنده با کمال توقیر و احترام تشکرات

قلبی خود را معروض رای مبارک اعلیحضرت اقدس شهریاری میدارد از اینکه مستقیماً [illegible] دستخط مبارک این دعاگو را سرافراز داشته‌اند

و از مراحم ملوکانه را درحق خود [illegible] نهایت خوشنودی را دارم از اینکه در موقعی که دولت اعلیحضرت پادشاه

انگلستان نهایت اهتمام را برای معاونت دولت اعلیحضرت [illegible] این دعاگو [illegible]

یقین دارم که [illegible] اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بر اینکه روابط دوستی انگلیس و ایران روز بروز [illegible]

با مقاصد دولت متبوعه این دعاگو. چنانچه در این موقع [illegible] استقلال اعلیحضرت همایون

شاهنشاهی [illegible] اعلیحضرت اقدس شهریاری [illegible] این دعاگو در استحکام [illegible]

دوستی که خوشبختانه مابین انگلیس [illegible]

در خاتمه این عریضه اظهار امیدواری [illegible] اعلیحضرت اقدس شهریاری [illegible] ۱۹ [illegible] ۱۸۹۲

Frank Lascelles

نامهٔ وزیر مختار انگلیس

نامهٔ بیست و پنجم

نامه‌یی ازحسنعلیخان نواب‌که به‌اتابك نوشته ومطالب مهم سیاسی دربارهٔ سیاست انگلیس وایران دربردارد (۱) .

---

(۱) حسنعلی‌خان نوّاب تبعهٔ انگلیس وعضو وزارت خارجهٔ آن‌کشور بود و ازسال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۱۵ ق به سمت منشی سفارت انگلیس در طهران‌خدمت‌میکرد، نوّاب با اتابك مناسبات نزدیك داشت وبرخی‌ازاخبار واسرار سفارت را به او میرسانید .

ازکارلس باد هشتم - ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ .

قربان حضورمبارك‌گردم - امروز قبل ازظهر دراین شهر بزیارت دستخط مبارك که ازقیطریه قبل ازجلوس به‌مسند صدارت،که حق ریاست ملتی حضرت اشرف است، مشرف ومفتخر شدم خدا شاهد است‌که دراین‌گوشهٔ تنهایی همی دستخط را خواندم وهمی بوسیدم وهمی برچشم می‌گذاردم‌که هراینه احساس روشنی میکردم ، چه شکر گویمت ای آقا جان بنده نواز ، که روحی تازه و سروری بی‌اندازه باین غریب فقیر تنها ویکّه‌که بجزخداوآن حضرت جلیل‌که روح مکرّم خداوند جل وعلا است‌کسی‌را دارد مرحمت فرمودید .

تلگراف مرحمت‌آمیز درجواب تبریك تلگرافی حقیرنیز دوم شهر حال رسید این‌ماه ازهرجهت برحقیرمبارك شده قربانت بروم ازتفصیل مذاکرات محرمانه وخلوت که دوبدو با اعلیحضرت شده بود مستحضر شدم .

معلوم است عذر و پشیمانی و پریشانی حال حالیهٔ ایران ایشان را متیقّن کرده است‌که وجود کی برای ریاست این ملت درست وصحیح است ، حالاکه به قرآن قسم خورده‌اندکه حضرت اشرف‌را مطمئن نمایند امیدوارم‌که عهد خودرا نقض نفرمایند وچندی بگذارند بلکه این ایران خراب انتظامی بگیرد .

اینکه همهٔ خطاها را بگردن فرمانفرما (۱) و امین‌الدوله (۲) غلط مشهور گذارده‌اند صحیح ولی شخصی‌که پنجاه سال از عمرش می‌گذرد باید از خود هم رأیی داشته باشد .

معلوم است اعدی عدوحضرت‌اشرف مثل ناصرالملك (۳) ومیرزا رضا خان(۴)

---

۱ ـ عبدالحسین میرزا ۲ ـ حاجی علیخان ۳ ـ ابوالقاسم خان قراگزلو
۴ـ مؤیدالسلطنه.

وزیرمختار برلین نتوانستند بگویندکه حضرت اشرف ازکسی جریمه یا رشوه‌گرفته یا خیانتی نموده باشید مگراینکه فرمانفرما خاطرنشان شاه کرده بود که حضرت اشرف خیال‌سلطنت دارند ونیز امین‌الدوله ولیعهدرا محرّك شدكه بنویسند اسم‌شاهی درمیان نیست هرکس ازصدراعظم ترس دارند ، اگر بطهران مراجعت‌کردم بتوسط ومصلحت حضرت اشرف خیانت و خیالات فرمانفرما را بخط خودش می‌نمایم که بدانند خائن کیست (؟) ونیز جناب امین‌الدوله درهمین چند ماه‌صدارتش برتمام ملت معلوم وواضح شدکه می‌خواست جنوب ایران را بباد فنا بدهد خدا نخواست . اینکه قربانت‌بروم با تمام وزرا اغلب صفا شده است معلوم است حضرت اشرف با این‌آلت‌های کند زنگ زدهٔ ایران باید امورات مملکتی‌را بگذرانید والبته هریك را به‌اندازهٔ خودلازم‌است مرحمت فرمایند ولی همیشه باید احتیاط ازاین عقرب‌های بی‌مصرف که هرآن موقع یابند نیش خود را خواهند زد باید بفرمائید .

مکرر ازطهران بحقیر نوشته‌اندکه الآن رقیب بزرگ حضرت‌اشرف نوکرنمك بحرام خود حضرت اشرف است و آن نظام‌السلطنه است که دویست و پنجاه هزار تومان پیشکش میداد صدارت را بـه او بدهند . اگـر صحیح باشد قابل نهایت عبرت است وباید آمرزش بروح حسام‌السلطنه مرحوم فرستاد که هریك از نوکرهای خودرا خوب می‌شناخت (۱) وبی‌جهت نبودکه اینها را ازخود راند .

مشیرالدوله (۲)که بنظر حقیر بالنسبه درست تر از هریك ازآنهاست و الحق

---

(۱) باخصوصیت واخلاصی که نظام‌السلطنه نسبت‌به‌اتابك‌داشته ودرکتاب اسناد مشروطه شمه‌یی ازآن مندرج است ونامهٔ بیست وهفتم این‌کتاب نیز دلالت‌دارد رقابت او با اتابك درست نیست همچنانکه نواب هم خبر را با تردید وقید «اگر» نقل‌کرده است .

(۲) شیخ محسن خان معین‌الملك .

نشنیدم‌که درغیبت حضرت اشرف بد بگوید خصلت بد ایشان پرستش پول است ، باقی دیگر بعلاوه این‌خصلت خصائل دیگر هم دارند وعقیدهٔ حقیر این است‌که تازنده‌است او را بهمین انتصاب درصورتیکه بی‌امضای حضرت اشرف کاری نکنند نگاه دارند ، فرمانفرما را درفارس‌گذاردن باعتقاد حقیر مصلحت نیست بلکه هرحکومتی اگر باید باو داده شود بسمت جنوب ایران نباشد، امین‌الدوله هم بزیارت عتبات برودکه مقیم ودعاگو باشد بهتراست . عقیده حقیراین‌است‌که حکومت‌اردبیل‌را بفرمانفرما مرحمت نمائیدکه درآنجا بسر برد .

قربانت بروم اپینیون(۱) پلتیك را دربارهٔ حضرت‌اشرف بکرات شنیده‌ام ونیز روزیکه امین‌الدوله را معزول کرده بودند تمام مردم تبریك بیکدگر می‌گفتند نیز بکرات دوستان‌حضرت‌اشرف بحقیر نوشته بودند ، افسوس‌که بخت‌حقیروفانکردکه در وقت ورود حضرت اشرف باستقبال بیایم چنانچه وقت رفتن بمشایعت آمدم ، اگرچه عریضهٔ حقیر باستقبال آمده بود وواقع بفال نیکوگرفتم .

نمیدانم آن سید فقیر دعا خوان‌که هنگام رفتن حضرت اشرف او را ازشهر در کالسکه همراه بردند وگریه میکرد وحضرت اشرف تفأل به قرآن زده آن آیه بزرگ آمدکه‌انشاءالله باکمال‌جلال مراجعت خواهند فرمود حال معتقد به‌توکل حضرت‌اشرف شده است یا نه (؟) .

حقیرکه قبل‌ازاینکه خبری‌ازآمدن‌حضرت‌اشرف بطهران برسد تفأل‌بخواجه‌زدم وغزل بسیارخوبی آمد ونذرکردم‌که انشاءالله حضرت اشرف‌که بطهران بیایند دیگ جوشی سر قبر حافظ برای روح او بدهم ، هفته قبل نوشتم بشیراز که دیگ جوش سر مقبرهٔ حافظ بدهند وارباب عرفان ودرویشان را دعوت نمایندکه همتی برای‌وجود حضرت‌اشرف بعد ازصرف نهار بخواهند .

۱– Opinion, Politique عقیدهٔ سیاسی .

قربانت بروم در باب خودم بدانچه حکم شد و فرموده‌اند اجرا خواهد شد وبایران مراجعت نخواهم مگر به‌احضارحضرت اشرف .

اینکه‌تمام سفراغیرسفیرانگلیس(۱) بمحض ورود احوال‌پرسی کرده‌بودند چون دیده بودند شاه‌گرم‌گرفته است توسط حکیم اودلینگ احوالپرسی نموده‌بودند بدیهی است چنانچه بکرات عرض کرده‌ام این شخص کثیف بد ذات با تبعهٔ او که حقیر اورا سیچقان لقب داده‌ام باطناً عداوت پیداکرده‌اند وسبب آن معلوم است‌که درایران‌کسی را ندیده‌اند بتواند جواب حسابی سخت بآنها بدهد که آنچه بمیل آنها است نکنند ونیز البته یقین میدانندکه حضرت اشرف مانع شده‌اند جنوب ایران بتصرف‌آنها بیاید ویقین بدانیدکه این کینه همیشه دردل این بدذات خواهد بود و هرچه زودتر دم اورا بطور پلیتکی بکنید بهتر است .

در باب استقراض نیز تا این شخص باشد نخواهد گذارد که این استقراض بدون‌اینکه صرفه پولتیکی دولتی داشته باشد انجام بگیرد وامین‌الدوله آنقدر اعتبار دولت‌را ریخته است‌که درفرنگستان مدتی طول خواهدکشیدکه آن بی‌اعتباری پیش هم حاصل‌شود ولی قربانت بروم اگر بنا به‌استقراض شود باید بتوسط نمایندهٔ دولت دراینجا شود که‌هرکس را دعوت بقرض دادن نمایند نه‌اینکه بانك تنها محض صرفهٔ خود هرشرط وهرشروطی بخواهند حاصل نمایند .

امین‌الدوله این‌شربت شیرین را بدهن اینها ریخت والاّ اینها که گمرکات بوشهر را وخلیج‌را بشرط تصرف می‌خواستند همان شروطی که در صورت استقراض روس بود همان را قبول میکردند . (۲)

شارژ دافری که آنجا بود ریشخندی بامین‌الدوله نمود و این اظهار را محض خدمت‌نمائی بدولت خود بامین‌الدوله‌کرد ایشانهم بلاتأمل وتفکر قبول‌کردند از بابت

۱ـ سرمود تیمردروند . ۲ـ گفتار نواب نسبت به‌امین‌الدوله مغرضانه مینماید .

چنین خدمت قبل از آنکه عمل استقراض بهم بخورد شارژدافر را نایب اول سفارت کبرای روس کردند که همگنان او هر کس تعجب نمودند چراکه اورا ترفیع بدیگران دادند . قربانت بزوم این فضولی ها را تمام محض استحضار حضرت اشرف می‌نمایم که ازگوشه وکنارکارها با خبر باشند .

شنیدم که قبل از انتصاب صدارت حضرت اشرف وزیر مختار انگلیس وپنگو(۱) بعض تعرضات محرمانه برضد انتصاب حضرت اشرف نموده اند ، حالا اعلیحضرت همایونی باید صدق مطلب را اگر صحیح باشد بحضرت اشرف بگویند که اینهم خوب بهانه برای .م کندن او خواهد بود .

زیاده جسارت نمی‌ورزم، بعض ترجمه‌ها که مفید است حضرت اشرف بدانند ازروزنامه تمس وغیره درجوف است ملاحظه خواهندفرمود ـ ایام عزت وشوکت مستدام باد.

فدوی ـ حسنعلی

۱ـ رئیس سازمان ضد جاسوسی سفارت انگلیس .

صفحهٔ ۱ و ۲ نامهٔ نواب

صفحهٔ ۳ و ۴ نامهٔ نواب

نامهٔ بیست وششم

نامه دیگری از حسنعلی خان نواب (کارمند ادارهٔ امور ایران در وزارت خارجهٔ انگلستان) به اتابك ، این نامه قسمتی از مبارزهٔ سر مورتیمر دروند وزیر مختار انگلیس را با اتابك نشان‌میدهد وپیوستگی برخی از رجال آن زمان را با سیاست انگلیس حکایت می‌کند .

لندن ـ ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۷ـ قربان حضورت بروم در دهم صفر عریضه از کارلس باد بحضور مبارك عرض کرده‌ام البته تا کنون رسیده است الحال نیز محض جویای سلامتی وجود حضرت اشرف و محض اخبارات مهمه جسارت می‌ورزد ، از کارلس باد محض دیدن جناب مشیرالدوله (۱) به برلن رفتم و جناب مشیرالدوله را ملاقات نمودم خیلی اظهار التفات فرمودند بسیار صحبت ها نمودند که در ضمن از امین‌الدوله (۲) بد می گفتند و ذکر نقل عریضه‌هائی که بشاه بدگوئی ازحضرت‌اشرف و خود معظم‌له‌کرده بود می‌فرمودندکه جای خیلی تعجب است و از فرمایشات ایشان معلوم می‌شدکه حالا نهایت اتفاق را با حضرت اشرف دارند و نیز به حقیر گفتند که به برلن مخصوصاً برای ملاقات لاسلس (۳) آمدند و می‌خواستند با او درباب وزیر مختار حالیه (۴) واجزاء اوحرف بزنند ولی لاسلس دربرلن نبود و چون لندن آمده بود به بنده پیغام دادندکه به‌ایشان بگویم که رفتار وسلوك وزیرمختار حالیه‌انگلیس نفوذ دولت خود را خیلی‌کم‌کرده است و اگر اینطور پیش برود نفوذی برای‌آنها باقی نخواهد ماند لهذا راه‌کجی را این وزیرمختار پیش‌گرفته است .

پس از ورود بلندن عیناً پیغام ایشان را رسانیدم ، لاسلس‌گفت‌که این پیغام از جانب صدراعظم‌است یااینکه خودشان پیغام داده‌اند (؟) حقیرجواب دادم‌که نگفتند

۱ـ شیخ محسن‌خان که از ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۷ ق وزیر خارجه بود و در ۱۳۱۷ در آلمان درگذشت .

۲ـ حاجی علیخان رئیس دارالشورای دولتی در زمان ناصرالدین شاه و صدر اعظم دورهٔ مظفری از رجب ۱۳۱۵ تا محرم ۱۳۱۶ .

۳ـ سرفرانك لاسلس وزیرمختار پیشین انگلیس در طهران .

۴ـ سر مورتیمردوراند از مخالفان سرسخت اتابك بود .

پیغام ازجانب حضرت اشرف است ، البته این پیغام بی‌اشارهٔ حضرت اشرف نخواهد بود ، گفت وقتی‌که سالزبوری(۱) را ملاقات‌کردم مراتب را به او میگویم ونیز گفت چرا حضرت اشرف مستقیماً هر شکایتی دارند بتوسط وزیر مختار خود بسالزبوری نمی‌فرمایند (؟) جواب دادم‌که محتمل است همین اقدام را هم‌کرده باشند ولی چون شما را دوست خودمیدانند البته خواسته‌اند محرمانه بتوسط دولت خود اشاره‌نمایند، بعد از آنهم شنیدم جناب علاءالسلطنه (۲) اورا ملاقات‌کرده بودند وبعضی مطالب از همین قبیل برحسب دستورالعمل حضرت اشرف به اوگفته بودند .

و نیز از قراریکه جناب علاءالسلطنه مختصری اشاره بحقیر نمودندگویا سبب بعضی تجاوزات تازه که نموده بودند حضرت اشرف را مجبور برشکایت به لارد سالزبوری‌کرده است لهذا محض اینکه بدانم این شکایت‌های حضرت اشرف چه‌اثری کرده است ودرمقابل این مرد که چه جواب داده است از وقتی که وارد لندن شده‌ام در مقام جستجو برآمدم خلاصهٔ تحصیل اطلاعات محرمانه این است که اولا متصلا نوشته است که بالفعل حضرت اشرف بمیل و تلقین روسها حرکت می‌فرمایند و تمام برضد مصالح آنها رفتارمی نمایند ونیزدر این تازگی راپرت داده است‌که حضرت‌اشرف اعتبار ونفوذ درمملکت وپیش شاه ندارند ، لهذا هر شکایتی‌که فرموده‌اند نباید اعتنا کردکه احتمال میرود عماً قریب از کار صدارت مخلوع شوند ، همچنین در این باب خبردارم‌که سایکس (۳) نوشته بوده احتمال دارد فرمانفرمارا بطهران احضار نمایند

۱ـ لرد سالزبوری رئیس الوزراء و وزیرخارجه انگلستان .

۲ـ میرزا محمد علیخان وزیر مختار ایران در لندن .

۳ـ ژنرال‌سرپرسی‌سایکس در۱۸۹۹ کنسولگری‌انگلیس‌را درسیستان تأسیس نمود، چند سال سرکنسول انگلیس درمشهد بود در۱۹۱۶ پلیس جنوب را باکمك فرمانفردر فارس بوجودآورد، اوازدوستان ناصرالملك وفرمانفرما بود .

وصدراعظم اعتباری ندارند و بازفرمانفرما بسرکار خواهد آمد ، سایکس در بیرجند خوشحالی‌ها کرده واین مطلب را هم مسلم بدانندگه سالزبوری و این وزارت خارجه خیلی خیلی متنفر از این مرد هستند ولی الان چاره ندارند و حتی‌المقدور معاونت بنمایندهٔ خودباید بکنند مگراینکه دلایل پرزور واضحی برای تغییراوبدست‌بیاورند. قربانت بروم تلگراف شکایت‌های حضرت اشرف را ندیده‌ام که بدانم بچه مضمون فرمایش رفته است واگر جناب علاءالسلطنه با اجازهٔ حضرت اشرف بعضی اوقات اینگونه مطالب را نشان حقیر میدادند و مشورتی میفرمودند آنچه بنظر حقیر در دولتخواهی میرسید که مؤثر باشد اشاره میکردم همینقدر یك مطلب عرض می‌کنم که با دولت انگلیس باید در این طور مطالب صریح اظهارکرد باین قسم‌که با وجود بودن این وزیرمختار (وچنانچه قبل از اینهم اعتراض در مأموریت اوکرده‌ایم) آن اتحاد و اعتمادی‌که فیما بین دولتین برقرار بود و اسلاف او هرروز در استحکام آن می‌کوشیدند مسلم نخواهد ماند وچنانچه دولت انگلیس هنوز مایل باتحاد قدیمهٔ‌خود نسبت بدولت ایران باشند اسلم این است‌که نماینده خود را تغییر بدهد ، این‌مطلب را می‌شود محرمانه فقط بخود سالزبوری‌بگویند ونیز حالا ماری را بشکایت زخمی فرموده‌اید مبادابخط وخال‌ظاهری‌اوازآن عقیده‌خودسست‌شویدکه باهرچاپار اوشکایت وبدمینویسد وبه‌اعتقادخود عزم کرده‌است‌درخرابی‌حضرت‌اشرف وتمام‌این‌دشمنیهامحض این است‌که‌کسی را بجزحضرت اشرف در ایران ملت‌خواه نمی‌بیندکه در مقابل آنها اعتراض نماید ونیز می‌خواهد باعتقاد خود باین راپرت‌عمل‌خلاف که فرمانفرما (۱)

---

۱ ــ عبدالحسین میرزا فرمانفرما ازطرفداران سیاست انگلستان بود ودرآغاز سلطنت مظفرالدین شاه پس ازعزل اتابك چندی فعال‌مایشاء ویکه تازشد و دربار مظفری را به بی سامانی و افلاس کشانید ، سپس والی فارس شد و بعد به‌عتبات تبعید گردید ، همزمان جنگ اول جهانی ازصفر تاربیع‌الثانی ۱۳۳۴ ق رئیس‌الوزراء شد ازآن‌پس‌روی تفاهم با انگلیسی‌ها به استانداری فارس رسید ، پلیس جنوب را ژنرال سایکس انگلیسی در زمان استانداری فرمانفرما درفارس باکمك او بنیاد نهاد (۱۳۳۵ ق) .

وناصرالملك (۱) و بعضی دیگر به اومیدهند دوستی شخص حضرت اشرف را با لارد سالزبوری بهم بزنند که اگر مستقیماً جواب و سؤالی شود قبول نکنند .

یکی از اشخاص بزرگ که درکار است ازحقیر جویا شدکه استقلال صدراعظم چطور است (؟) جواب دادم منکه از ایران خبری ندارم ولی از قراری که شنیده‌ام درکمال قوه واستقلال می باشند ،گفت ازقراری که می نویسند اعتباری ندارند و کاری پیش نمی‌توانند ببرند و نیز پول هم ندارند ، از آنطرف شروطات استقراض را که گمرکات خلیج فارس را بدست انگلیسی‌ها بدهند قبول نمی‌کنند بسبب اینکه‌گمرکات اجارهٔ خود صدراعظم است وازاین ممرمبالغها می برند . جواب دادم‌که اولا هیچوقت گمرکات‌اجارهٔ حضرت‌اشرف نبوده خاصه‌حالا، اینکه‌قبول‌شرط بدست‌دادن‌گمرکات را نمی‌فرمایند محض‌این‌است‌که‌آتیه‌ایران را ملاحظه می‌فرمایندکه ضرر‌پولتیکی برای ایران دارد و احتمال شورش عام هم میرود چنانچه در عمل رژی ملاحظه شده از آنطرف‌گفتم حضرت اشرف پس از سفر لندن واعتقاداتیکه ولف (۲) از دوستی دولت انگلیس نسبت به ایران و دوستی شخص سالزبوری بحضرت اشرف خاطرنشان نمود حضرت اشرف چنان یقین داشتند که اگر وقتی مثل حالا به تنگنای از بابت پول یا معاونت دیگری بیفتند واز لارد سالزبوری خواهش معاونت نمایند بلادرنگ به

۱ـ ابولقاسم‌خان قراگزلو از۱۹ رمضان تا۱۴ ذی‌قعده ۱۳۲۵ق رئیس‌الوزرا بود و از آغاز سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۳۲ ق نیابت سلطنت داشت، اوفراماسون و از دوستان سایکس وکرزن ومرعوب سیاست انگلستان‌بود قرارداد ۱۹۰۷ هنگامی‌که او رئیس‌الوزرا بود به ایران ابلاغ شد ودر زمان نیابت سلطنت وی اندك اندك صورت عملی‌پیداکرد .

۲ـ سر درومندولف وزیرمختار انگلیس درطهران از۱۳۰۵ تا ۱۳۰۹ .

کمك خواهندآمد بی اینکه دولت ایران وحضرت اشرف را در محذوری (محظوری) بیندازند و حالا معلوم شدکه برای اینگونه معاونت‌های معنوی حاضر نبوده و یاحالا حاضر نیستند وحال آنکه حضرت اشرف دربارهٔ دولت انگلیس و مصالح آنها علناً با دولت روس ضدیت می‌فرمودند ونیز اگر محض خاطر لردسالزبوری نبود هرگزامتیاز زری را به « تالبوت » (۱) نمیدادند.

گفت میگویندکه حالا صدراعظم متحد با روس‌ها است.

جواب دادم که حضرت اشرف هرگز مصالح ملت خود را از دست نخواهد داد واگر ظاهراً دوستی با روس‌ها دارند محض این است که همراهی از انگلیس‌ها مثل پیش نمی‌بینند والبته باید با دول همجوار راه بروند ، اغلب ازآنهائی‌که اهل کارند از حقیر دربین صحبت‌که بخیال خود حقیر ملتفت نشوم جویا می‌شوندکه حالااعتبار صدراعظم چگونه است (؟).

یکی از دوستان خودم که بحضرت اشرف هم دوست است همینقدر اشاره بحقیر کرد که حضرت اشرف خوب است قائم وپرزور در اقداماتی‌که کرده‌اند باشند مکرراً عرض می‌کنم که مبادا پس از این تغییری در خیالات درست خود نسبت باین شخص بدهند چرا که وقتی راپرتهای او در اینجا اثری نمیکند بنای خوش‌آمد و وچاپلوسی را خواهدگذارد که شکایتی از او نشودولی او مشغول‌کار خود است.

جای خیلی تعجب است که اینهمه دشمنی چرا باطناً نسبت بحضرت اشرف پیدا کـرده است از آنطرف پنگو و سایکس مدام او را محرك می‌باشند و تا این وزیر مختار و این اجزاء در ایران هستند یقین بدانید که مدام اسباب نقار و اشکال

---

۱ ـ ماژد تـالبوت صاحب امتیاز انحصار دخانیات.

فراهم می‌آوردند ورفته رفته میخواهندکه‌ایران را تحت حکومت هندوستان بیاورند. چنانچه حالا اغلب مأمورین را ازهند می‌فرستند .

با وجود اینکه امیر افغـانستان هر روز در کار است که مملکت خود را از تحت ارادهٔ هندوستان خارج کند و نمـاینده در لندن داشته بـاشد باید ایران ترقی معکوس نماید .

جنرال گارُدن (۱) میگفت که حضرت‌اشرف تلگراف فرموده بودندگه شروطات استقراض که پارسال شده بجز تصرف گمرکات همه‌را قبول‌دارند ولی سرمایه‌داران‌لندن قبول نکردند، تصرف گمرکات وصد پنج دادن خارجه را میخواهند ، این اظهارات بدیهی است که از اشارات خود ادارهٔ بانك است بمصلحت وزارت امور خارجه .

پریروز باز صحبت میداشت که احتمال دارد استقراض ازانگلیس و روس‌هردو سر بگیرد وتحویلدار ازجانب هردولتی معین شودکه پول‌گمرکات را بگیرند وببانك‌ها بدهند ، من‌گفتم شماها چرا اینکار را پولتیکی می‌نمائید (؟) ونیز مأمورین‌انگلیس وروس درایران آنقدر تجاوزات می‌نمایندکه دولت وملت را سوءظن داده‌اند .

عیب کار این است که دشمن ازحال‌حالیهٔ ایران وبی‌پولی خوب‌مخبرند ودراین اوقات خبر ازحالت طرف مقابل درجنگ مهمتر ازواقعهٔ جنگ است چون باخبرند هرچه می‌خواهند می‌تازند . ازآنطرف این شاه را ناخوش‌حال وبی‌ثبات در رأی وکار میدانند ، مثلا سایکس که هرروز راپرت خرابی ایران وتقسیم ایران‌را فیما بین‌روس و انگلیس می‌نویسد بطور واقع منتظر تغییرات است و امید دارد که او را حکمران کرمان وبلوچستان نمایند ازهمین چیز مبالغهٔ خیالات هر یك ازآنها بر حضرت‌اشرف واضح خواهد شد .

۱ـ وابسته نظامی سفارت انگلیس درطهران همزمان باوزیرمختـاری ولف، (اواخر دوران ناصری) .

در روزنامهٔ تمس (تایمز) پریروز نوشته بودند که بطور قطع سال آتیه شاه بفرنگستان خواهدآمد ، نمیدانم واقع تشریف خواهندآورد یا نه (؟) اگربطورحتم چنین عزمی دارند حقیر را مطلع فرمایید مشکورخواهم شد . در باب خاله‌زادهٔ خود قبل از این عرض کرده بودم بهر نحو مصلحت دانند جوابی مرحمت شود ممنون از مرحمت حضرت اشرف خواهم شد .

درباب غرامت اموال مسروقهٔ حقیر که چندی قبل عرض کردم جوابی مرحمت شودکه بدانم خوب است، حقیر بعدازآنکه خدمت حضرت اشرف دراین باب جسارت کردم دیگر بسفارت ننوشتم ونیز بوزارت امورخارجه مخصوصاً ننوشتم‌که این‌مطلب‌را هم دستاویزی علاوه براشکالات دیگر فراهم‌بیاورند ولی آنچه حضرت اشرف بفرمایند اطاعت دارم ، شنیدم‌که ازبابت مرافعهٔ علیمرادخان وحاجی میرزا عبدالرحیم حضرت اشرف را اذیت می‌نمایند .

قربانت بروم اولا تقصیر خود وزرای ایران است‌که ثالث وحکم‌را حامی طرف مقابل قرار میدهند . شنیدم با وجود آنهمه همراهی‌هائیکه حقیر بمیرزا عبدالرحیم نمودم وآنهمه مرحمت‌که‌حضرت اشرف محض استدعاهای‌حقیر درکارهای او فرمودید در سفارت به پنگو وباتی (۱)گفته بود این‌کار او که با علیمراد خان تمام نشده بوده بسبب مخالفت حقیر با او بوده است، نمیدانم چه بدبختی حقیر دارم که با هرکس خوبی‌کرده‌ام باید بدی ببینم .

مثل‌اینکه حضرت اشرف بخوبی میدانیدکه بچه اندازه درکارهای این وزیر - مختار خدمت حضرت اشرف جسارتها می‌نمودم و اسباب تحبیب می‌شدم آخرالامر در اینجا دروزارت خارجه‌گفته بوده که فلانی نوکر و مواجب خوار حضرت اشرف‌بود

۱ - «باتی» مستشار سفارت انگلیس بوده است .

و تمام بمیل ومصالح حضرت اشرف کار میکرد و تمام اسرار سفارت را بحضرت‌اشرف می گوید . چقدر بر حقیر باید این اتهام دشوار باشد که با وجود اینکه گفتنی ها را ازحضرت اشرف جویا می‌شدم ومحض التفات بحقیر می‌فرمودید بآنها نگویم وحالا این نتیجه را می برم .

این مرد که چنین‌گمان میکرد که آنچه جواب صریح وصحیح حضرت اشرف به اعتراض و تجاوزات او می‌فرمودید حقیر القا کرده‌ام ، حالا نمیدانم گمان می‌کند خبر القا میکنم (؟) حق دارد تا روباه بوده است چنین سوراخی گیر نکرده است‌که هرچه بگویدجواب درست نشنود وکاری نتواند ازپیش ببرد .

قربانت بروم همینقدر باز عرض می‌کنم مدام احتیاط خود را بفرمائید که این شخص آنچه می‌نماید نیست و هروقت بتواند نیش زهری خود را میزند . تمام این عرایض را ازروی تحقیقات عرض‌کردم، خدمتی‌که ازدستم برنمی‌آید مگر ازاین‌قبیل ـ زیاده قربان مرحمت ووجود حضرت‌اشرف بشوم ـ فدوی ـ حسنعلی .

صفحهٔ ۱ و ۲ گزارش نواب

صفحهٔ ۳ و ۴ گزارش نواب

صفحهٔ ۵ و ۶ گزارش نواب

صفحهٔ ۷ و ۸ گزارش نواب

نامهٔ بیست و هفتم

نامه‌یی است که حسینقلی خان نظام السلطنه پیشکار آذربایجان (پس از آنکه بجرم دوستی با اتابك بدستور مظفرالدین‌شاه‌از مقام خود منفصل شد) از تبریز برای اتابك نوشته و آگاهی های سودمنداز محیط سیاسی آن زمان دربردارد . (۱)

۱ــ نظام السلطنه از رجال شایستهٔ دورهٔ قاجاریه وصاحب شمشیر وقلم بود واز ۱۶ ذی قعده ۱۳۲۵ تا ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ق (در زمان سلطنت محمد علی شاه) مقـام ریاست وزراء را بعهده داشت و در رجب ۱۳۲۷ ق درگذشت و احمد شاه لقب نظام السلطنه را به رضا قلیخان مافی برادر زادهٔ حسینقلیخان داد و او بواسطهٔ رهبری قیام ملی و ریاست حکومت موقتی(که درزمان جنگ برضد بیدادگریهای دیرین روس وانگلیس بوجودآمد) بیش از دیگر رجال همزمان خود در تاریخ ایران شهرت و محبوبیت یافت .

۱۷ رمضان ۵ نوامبر- خداوندگارا تصدقت‌گردم - بجرم عشق توام میکشند و غوغائی است - توهم بگوشهٔ بام‌آ که خوش تماشائی است . در طهران بعد ازاینکه اقبال‌الدوله از طرف قرین الشرف همایونی آن پیغامات سخت را آوردکه : مردم را دعوت بامین‌السلطان میکنی وشیخ‌الاسلام قزوین(۱) ازجانب حضرت‌اشرف عین‌الدوله یادآوری بی‌التفاتی‌های سابق حضرتعالی و احترامات خودش را رسانیدکه بااینحالت باز مردم وا بطرف آن شخص جلب و دعوت میکنی . جواب هردورا دادم : حالاکه اینطور دانسته‌اید دو ماهه مهلت بدهید میروم به‌کربلا و ازآنجا بمکه معظمه .

اسباب مأموریت‌آذربایجان را فراهم‌کردند این اوقات‌که مشغول انجام مقصود بودم دو سه نفری با فدوی محرم و اسباب کار در طهران بودند نمیدانم از کدام یك خیانت شده که نوشتجات بیست و پنجم رمضان را در پستخانه طهران گرفته و فوراً تلگرافی بوالاحضرت اقدس مخابره شد : ولیعهد ، پارسال نظام‌السلطنه مرخصی سفر مکه خواست اقتضا نداشت حالا مرخص است برود .

از روز نهم‌که این تلگراف رسیده است مال کرایه کرده در این هوای سرد و بارندگی بنده زاده و عیال را روانه طهران میکنم ، میل خاطر مبارك بندگان والا- حضرت ولیعهد براین است‌که به مکه نروم درعلاقجات خمسه باشم تا ببینم پیش‌آمد کار چه خواهد شد .

تلگرافی در جواب این دستخط رمزاً بمشیرالدوله فرمودکه از دوکار یکی را اختیار کنید یا نظام‌السلطنه را بخراسان و آصف الدوله را به پیشکاری آذربایجان بفرستید یا اذن بدهید تا آخرسال در خمسه و قزوین باشد . میدانم هیچیك از این دورا قبول نمی‌کنند .

اماخراسان چون‌آصف‌الدوله‌هم بخت مشیرالدوله(۲) را دارد باهرصدراعظمی در ظاهر موافق و با ضد او در باطن متحد است برفرض اگر ناچار از عزلش شوند

۱- حاج میرزا مسعود . ۲- میرزا نصرالله خان نائینی .

بکار دیگری بهتر وامیدارند . حالا هم چند نفر در صد هزار پیشکش طالبند ، نیرالدوله ، مجدالدوله و رکن‌الدوله .

اما قزوین و خمسه هم چون نزدیك بطهران‌است تجویز نمی‌کنند دراینصورت اضطراراً چون در قفقازیه امنیت هست باید بعنوان زیارت‌مشهد چندی درآن خط و حدود بسربرم . میخواستم بیایم فرنگ از ملامت و تکفیر علماء ترسیدم که بگویند مکه را تبدیل بپاریس ولندن‌کرد ، پارهٔ فقرات دیگرهم در عیب سفر مکه هست که اگر تا وقت شرفیابی حضور زنده بمانم بعرض میرسانم بهتر این است‌که باحضرتعالی رو دربایستی نداشته باشم . صدق مطلب این است صدمهٔ سفر سابق آذربایجان وچهار سال بیکاری طهران و ترتیب این سفر حالیه که بعدها معلوم حضرتعالی می‌شود چهل هزار تومان مقروضم کرده است بمکه بروم اقلا ده هزار خرج دارد فرنگ هم بیایم کمتر از پنج شش خرج ندارد . من اینجا پای بند رشته گشته ـ چو عیسی پای بند سوزن آنجا . بیشتر برای آن سه نفری‌که اسباب کار بودند دلم میسوزد میدانم هرسه کارشان صعب شده و می‌شود ، خداوند تعالی برای آنها فرجی کند از فدوی پیر می‌گذرد . خودم و پسرم سه هزار تومان مواجب و سیصد خروار بعد از شصت سال زحمت حقوق دارم منتها ضبط‌کنند ، در طریق عشق اول منزل است . چون موقع نازك است اگر اصراری در خارج شدن از خاك ایران کردند میروم در تفلیس و عشق‌آباد و بادکوبه امرار وقت می‌کنم تا از پس پردهٔ تقدیرچه ظهورکند ، یدالله فوق ایدیهم . آخر :

نه کم از برّه کم از بزغاله‌ام　　　　که نباشد حارس از دنباله‌ام

اگراراده‌ٔ عالی باستعلام بنده قدیمی باشدجناب وکیل‌الدوله(۱) نوشتم بعرض برساند انتظار دستخط مبارك را ندارم اولا بندگی خودم را بدون شرط میدانم ثانیاً در پیغامات مخاطرات زیاد است . ادام‌الله بقاکم و رزقنی‌الله لقاکم .

۱ـ میرزا محمد خان وزیر تحریرات که قسمتی از نامه‌های محرمانهٔ او درکتاب اسناد مشروطه چاپ شد .

نامهٔ حسینقلیخان نظام السلطنه

نامهٔ بیست وهشتم

یادداشتی است حاوی پیغام تهدیدآمیز مظفرالدین شاه که میرزا نصرالله خان مشیرالدوله (وزیر خارجه) با نامهٔ اعتذارآمیزی برای اتابك نوشته است. مفاد پیغام شاه بامفاد نامهٔ نظام‌السلطنه (نامه بیست وهفتم) پیوستگی دارد.

بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه دیروز بفدوی فرمایش فرمودند که ازطرف خود بفرمایش مطاع مبارك بحضرت اشرف امجدعالی ابلاغ نماید ولهذا حسب الامر عین عبارات حکمت آیات ملوکانه را دراین ضمن مندرج مینماید.

فرمایش فرمودندکه : ما نوکرهای خود را دوست میداریم ونوکرزیاد نداریم این چند نفرکه هستند باید مغتنم بشماریم ، نگاهداری نمائیم و شما نوکر بزرگ ما هستید وکمال مرحمت را بشما داریم و نمی‌خواهیم قلب ما با شما بی‌مرحمت باشد.

بعضی چیزها می‌شنویم از قبیل اینکه از طرف شما بپارهٔ اشخاص چیز داده میشودکه اسباب بعضی کارها بشوند و خیلی اسباب تعجب ما می‌شود و باور نمیتوانیم کرد و مستبعد میدانیم ولی ازآنجاکه بشما مرحمت داریم و نمی‌خواهیم این قبیل نسبت‌ها دربارهٔ شماگفته شود لازم است بخودتان این مطلب اظهار شود و نباید تصور نمائیدکه در خارجه هستید و بی‌مرحمتی ما در حق شما اثری نخواهد داشت البته بی‌مرحمتی مانسبت بشما نتایج بد خواهد داشت ، نوعی نمائیدکه احدی نتواند این حرف‌ها را بگوید.

این بود خلاصه فرمایشات مطاع مبارك ملوکانه روحنا فداه که تقریباً باین عبارات مشتمل بود و مسبوق نیست که چه اتفاق افتاده است و چه بعرض رسانده‌اند که سبب صدور این اوامرمطاعه شده است وبدیهی است هرطورصلاح بدانند اقدامات سریعه خواهند فرمود که رفع این شبهه از خاطر مهر مظاهر ملوکانه بطور اکمل بشود . حالا چه بایدکرد و چطور باید جواب بعرض رسانید (؟) حضرت اشرف اسعد بهترمیدانند. الامرالاشرف مطاع ۱۵ شهرشعبان ۱۳۲۳ (پشت کاغذ) مهر ـ مشیرالدوله(۱).

از تهدید مظفرالدین شاه چنین پیداست که اتابك در قیام روحانیان طهران برضد عین‌الدوله که منجر به انقلاب مشروطه شد ازآغاز تا پایان دست داشته است.

یادداشت میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

نامهٔ بیست و نهم

این نامهٔ خصوصی را اتابك از سویس برای نریمان خان قوام ـ السلطنه وزیر مختار ایران در وین نوشته و از استقراض عین الدوله از دولت روس سخن گفته ویکسال پیش از بستن قرارداد ۱۹۰۷ سازش روس و انگلیس را دربارهٔ ایران پیش‌بینی کرده و این پیش بینی احاطهٔ اورا برمسائل و تحولات سیاسی آنزمان نشان میدهد.

سه شنبه دهم‌شعبان ـ قربان نرو ـ مرقومه عالی که شش شعبان مرقوم فرموده بودید رسیده از سلامتی عالی خوشوقت و از اطلاعات مرقومه ممنون شدم ـ از بابت گذشتن عمل استقراض از اول یقین داشتم که‌گذشته است (۱) و لقب اتابکی اورا هم در ازای همین خدمت دادند .

اطلاعات انگلیس‌ها در عموم اینمسائل از همه کس بیشتر است این مسئله را همانروز دانسته‌اند ولی روس‌ها هم پول را تمام نداده‌اند ، اولا یك مبلغ کلی ازبابت چندکروری که تا بحال در مدت غیبت من خورده خورده (خرده خرده) محرمانه گرفته‌اند محسوب خواهند داشت ، بقیه را هم بمرورخواهند داد بشرطهائی‌که بعضی خیلی محرمانه است و بعضی از قبیل نخریدن اسلحه و نگرفتن صاحبمنصب ازاتریش و نساختن راه‌آهن و. چندان محرمانه نیست وانگلیس‌ها هم التزامات قوی ازروسها گرفته‌اندکه کارهائی‌که برضد منافع آنها است ولوآنکه از ایران‌گرفته باشند اقدام نکنند و این است‌که حالا روزنامه‌های روس در مقام صلح وسازش واتفاق باانگلیس برامده واظهارات می‌کنند (بما چه دخلی دارد خود دانند) .

خوش‌گرفتند حریفان سرزلف ساقی گرفلکشان بگذارد که قراری‌گیرند

عجالتاً خواهشی‌که ازحضرتعالی دارم این است‌که لطف فرموده روی پاکتهای بنده را بعدها ملوث باین لقب عظمی نفرمائید (۲) .

با اینکه میدانیدکه این لقب را بعین‌الدوله داده‌اند چرا مرقوم می‌فرمائید (؟)

۱ـ برخلاف آنچه در تاریخ نوشته‌اند از این نامه پیداست که عین‌الدوله هم مبلغی از روسها قرض‌کرده و انگلیسها هم با آن وا‌مخواهی موافقت داشته‌اند .

۲ـ اعراض اتابك از لقب خود ، برای آن بودکه مظفرالدین شاه لقب اتابك‌اعظم را به عین‌الدوله داد ولی عین‌الدوله هرگز باین‌لقب نامبردار نشد .

آیا تصور می‌فرمائید اگر ننویسید از بنده چیزی کم می‌شود و اگر مرقوم دارید چیزی بر بنده افزوده میشود (؟)

بخدای بی‌شریك‌که تمام اینها را از روز اول بالتماس و بزور و اصرار بمن دادند و من هم بخود نبسته و عاریت نگاهداشته بودم تا وقتی‌که باز خودشان تصرف کردند و از همه‌گذشته همین کاغذ را شاید میبرند و به اتابك اعظم حالیه میدهند، خلاصه البته ترك این بی‌لطفی را فرموده و سهل است معذرت هم از بندهٔ بخواهید. زیراکه حقیقتاً امروزکه دیدم باز روی پاکت این طور مرقوم فرموده‌اید خیلی متاذی شدم و امیدوارم‌که سهوالقلم بوده است.

فرزندی امین الملك حالا خیلی بهتر است و فرد اقرار است اورا برده به سناتورین بگذاریم و بعد از چند روز توقف او درآنجا ببینم چطور است تا ترتیب سفر وحرکت خود را بدهد ـ زیاده زحمت است ـ علی‌اصغر.

نامهٔ اتابک

[illegible]

نامهٔ سی‌ام

دستخطی است از محمدعلی شاه خطاب به اتابك دربارهٔ دستگیری سالارالدوله که در آغاز سال ۱۳۲۵ق در کرمانشاه و کردستان طغیان آغاز کرد.

جناب اشرف اتابك اعظم ـ یقین است تلگرافهای ظهیرالدوله(۱) و حاجی سیف ـ الدوله(۲) را برده اید ولی چون فرط بی کفایتی حاجی سیف الدوله را میدانم این است که مجدداً تأکید می کنم که هم بخود سیف الدوله وهم بظهیرالدوله مجدداً بهر وسیله باشد یارمزاً یا کشف حالی کنید که سوار کاری و استعداد لازم همراه داشته باشند ودرآنجا هم چه در پیش خود سالارالدوله و چه درپیش اجزای او ابداً نه تفنگ و طپانچه حتی یك چاقو هم نگذارند با کمال دقت و ملاحظه باید او را تا طهران بیاورند و تحت الحفظ بیاورند .

البته مجدداً لازمهٔ تأکیدات را بعمل آورید که خیلی لازم است . از سوار کلهر وفوج ظهیرالملك وغیره باید همراه داشته باشند وسیف الدوله خیلی مواظب باشد دقیقهٔ غفلت نکند .

چون ترتیب حرکت اندرون را داده بودم وبرای قراولی ودستورالعمل اندرون هم باید به اعتماد الحرم دستورالعمل میدادم باین واسطه حرکت صبح را موقوف کردم عصری انشاءالله خواهم رفت . (۳)

۱ـ ظهیرالدوله (صفاعلیشاه) مرد آزاده و وارسته و بنیانگذار انجمن اخوت .

۲ـ سیف الدوله فرزند سلطان احمد میرزا عضدالدوله (فرزند فتحعلیشاه) آثار نیکی در ملایر از او برجاست وعمارت خانقاه صفی نیز ازاوست .

۳ـ سالارالدوله پس از طغیان در کردستان به کرمانشاه رفت ، سلطان محمد میرزا سیف الدوله حاکم کرمانشاه و میرزا علیخان ظهیرالدوله حاکم همدان مأمور دستگیری او شدند ، سیف الدوله با او مداراکرد وسرانجام بدستور محمد علی شاه واتابك ظهیرالدوله با نیروی کافی از همدان بکرمانشاه رفت و سالارالدوله را که درکنسولگری انگلیس بود همراه سیف الدوله گرفته محترمانه و تحت الحفظ به طهران گسیل داشت . (به بیوگرافی اتابك دورهٔ دوم رهبران مشروطه رجوع شود) .

دستخط محمد علی شاه

نامهٔ سی و یکم

تلگرافی است از حسینقلیخان نظام‌السلطنه در بارهٔ تعیین حکمران اصفهان (پس از عزل ظل السلطان اندك مدتی مؤید الدوله حکمران اصفهان شد سپس حسینقلیخان نظام‌السلطنه مأمور اصفهان وشیراز گردید و پس از توقفی کوتاه بمناسبت اهمیت اوضاع فارس رهسپار شیراز شد).

وزارت جلیله داخله ـ

اداره مرموزات‌خاصه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ـ

استخراج رمز نظام السلطنه از اصفهان ـ امروز اگر حاکم سابق بیاید خطر، بدون اذن و اجازه و انگهی نمیتواند بیاید درصورتیکه بامضای آنها باشد بمراتب بدتر ازمؤید الدوله است ، دراینصورت باید کسی بیاید که هم تازگی داشته باشد وهم دارای عقل وقوهٔ ناریه هردو باشد .

ازشاهزادگان نیرالدوله ، از رجال دولت اقبال الدوله بنظر فدوی میآید (۱) چون بحول وقوه الهی فردا صبح سه‌شنبه بیست ونهم میروم عریضهٔ در معایب اصفهان وشیراز نوشته‌ام با پست فردا تقدیم میشود به غلام زاده سپردم اگر تلگراف برسد با قاصد بفرستد . حسینقلی .

در زیر تلگراف با خط محمد علی شاه نوشته شده است :

جناب اشرف اتابك اعظم . خوب است این تلگراف را محرمانه بشاهزادهٔ ظل السلطان خودتان در موقع ملاقات نشان بدهید تا فکری شود .

۱ـ ازاین تلگراف پیداست که اقبال الدوله کاشی به پیشنهاد نظام السلطنه بحکمرانی اصفهان منصوب شد ورفتار مستبدانه و بیخردانهٔ او ومعاونش معدل الملك شیرازی انجمن ولایتی و روحانیان اصفهان را بطغیان وادار کرد وهنگامی که نیروی بختیاری بدعوت حاج آقانورالله و پشتیبانی انجمن ولایتی در هشتم ذی حجه ۱۳۲۶ به اصفهان درامد وبآن شهرچیره شد اقبال الدوله و معاونش شهررا به بختیاری رها کردند و گریختند .



وزارت جلیلهٔ داخله

اداره   [illegible]

مورخه   ۲۹ [illegible] ۱۳۲۵

نمره

دستخط رمز نظام السلطنه در اصفهان

امروز اگر عالم سابق باید خطر [illegible] بدون لون و اجازه و انگلیس [illegible]
در صورتیکه با بقای اینها هر ساعت بدتر از [illegible] دولت در بعضی [illegible]
کسی باید هم تازگی داشته باشد هم دارای عقل و قوه باشد به هر دو [illegible] از اینها [illegible]
نیز [illegible] از رجال دولت [illegible] بنظر خودی [illegible] چون [illegible]
[illegible] خود صبح سه شنبه شب و هم بردم عریضه در باب [illegible]
نوشته ام با دست خود [illegible] میشود به [illegible] تلگراف برای [illegible]
بنویسید (محقق)

[illegible]

نامهٔ سی و دوم

نامه‌یی است از میرزا علی آقا ثقة الاسلام تبریزی ، این نامه را ثقةالاسلام هنگامی که عین‌الدوله برای خواباندن شورش مشروطه‌طلبان تبریز به‌آذربایجان رفته ودر «باسمنج» اقامت داشته به‌او نوشته‌است(۱).

۱ـ در میان آزادیخواهان آذربایجان ثقة الاسلام در صف روحانیان و امیرحشمت نیساری در صف سپاهیان قهرمان داستین و چهرهٔ پاك انقلاب بودند این دونفر باگروهی از اتباعشان در برابر بیدادگریهای ارتش‌تزاری و سیاست سازشکارانه واستعماری روس و انگلیس (که پس‌ازقرارداد ۱۹۰۷ برنامهٔ کارشان یکی شده بود) مردانه ایستادند و قیامی شکوهمند و قهرمانی پدید آوردند که آوازهٔ آن در سراسر جهان پیچید ، درحالیکه قهرمانهای دروغین دانسته یا ندانسته با شورش خود راه را برای ورودسپاهیان تزاری و اشغال آذربایجان گشودند وپس‌از ورود سپاهیان تزاری‌خود به‌کنسولگری روس رفتند و خوشامدگفتند و اظهار بندگی کردند وتماشاچی بیدادگریهای آنان شدند .

۲۵ ذی‌الحجه ۲۶- عرض‌می‌شود با پوست (پست) ۱۸و۲۱ شروحی مفصلاعرض کرده‌ام انشاءالله رسیده است و بجواب‌آن نیز میدانم نائل نخواهم شد و مسلم است‌که وظیفه حافظ دعاست لاغیر تا به سعدی چه رسد .

این پوست(پست)که‌آمد شنیدم دوپاکت‌سفارشی به‌اسم‌بنده درجزوپوست(پست) بوده که‌ازجانب‌حضرت‌اقدس والاتوقیف‌شده‌است،اولا‌بنده هرچه‌فکرمیکنم حدسم‌بجایی نمیرسدکه نویسنده‌که باشد، چون بنده با احدی‌مکاتبهٔ مستقیمه ندارم ، ازطهران‌که مدتها است خبرندارم وکسی هم ندارم‌که بمن کاغذی بنویسد مکر اینکه از اردبیل باشد ، اگر از اردبیل باشد مسلماً برات ۲۴ تومان یك ضعیفهٔ فلك‌زده در لف او خواهد بودکه صارم‌السلطنه قرار بود برایش بفرستد ، باری فکرم بجائی نرسید ،

ثانیاً علت این‌توقیف را نفهمیدم خواهشمندم تحقیق فرمائیدکاغذ را اگرراجع بمسائل پولیتیکه نیست و ضرری بعوالم احدی ندارد بفرستند . سعدی افتاده‌ایست آزاده ، من‌که طرف جنگ نیستم‌کارم صلح است آنرا هم بحمدالله مشتری نیست .

هوا بحمدالله خوش است گاهی برف بل برفك می‌بارد اما برودت فوق‌العاده والطاقه ندارد خدا بزرگ است ، اگرازطرفی بل اطرافی زغال نمیرسد لااقل ازطرف دیگر باز خواهد فرمود و این‌همه بنده راکه فقس فرموده سرمای دنیا وگرمای‌آخرت نخواهد رسید .

نمیدانم چه عرض کنم پریروز از جانب سردرود جمعی به سرِ اهل شهرآمده بوده‌اند شنیدم برگشته‌اند همین شب گذشته نیزهجومی شده است ولی عقب نشسته‌اند.

شرحی که بحضور حضرت اقدس نوشته‌ام میدانم چه تصور خواهند و چه در جواب خواهند نوشت ، باز از عقیده‌ام نکول ندارم و اعتقادم همان است که کراراً گفته‌ام (بی اساس باشد یا با اساس) بخدا قسم مرحمت را احدی حمل برضعف

نمی‌کند و اگر دولت بخواهد عنایتی در حق رعیت خود بکند اسمش را چرا ضعف می‌گویند ، بفرمائید مرحمت ملوکانه ، ما مردمان عوام هستیم وما نند عوامی ونادانی کوهی سنگینی زیر سرداریم وهرچه برامان بگویند از بدی وزشتی باکمان نیست‌اما دولتیان نباید این سلیقه را داشته باشند ، خوب میگوید مظهر :

منصور دار عشقم وترسم که عاقبت　　　برپای‌دار برکشد این‌پایداریم(۱)

میدانم شما ذوق‌شعر ندارید وبدتان‌میآید اما چه‌کنم دلتنگی مرا مجبورمی‌کند که با زبان شعر وشاعری حرف بزنم .

بندهٔ بدبخت همیشه فکرم درترقی دولت وملت و اتحاد این دوبوده است‌وبرای آبادی مملکت بهتر ازاین راهی نیست .(۲)

۱ـ چه پیش بینی شگفتی‌آوری .

۲ـ ثقةالاسلام معتقد بودکه قیام آذربایجان درخفا مورد پشتیبانی روس و انگلیس میباشد و میدانست که سرانجام جنگ و ستیز بین قوای دولت و قوای بسیج شدهٔ انجمن ایالتی بورود سپاهیان‌روس واشغال نظامی آذربایجان کشیده خواهدشد، ازاینروسخت‌می کوشید که باصلح وآشتی بین دولت و مردم رژیم مشروطه برقرارشود پس‌از اشغال آذربایجان وتجاوزهای‌سپاهیان روس بمال وجان وناموس‌مردم به‌فتوای ثقةالاسلام، امیرحشمت نیساری وبرادرش مشکوةهمایون بکمك‌جمعی‌ازمجاهدان واقعی وافرادپلیس دوزاول‌محرم ۱۳۳۰ق به‌عالی‌قاپو (ستادارتش روس‌ها) حمله بردند وپس‌ازچهار روز جنگ روس‌ها را ازعالی‌قاپو بیرون راندند، روس‌ها بیش‌ازهشتصد وپنجاه کشته وتعداد بسیارزخمی داشتند . آوازهٔ این قیام پرشوددرجهان‌پیچید وخشم دربار تزاررا برانگیخت، روس‌ها روز۶محرم‌قوای تازه‌نفس به‌تبریزواردکردند امیرحشمت به‌عثمانی گریخت وثقةالاسلام باگروهی دیگرازمیهنخواهان روز دهم محرم ۱۳۳۰ بدست سپاهیان روس تسلیم چوبه دار گردیدند . (برای آگاهی از تفصیل این رویدادها به دورهٔ دوم رهبران مشروطه بیوگرافی ثقةالاسلام و صفحه ۴۱۸ تا ۴۳۰ کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه ، نامه‌های ثقةالاسلام ، رجوع شود) ،

نامهٔ ثقةالاسلام

نامهٔ سی وسوم

نامهٔ انجمن ولایتی اصفهان به حاجی ابراهیم‌خان ضرغام‌السلطنه بختیاری (۱)

۱ـ تاریخ این نامه بیست روز پیش از حرکت سردار اسعد و اردوی بختیاری به طهران میباشد و پیداست که ضرغام آهنگ بازگشت به‌بختیاری را داشته ولی پس از عزیمت سردار اسعد بپایتخت ضرغام هم‌برای هم‌آهنگی با وی و به امیدکسب مال و جاه وغنیمت‌ازبازگشت به بختیاری منصرف شده ورهسپار طهران گردیده است .

نمره ۱۵۶ بتاریخ ۷ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۷

بعرض عالی میرساند

رقیمهٔ مبارکه زیارت‌شد وازمضامین آن خاطر اعضای انجمن‌قرین افتخار گردید، خدمات وزحمات حضرت‌مستطاب‌عالی‌محتاج بشرح وبیان‌نیست وتاابد ملت‌قرین منّت و رهین تشکر خواهند بود ودرهر موقع‌که‌آسایش ورفاهیّتی ازبرای ملت در زیرسایهٔ قانون وعدالت فراهم شود و محاسن مشروطیت را ادراك کنند بر مراتب قدردانی و حق‌شناسی آنها خواهدافزود وپیوسته‌آزادکنندهٔ خود را ازقید رقیت وعبودیت‌مستبدین بذکر جمیل یادآوری خواهندکرد .

درخصوص معاودت فرمودن به‌فرادنبه (۱) ورسیدگی باموارات شخصیه موکول بآنست‌که حضرت‌مستطاب‌آقای ثقة‌الاسلام(۲) مدظله‌العالی معاودت ازمسافرت فرموده تا در این خصوص تکلیف معلوم شود چه رعایت میل ایشان نهایت اهمیت را دارد .

واما درخصوص سایرمطالب، انجمن رأی داده برآنکه فردای جمعه هشتم‌شهر حال جنابان جلالت‌مآبان آقای میرزا رضا خان و لشکر نویس باشی در ساعت دو از دسته برآمده شرفیاب حضور مبارك‌گردیده مطالب را حضوراً جواب و سئوال نموده بنحودلخواه اتمام نمایند . انجمن ولایتی .

(پشت کاغذ ـ مهرانجمن ولایتی موقتی اصفهان .)

۱ـ از روستاهای بختیاری و مقرّ ضرغام‌السلطنه .

۲ـ حاج‌آقا نورالله رهبر نهضت مشروطه خواهی دراصفهان .

نامهٔ انجمن ولایتی اصفهان

نامهٔ سی و چهارم

نامه محرمانه‌یی است ازمحمد علی‌شاه مربوط به سال ۱۳۲۹ ق، هنگامی‌که برای‌گرفتن تاج وتخت ازدست رفتهٔ خود ازطریق‌کمش تپه وارد ایران شد وبربرخی ازمناطق شمال تسلط یافت وقسمتی ازسپاه خود را بفرماندهی ارشدالدوله برای تسخیرطهران فرستاد.

مخاطب نامه شناخته نشد بی‌گمان به‌یکی از کارگذاران‌کوشندهٔ خود نوشته است.

---

۱ ـ شرح بازگشت محمد علی‌شاه به ایران وشکست ومراجعت او در تاریخهای مشروطه ودورهٔ اول رهبران مشروطه نیز یاد شده است.

محرمانه

برحسب لزوم این دوفقره مطالب را فوری نوشتم . اولا ازقرارمعلوم راسانی‌ها(۱) بتوسط دوست محترم ما که درگنبد است با ترکمان‌ها امان آورده‌اند که مقصرین را بدهند وخود ترکمانها هم راضی باین کار شده حسن خان غرائی (۲) فیمابین این کار را درست کرده وخودش هم فردا خواهد رسید .

اگر اینطور باشد نعمت‌الهی است (۳) زیراکه آنوقت کار شاهرود بهتر پیشرفت می‌کند ، عجالتاً محرمانه باشد تا اینکه حسن‌خان برسد اصل مطلب معین شود .

ثانیاً انگلیس‌ها ازحرکت صبحی معذرت خواستند دیگر آن کاغذا مرا بقونسول نشان ندهید وچیزی نگوئید وعین کاغذ را اعاده بدهید .

ثالثاً ـ الآن تلگرافی از شیخ اسمعیل (۴) رسید شجاع الدوله قوچانی (۵) قوچان ودره جز را ضبط کرده است ومشغول خدمت

(امضای اختصاری محمد علی شاه)

۱ـ تیره‌یی از طوایف ترکمن صحرا .

۲ـ از بزرگان ایل غرایی .

۳ـ درمتن سند «نعمت‌اللهی» .

۴ـ از روحانیان قوچان .

۵ـ از زورمندان ومالکان قوچان وطرفدار محمدعلی شاه .

نامهٔ محمد علی شاه

نامهٔ سی و پنجم

گزارشی است بخط حسین علاء (معین‌الوزاره) درهنگامیکه رئیس کابینهٔ وزارت‌خارجه بوده وبا سر تاونلی وزیرمختارانگلیس برای تشکیل کابینهٔ پدرش علاءالسلطنه مشورت وگفتکو نموده است . (۱)

۱ـ برای شناخت حسین علاء بیوگرافی اورا در دورهٔ سوم رهبران مشروطه ببینید .

وزارت امـور خارجه ـ راپرت ملاقات با جناب وزیر مختـار انگلیس ۱۷ محرم ۱۳۳۱ .

از بابت تلگراف واصله از تبریز بعنوان کابینهٔ وزراء دایر بدرخواست ریاست وزراء برای آقای سعدالدوله وتائیدات تلگرافی آقای سپهدار اعظم دراینخصوص(۱) مراتب را بطوریکه مقرر فرموده بودید اظهار داشتم : درمضمون تلگراف البته بدقت مراجعه فرمائید خوب میدانید این اظهارات باید ناشی ازآنتریك باشد .

وزیرمختار اظهار داشتند : خوب پیداست مـدلول تلگراف از روی احساسات اهالی آذربایجان نیست‌کسانی‌که امضاکرده اشخاصی هستندکه از بدو اوضاع تجدد علناً مخالف وبعضی ازآنها اگر باوضع جدید همراهی داشته‌اند به‌دوروئی بوده است، ازاین تلگراف اعتقاد من تأمین نمیشودکه این‌اظهارات ازروی عین احساسات اهالی آذربـایجان باشد . لیکن تلگراف آقـای سپهدار اعظم حیرت انگیز وتا ... (۲) میتواندموهم هرتصوری‌بشود واینکه من امضاکنندگان تلگراف را چندان معتنا تصور نمیکنم علت آن این است مصادف وصول همین تلگراف از قنسول انگلیس تلگرافی بمن رسیده که بصیرالسلطنه سبب اقدام و مخـابرهٔ یك همچو تلگرافی شده ، قنسول تلگراف و تصریح می‌کند امضاکنندگان تلگراف مردمان با اهمیت معتنائی نیستند وازاینکه قنسول ما مسئله را ازروی اقدامات آنتریك بصیرالسلطنه وامثال او فهمیده وتلگراف‌کرده است آشکارا مسئله را درزمینه تصنع جلوه میدهد .

آقای سعدالدوله‌را هم سفارتین صلاح دیدند به طهران بیایند منتها چون دیده شد مقبولیت عامه ندارد همچومقتضی‌گردیدکه بریاست‌آقای علاءالسلطنه هیئت وزراء

۱ـ محمد ولیخان سپهدار تنکابنی که در آن هنگام والی آذربایجان بود و برای زمامداری سعدالدوله و جلوگیری از تشکیل دولت علاءالسلطنه میکوشید .

۲ـ یك کلمه ناخوانا .

از محترمین رجال درست باکفایت ایران تشکیل شود ومثل آقای مستوفی الممالك و شاهزاده عین‌الدوله وآقای وثوق‌الدوله درکابینه باشند .

در اینجا آقای وزیرمختار از بابت دخول آقای مستوفی‌الممالك بکابینه نقطهٔ نظر خود را خیلی اهمیت داده اظهار داشتند ایشان باین شرط داخل کابینه می‌شوند که آقای مشیرالدوله وآقای مؤتمن‌الملك هم داخل شوند وازاین‌رو امیدواری حاصل نمودندکه بتوجه این نقطه نظر آقای مستوفی‌الممالك می‌خواهند ازروی دانش وبینش نقشهٔ صحیحی برای جریان امور دولت وتنظیمات ضروریه مملکت ترتیب بدهند و هیئت‌کابینه را بوجود ایشان تکمیل نمایند .

بنده‌گفتم : ازاین وجه واین شرط آقای مستوفی‌الممالك اطلاع کافی ندارم .

گفتند : اگر مؤتمن‌الملك راضی بدخول درکابینه نشده باشد چطور با جدیت تامی‌که دراینخصوص داشتند حاضر شده‌اند درکابینه داخل شوند ؟ درصورتیکه می‌دانم باین شرط خیلی اهمیت میدادند .

اظهار داشتم : بنده قطعاً نمیدانم آقای مؤتمن‌الملك داخل نیستند شاید با این شرط آقای مستوفی‌الممالك موافقت‌کرده وحالاکه اینطور می‌بینند داخل‌شوند.

گفتند : بجناب علاءالسلطنه این اظهار مرا توأم بااصرار خاطرنشان کنیدکه مؤتمن‌الملك علاوه‌براینکه طرف حسن اعتماد دولتین است معتمد علیه یك ملتی هم هست، ومن میخواهم‌کابینه‌که بریاست شما تشکیل می‌شود دارای رجال مهم‌کارآگاه وپاکدامن باشد وازروی‌علم وعمل وکفایت بترتیب نقشهٔ‌صحیح برای اصلاحات‌ضروریهٔ مملکت بپردازند وهیچکس قادر براعتراض نباشد وقسمت اعظم هیئت کابینهٔ بوجود مؤتمن‌الملك منوط ومربوط خواهد بود و یگانه وبیگانه دراین عقیده متفق هستند و خیلی مناسب است بوجود مؤتمن‌الملك و برادرشان کابینه را تکمیل و اقدامات آتیهٔ

این هیئت را دراصلاحات امور امیدبخش قراربدهیدکه همه بشرفمندی اقدام وزکار داشته باشند .

بنده اظهارداشتم : بیانات خیرخواهانهٔ جنابعالی‌را بحضرت آقای علاءالسلطنه اظهار میدارم ولی با این تلگراف واصله ازآذربایجان ویا نظائر آن چه بایدکرد و چه بنظر میآورید (؟) .

فرمودند : وقتی بفوریت کابینه تشکیل شد آنانکه این تشبثات را می‌نمایند ملتفت میشوندکه میل دولتین روس وانگلیس بموافقت دراستقرار این‌کابینه وانتظامات مملکتی متوجه است بجای‌خود خواهند نشست وآنتریك نخواهندکرد ولی من انتظار دارم خبر تشکیل‌کابینه هرچه زودتر بمن برسد، متأسفانه برخلاف اینطور اطلاعات میرسد بی‌شبهه بجناب علاءالسلطنه مصراً خاطرنشان میکنم که هرچه درتشکیل و تکمیل هیئت‌کابینه تأخیر شود قوت آنتریك ممکن است رو به ازدیادگذاشته تولید مشکل‌کند .

اظهار داشتم : آقای علاءالسلطنه این دوروزه بطوریکه مطلع هستید اندك نقاهتی داشتند معهذا از فراهم آوردن موجبات تشکیل کابینه غفلت نکرده موافق اطلاعاتی‌که دارم بااشخاصی‌که قرار است درکابینه داخل‌باشند مذاکره میکرده‌اند.
گفتند : پس علت تأخیر چیست (؟) .

جواب دادم : تصورمیکنم شاید درفکر اجرای شرایطی بوده‌اندکه هیئت‌جدید برای پیشرفت امور دولت در بدو تشکیل‌کابینه اجرای آن‌ها را ضرور وواجب ذکر کرده‌اند وآن شرائط را هم وزیر امور خارجه درضمن ملاقات خود توضیح میدهند .
از شرائط استعلام شد فدوی تا اندازهٔکه تعلیمات داشت لزوم وجه و استقراض و مساعدت دولتین انگلیس وروس را بیان و ضرورت وجه را برای پیشرفت مقاصد آنی

کابینه دراصلاح امور دولت خیلی اهمیت دادم .

فرمودند : من باجناب وزیرمختار روس خیلی مذاکرات کرده‌ام واین مذاکرات بین اولیای دولتین متبوعتین ما هم مدتها مطرح بوده نتیجه این شده است‌که تا عمل امتیازات راه‌آهن حل وامتیازات داده نشود تادیه وجه امکان نخواهدداشت وفوق‌العاده دولتین متبوعتین بمسئله امتیازات اهمیت داده‌گرفتن امتیازوتأدیه وجه‌را لازم وملزوم یکدیگر میدانند . (۱)

اظهار داشتم : شاید اولیای دولت برای‌پیشرفت‌کارکابینه یك‌مساعدت‌مخصوص حالا مترصدند و جنابعالی دراین موقع حسن موافقتی لازم است بفرمائید .

گفتند : اطلاعات من دراین قضیه‌کامل است‌که تا راه‌آهن جلفا بروس داده نشود دولت روس بهیچ صورت بدولت ایران وجهی نخواهد داد، دولت انگلیس هم تادولت روس وجهی ندهد وجه نخواهد داد آنهم درصورتی است‌کـه در مسئله راه‌آهن طرف جنوب باکمپانی موافقت شود ویکی ازدلائل قویه‌که ما داریم دولت‌روس حاضراست بدولت‌ایران قرض بدهد این‌است‌که دولت روس افزایش برگمرکات ایران‌را بقدری که بتواند تضمین طلب خود بنماید درنظر گرفته است ، دراین‌صورت لازم است هرچه زودتر کابینه را تشکیل وبطوریکه توصیه میکنم تکمیل فـرموده به حل این امور اقدام ومشکلات را رفع وبه تسهیلات لازمه موفقیت حاصل کنید . وگفتند من برای تسهیل کار شما سه روز قبل تلگراف به لندن کردم که عجالتاً خوب است با دولت ایران موافقت شودکه اساساًمسئله راه‌آهن رابپذیرند بعدداخل درجزئیات‌آن‌بشویم .

مذاکرات تا اینجا خاتمه حاصل‌کرده برخاستم ، وزیرمختـار گفتند : باز هم توصیه میکنم‌که درضمن سلام مخصوص من به آقای علاءالسلطنه اظهار نظریات آقای مستوفی‌الممالك را درخصوص آقای مؤتمن‌الملك تائید فرمائید .

۱ـ امتیاز راه‌آهن‌جلفا ـ تبریز ـ دردولت علاءالسلطنه به‌روس‌ها داده‌شد . امتیازی هم برای راه‌آهن و راهسازی جنوب به یك شرکت انگلیسی داده شد که عملی نگردید .

صفحهٔ ۱ و ۲ گزارش حسین علاء

صفحهٔ ۳ و ۴ گزارش حسین علاء

[illegible]

[illegible] راه آهن [illegible] روس [illegible] ایران [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] روس [illegible]

[illegible] راه آهن طرف جنوب [illegible]

[illegible] روس [illegible] ایران قرض [illegible]

ایران را [illegible] در نظر گرفته [illegible]

[illegible] ترجیح [illegible] قوام [illegible]

[illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نامهٔ سی و ششم

یادداشتی است از میرزا رضا خان ارفع الدوله هنگام آغاز مذاکرات صلح بین روس و آلمان وعثمانی، ارفع الدوله این یادداشت را برای میرزاحسن مستوفی الممالک رئیس الوزراء ایران نوشته است . (۱)

---

۱ ـ قرارداد متارکهٔ جنگ روس و آلمان در ۱۲ ـ اسفند ۱۲۹۶ (۳ مارس ۱۹۱۷-۱۹ ـ ج -۱- ۱۳۳۶) امضا شد در این قرارداد استقلال ایران تضمین گردید ولغو قراردادهای جابرانهٔ دولت روسیه تزاری با دولت ایران تعهد شد و سفارت آلمان مفاد قرار داد را به اطلاع دولت ایران رسانید . کوشش حکومت موقتی ایران که با آلمان وعثمانی هم پیمان وهم رزم بود برای جلب مساعدت آلمان در کسب این موفقیت تأثیر بسیار داشت .

۱۶ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ ضمیمه

مذاکرات‌که دربرستی لطوفسکی درمیان‌مأمورین دول‌اربعه وروس‌ها می گذرد مخصوصاً برای مملکت ما خیلی اهمیت دارد .

چنانکه در فصل روزنامه لفی نمره ۱ ملاحظه خواهید فرمود ذکر شده‌که درخصوص بیرون بردن عساکرروس ازخاک‌اطریش ومجارستان وعثمانی‌وایران مذاکره شد ، بعد اسم ایران‌را ازسیاهه بیرون‌کردندکه برحسب وعده‌که بدولت ایران داده‌اند خودشان دراین خیالندکه عساکرشان را از ایران بیرون ببرند ، باین قول روس‌ها کفایت‌کرده وازآنها تشکر وامتنان نمودند .

درفصل نمره ۲ ملاحظه خواهید فرمود که وزیر خارجهٔ آلمان که در مسئله جزیرهٔ اولوند اگرچه دولت سوئد داخل جرگهٔ دول محارب نیست ولی چون دراین‌مسئله ذی‌منفعت است و میل اهالی سوئد این است‌که دروقت مذاکرهٔ مسئله جزیره مزبور دولت سوئد هم نماینده داشته‌باشد دولت آلمان مایل است‌که موافق میل‌دولت سوئد رفتار شود .

درفصل نمره ۳ وزیرخارجهٔ آلمان صریح می‌گویدکه قول اولیای امورخارجهٔ روس با فعلشان مطابق نیست یعنی هزار وعدهٔ آنان یکی وفا نشود .

وقتی‌که آدم این‌فصل‌ها را پهلوی هم می‌گذارد هوش از سرش میرود . دولت ایران‌که اینقدرها بواسطهٔ داخل‌شدن عساکر روس و عثمانی بخاک خود دچار ضرر و زیان‌شد وبشهرهایش آتش زده وویران‌کردند چرا باید درمجلس مذاکرات صلح‌روس وعثمانی نماینده نداشته باشد ودولت سویدکه ابداً متضرر نشده وبواسطهٔ فروش قند وروغن وشیر وسیب‌زمینی وماهی وآهن وغیره ملیونها نفع‌برده باید درمذاکرهٔ مسئله جزیرهٔ اولاندکه درواقع درمیانهٔ روس و فنلاند محل منازعه است نماینده داشته باشد وچرا باید بوعدهٔ خشک روس‌ها قناعت‌کرده اسم ایران‌را ازسیاهه بیرون آورده‌اند .

ازچهار سال باینطرف اینقدر بریاست وزراء ووزارت خارجه نوشته خاطر نشان کردم‌که بهروسیله است درداخله وخارجه باید اقدامات‌کرد وزمینه را حاضر نمودکه هنگام مذاکرات صلح ماهم نماینده داشته‌باشیم بجائی نرسید ، می‌ترسم فردا هنگام مذاکرهٔ صلح عمومی نیز همین آش وهمین‌کاسه بشوو ومأموران ایران را بمجلس‌صلح راه ندهند (۱) آنوقت باید «علی‌الاسلام السلام» گفت .

امیدوارم ازاین عرایض‌که محض ازراه‌دلسوزی ووطندوستی است خاطرمبارك اولیای دولت جاوید آیت مکدر نشود وتا فرصت است علاجی بفرمایندکه دولت علیه نیز درمذاکرات صلح آتیه شرکت بکند . رضا

---

۱ – پیش‌بینی ادفع‌الدوله درست بود زیرا در۱۲۹۸ مشاورالممالك وفروغی وسایر اعضای هیئت نمایندگی ایران‌را درکنفرانس صلح پاریس راه ندادند و چند ماه پس‌ازآن نصرت‌الدوله فیروز وزیر خارجه که همراه احمدشاه به پاریس رفته بود ممتاز السلطنه وزیرمختار ایران را عزل‌کرد وخود درکنفرانس صلح پاریس حاضر شد ودعاوی ایران را (که بجایی نرسید) عنوان‌نمود .

نامهٔ ارفع الدوله

نامهٔ سی وهفتم

نامه‌ئی است از میرزا حسن خان وثوق الـدوله خطاب به میرزا مهدیخان علائی (مشیر الملك) وزیر مختار ایران درلندن .

این نامه را وثوق‌الدوله در دوران اول زمامداری خودکه با نخستین جنگ جهانی همزمان بود نوشته است .

۲۶ ذی‌الحجه ۳۴ ـ

قربانت گردم مرقومات شریفه مورخه ۱۲ ذی‌القعده شرف وصول ارزانی داشت از سلامت مزاج عالی مسرور شدم بنده فوق‌العاده درکشمکش ابتلائات سیاسی این‌جا هستم وشدت گرفتاری و تفرقهٔ حواس حالت مزاجی را هم ضایع وخراب کرده است .

روابط با سفارتین بواسطهٔ همان مسئله نت سپهسالارکه درتلگرافات خاطرعالی را مطلع کرده‌ام هنوز روشن نشده است (۱) .

حضرات دراینجاکاغذ سپهسالاررا لازم‌الاجرا وزیربارتغییردادن آن‌هم نمیروند ومخصوصاً سفارت روس از تأخیری‌که دراجرای مواد قرارداد و تصدیق آن از طرف کابینهٔ حاضر شده است رنجیده واین تأخیر را علامت عدم موافقت با خود میدانند .

مسترمارلینگ(۲) هم با وزیرمختار روس طبعاً همراهی میکند اینکه‌تلگراف فرمودیدکه درلندن مسئله‌را طوردیگر ملاحظه می‌کنند اسباب تعجب همه شده است ولی بنده تعجبی ندارم زیرا تصور میکنم آنها میدانند دولت چقدر در عسرت مالی است وبالاخره ازآنها کمك مالی خواهد خواست درآن موقع شرایط خود را دیکته خواهندکرد .

باری اوضاع خیلی بداست عثمانی‌ها هم درهمدان وعراق وملایر وکرمانشاهان وتمام قسمت غربی هستند ، روس‌هاهم درمقابل‌آنها ، مردم هم غالباً باآنطرفی‌ها (۳)

---

۱ ـ سپهسالار خلعتبری‌که پیش از وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء بود به اصرار مارلینگ وزیرمختار انگلیس موافقت‌نامه‌یی امضاکرد وقبول نمودکه در برابر دریافت ماهی دویست هزارتومان مساعده ، امور مالی ونظامی ایران زیرنظر کمسیون مختلطی از کارشناسان دو دولت‌انگلیس وروس درآید (کمسیون میکس) وبموجب همان‌موافقتنامه‌اجازهٔ تأسیس نیروی نظامی درشمال وجنوب به روس‌ها وانگلیس‌ها داده شد .

۲ ـ چارلزمارلینك وزیرمختار انگلیس .

۳ ـ مقصودآلمانیها وعثمانی‌ها هستندکه تودهٔ مردم ایران حامی‌آنان بودند .

متمایل هستند وروس‌ها و انگلیس‌ها هم نمی‌خواهند طوری بکنند که اقلا قسمتی از مردم هم با آنها موافقت کنند.

فساد اخلاق مردم خودمان هم مداخلات و تصمیمات مضرّهٔ خارجی را جلب می‌کنند. باری پیش‌بینی نمیتوان کرد و جز اینکه امور بحوادث واگذار شود چاره نیست.

البته جنابعالی این اوقات بیشتر از ایام عادی درصدد کشف بعضی مطالب بوده وبطرز خصوصی اینجانب رامطلع خواهید فرمود. در باب نت ممکن است این ایام مذاکرات جدی‌تری بشودکه تلگرافاً بجنابعالی اطلاع خواهم داد.

بمسیوسابین(۱) مخصوصاً سلام‌دوستانه مراابلاغ فرمائید، جای‌ایشان درطهران خالی است وبرای بنده خیلی خوب بود اگر ایشان سفارت طهران را اداره میکردند ودرطهران بودند حالا هم امیدوارم با جنابعالی کمك نمایند، هیچوقت یادگارهای خوبی‌که ازایشان دارم فراموش نخواهم‌کرد. زیاده زحمت است - وثوق‌الدوله.

۱ - کاردار پیشین سفارت انگلیس در طهران.

نامهٔ وثوق الدوله

نامه سی وهشتم

نامه‌یی است از علیقلی خان انصاری (مشاورالممالك) وزیرمختار ایران درروسیه شوروی ، انصاری این نامه را دربارهٔ کوششهای خصمانهٔ «شومیانسکی» وزیرمختارشوروی درطهران به قوام‌السلطنه نوشته وتاریخ آن همزمان با دیماه ۱۳۰۱ شمسی می‌باشد .

مسکو ۲۴ ژانویه ۲۳

قربانت شوم - امیدواراست عرایضی که بتوسط انصاری معروض افتاده ازلحاظ مبارك گذشته باشد ، بعد از حرکت انصاری تلگرافات حضرت اشرف دائر به اوامری که شومیانسکی (۱) به آقای رهبر گفته بـود از مسکو به او رسید زیارت و کفیل کمیساریای خارجه را ملاقات نمود ، معزی الیه خیلی تعجب کرده بکلی اظهارات شومیانسکی را ردنموده گفت : ابداً چنین تلگرافاتی به شومیانسکی مخابره نکرده‌اند .

بنده به ایشان گفتم : رفتار شومیانسکی برای دولت من غیر قابل تحمل است من نمیتوانم تصورکنم که شما در اظهارات خودتان صادق نباشید و چون شومیانسکی برخلاف اظهاراتی که شما دراینجا بمن می‌کنید در طهران تلگرافات جعل می‌نماید من از شما تقاضا دارم یا شومیانسکی را احضار کنید یا من برای اینکه دولت من تصور نکنند که من اطلاعاتی برخلاف واقع داده‌ام مجبوراً استعفا خواهم‌کرد و دولت ایران هم نسبت بشومیانسکی بتکلیف‌خود عمل خواهدکرد . ونیزاظهارداشتم که چون مسئله اهمیت زیاد دارد اگر نمی‌توانید فوراً تصمیمی بکنید تا فردا فکر کرده بمن جواب بدهید .

معزی‌الیه‌گفت : این مسئله محتاج بفکر نیست‌چون ممکن نیست شومیانسکی با دولت حاضره بتواند کار بکند ، امروز تلگراف احضار اورا صادر خواهم‌کردولی خواهش دارم چند روزی مسئله را بطهران تلگراف نکنید که شومیانسکی احضار شده است .

۱- شومیانسکی دومین وزیر مختار شوروی درطهران بمنظور جلوگیری ازاجرای قرارداد نفت که بین دولت ایران وکمپانی امریکائی « استاندارد اویل » و «سینگلر» بسته شده بود ، در طهران بکوشش های سیاسی دامنه داری دست زده و در میان رجال و در پارلمان ودرصف روزنامه‌نگاران گروهی را بمخالفت بادولت قوام‌برانگیخته بود . سفارت انگلیس‌هم بپاس‌منافع نفتی وسیاست اقتصادی دولت‌خویش نهانی باکوشش‌های شومیانسکی همداستان بود .

دو سه روز دیگر بعد از این ملاقات‌که مجبوراً قره خان (۱) را ملاقات نمود اظهار داشت که از شومیانسکی خبری نرسیده و ضمناً گفت خیال دارند نماینده که فعلا در نوروز دارند بطهـران بفرستند، نمیداند که در طهران خبری از احضار شومیانسکی هست یا خیر(؟) درهرصورت بطوریکه تلگرافاً هم استدعاکرده‌ام‌حضرت اشرف ولو اینکه بعد ازگذشتن این قضیه‌کناره جوئی را لازم بدانند دراینموقع باید برای رعایت استقلال مملکت تحمل سختی را بفرمایند.

بنده یکی دو روز دیگر اگر بازکفیل کمیساریای خارجه اظهار بی‌خبری از شومیـانسکی بکند بیش از پیش سخن خواهم‌کرد و یقین دارم با ایستـادگی طهران مقصود حاصل خواهد شد. منظور اصلی اینها این است که طوری نشود که یکدسته مردمی که برای کناره جوئی حضرت اشرف به اینها متوسل شده‌اند از اینها مأیوس بشوند ولی بنده یقین دارم هرطور شده بشرط ایستادگی حضرت اشرف شومیانسکی احضار هم رعایت شئونات دولت و هم این مسئله برای بعضی‌ها درس بشود که بعد از این بدست خارجی تیشه بریشه استقلال مملکت نزنند. (۲)

استدعـا دارد این عرایض بنده درصورتیکـه در طهران خبری از احضـار شومیانسکی منتشر نشده باشد خیلی‌محرمانه بماندکه بهانه بدست اینها درنگاهداری او درآنجا داده نشود، اینکه با تلگراف رمز هم بخود اجازه نداد مسئله تشریح‌کند بهمین ملاحظه بود. آقای تقی‌زاده سه روز است مراجعت‌کرده‌اند.

فردا با کفیل کمیساریای خارجه ملاقات خواهد نمود - زیـاده جسارت است

بندهٔ صمیمی - علیقلی انصاری.

---

۱ - قره‌خان یا «کاراخان». همان کفیل کمیساریای خارجهٔ دولت شوروی.

۲- سلیمان میرزا محسن اسکندری لیدر سوسیالیست‌ها و رهبر اقلیت مجلس چهارم (و سیاست پیشهٔ مشکوک) درآغازبهمن ۱۳۰۱ دولت قوام را ببهانهٔ سوءاستفاده ازتمبرپست استیضاح کرد و دولت قوام درپنجم بهمن ماه کنار رفت.

نامهٔ مشاورالممالک انصاری

نامهٔ سی و نهم

نامهٔ دکتر سلام‌الله جاوید استاندار خودمختار آذربایجان دراواخر دوران حکومت آشوبگران حزب دمکرات .

این نامه سی وچند روز پیش‌ازآنکه نیروی اعزامی ارتش بفرمان شاهانه برای رهایی آذربایجان رهسپار آن سامان‌شود برای قوام السلطنه نخست وزیر نوشته شده و در تاریخ تحریر نامه عمال حزب دمکرات بر سرزمین آذربایجان چیرگی داشته‌اند .

نمره ۳۵۳ ـ ۱۳ر۸ر۲۵ وزارت کشور ـ ایالت آذربایجان

جناب اشرف آقای نخست وزیر

چنانچه در این مدت حضرت اشرف ملاحظه فرموده‌اند مقصد اساسی اینجانب آزادی واستقلال مملکت ووحدت ویگانگی ملت ایران بوده است و برای پیشرفت این مقصد همیشه ساعی بوده وخواهم بود .

آخرین ساعتی که مرخص می‌شوم عرایض ذیل را بعرض رسانده عطف توجه مخصوص را خواهشمند است .

۱ ـ برای سهولت تخلیه زنجان واستخدام سیصد نفر نگهبان ازفدائیان خمسه واعزام نگهبانان مرکز دستور فرمائید آقای سرهنگ گل‌پیرا یا سرهنگ سیامك یا سرگرد فریور یاسرگرد شجاعی بزنجان حرکت نمایند تابابودن من درزنجان‌مقدمات کار فراهم‌گردد .

۲ ـ دستور فوری واکید صادر فرمائید عملیات جنگی درسردشت موقوف‌گردد ویك هیئت صلاحیت‌دار به‌سردشت اعزام‌گردد تا سبب اصلی این زد وخورد را معین نموده ومقدمهٔ تخلیه سردشت را فراهم نماید تا بعد ازتخلیه زنجان تأخیر نیفتد .

۳ـ تا دوسه‌ماه تغییر کارمندان ادارات‌زنجان صلاح بنظر نمیرسد، دستورفرمائید وزارات مربوطه نسبت به تغییر کارمندان زنجان اقدامی نفرمایند ونیزخواهشمند است دستور فرمائید در ابلاغ مابقی موافقت‌نامه تسریع شود .

استاندار آذربایجان ـ دکترجاوید ـ (امضاء)

نمره ۴۰۵۳

تاریخ ۲۳/ ۳/ ۲۵

ضمیمه

محرمانه مستقیم فوری

وزارت کشور

ایالت آذربایجان

جناب اشرف آقای نخست وزیر

چنانچه در این مدت حضرت اشرف ملاحظه فرموده اند مقصد اساسی اینجانب آزادی و استقلال مملکت و یگانگی ملت ایران بوده است و برای پیشرفت این مقصد همیشه ساعی بوده و خواهم بود. — اینک برای [illegible] عملی که مرحمت [illegible] عملیات ذیل را بعرض رسانیده عطف توجه مخصوص را خواهشمند است: ۱- برای سهولت تشکیل ژاندارمری و استخدام ۱۰۰ نفر ژاندارم از فدائیان خمسه را اعزام ژاندارمان مرکز دستور فرمائید آقای سرهنگ [illegible] یا سرهنگ [illegible] یا سرگرد [illegible] یا سرگرد [illegible] بزنجان حرکت نمایند تا با بودن آنها در زنجان مقدمات کار فراهم گردد ۲- دستور فوری صادر فرمائید عملیات جمع آوری [illegible] متوقف گردد و یک هیئت صلاحیت دار به سرپرستی اعزام گردد تا سبب اجتماع این زد و خوردها را معین نموده و مقدمه تشکیل سرپرستی را فراهم نماید تا بعد از تخلیه زنجان تاخیر ننماید ۳- تا در سه ماه تغییر کارمندان ادارات زنجان صلاح بنظر نمیرسد دستور فرمائید وزارتخانه مربوطه نسبت به تغییر کارمندان زنجان اقدامی نفرمایند.

استاندار آذربایجان دکتر جاوید

و نیز خواهشمند است دستور فرمائید در ابلاغ ماده ۷ موافقت نامه تسریع شود

نامهٔ سلام‌الله جاوید استاندار آذربایجان

نامهٔ چهلم

نامه‌یی است با امضای وزیران واپسین کابینهٔ احمد قوام (قوام ـ السلطنه) که در ۱۳۲۶/۹/۱۴ بخط محمود جم (وزیر جنگ) تنظیم شده وهمین استعفا نامه کـه بمنزلهٔ سازش وزیران کابینهٔ قوام برضد او بود مقدمهٔ سقوط دولت وی گردید .

«۱۴ ـ ۹ ـ ۲۶ ـ

جناب اشرف آقای نخست وزیر ـ

مرقومهٔ مورخهٔ ۱۳ ـ آذر بشماره ۱۹۴۷/۲ زیارت وموجب کمال تأسف گردید زیرا این جانبان همواره کمال میل را داشتیم که دورهٔ خدمتگذاری خود را با کمال صمیمیت بریاست جناب اشرف تا آخرین موقع امکان ادامه داده باشیم تا چه رسد باینکه دراینباب وارد مکاتبه ومشاجره بشویم ، متأسفانه لزوم کشف حقیقت ایجاب می‌نماید که درجواب مرقومهٔ عالی عرض شود اولا تقدیم استعفا به‌پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعد از آن بود که جناب آقای جم و جناب آقای حکمت شرفیاب شده ونظریات اینجانبان‌را درعدم امکان‌کار وتصمیم براستعفا قبلا باطلاع جناب‌اشرف رسانیدند و بعد ازآنکه قبول نفرمودید بالضروره استعفا نامهٔ خود را تقدیم پیشگاه مبارك همایونی‌نمودیم ، بعلاوه قانوناًهم الزامی برای وزرا دیده نمی‌شودکه تشریفات تقدیم استعفا حتماً بوسیله نخست‌وزیری انجام‌یابد خاصه‌که دراینمورد طریق دیگری هم وجود نداشت .

ثانیاً اینکه مرقوم فرموده‌اندکه بیانیهٔ صادره ازآنمقام‌محترم قبلا درهیئت‌وزرا قرائت شده ، بدیهی است بیاناتیکه بنا بود در مجلس ایـراد بفرمایند باطلاع هیئت وزرا رسیده بود ولی مسلم است‌که مابین آنچه انتشار یافت با متن بیانیه‌که روزشنبه هفتم آذر باطلاع هیئت وزرا رسید اختلافات فاحشی وجود داشت که موجب تعبیرات سوء ومزید تشنجات موجوده درکشورگردید .

ثالثاً راجع بحضور درجلسهٔ روز چهارشنبه یازدهم آذر که بعد ازانتشار بیانیه تشکیل یافت باطمینان اینکه هیچگونه تغییری درمتن اولیه داده نشده اطلاعی ازمتن جدید برای ما حاصل نشده ضرورت مطـالعهٔ آن هنوز پیش نیامده بود . بنابراین

آنچه‌که درعریضهٔ استعفانامهٔ خودمان ذکر شده بدون تردید صحیح ومنطبق باحقیقت است . محمود جم ـ نوری اسفندیاری ـ جواد بوشهری ـ احمد حسین عدل ـ علی اصغر حکمت ـ دکتراقبال ـ دکترسجادی ـ فروهر ـ عبدالحسین هژیر . (۱)

۱ـ دراین هنگام بایستگی‌های سیاسی دیگر گون شده ودوران زمامداری مغرورانهٔ قوام سپری شده بود . تا وقتی‌که ستارهٔ بخت قوام در اوج بود وزیران کابینه در برابر تصمیم اوبی‌چون وچرا تسلیم بودند .

۲۶/۹/۱۳ جناب اشرف آقای نخست وزیر

مرقومه مورخه ۱۳ آذر بشماره ۱۳۹۴۷/۲ با نهایت تعجب و کمال تأسف که دیروز اینجانبان برادر کمال میل داشتیم در دوره همکاری خود را با کمال صمیمیت برعایت جناب اشرف تا آخرین درجه امکان ادامه داده باشیم تا چه رسد باینکه در اینباب وارد مشاجره و مکاتبه شویم. متأسفانه لزوم کشف حقیقت ایجاب مینماید که در جواب مرقومه عالی عرض شود اولاً تقدیم استعفا بپیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بعد از آن بود که جناب آقای سردار فاخر حکمت شرفیاب شده و نظریات اینجانبان را در عدم امکان ادامه کار و تصمیم به استعفا قطعی را بالطبع بعرض جناب اشرف رسانیدند و بعد از آنکه قبول نفرمودید بالضروره استعفانامه خود را تقدیم پیشگاه مبارک همایونی نمودیم. ثانیاً تا کنون هم الزامی برای وزرا دیده نمیشود که تشریفات تقدیم استعفا حتماً بوسیله نخست وزیر انجام یابد خاصه که در اینمورد طریق دیگری هم وجود نداشت.
ثالثاً آنچه مرقوم فرموده اند که بیانیه صادره از آنمقام قبلاً در هیئت وزرا قرائت شده بهیچوجه بیانیه ایکه بنا بود در مجلس ایراد فرمائید بالطبع بهیئت وزرا رسیده بود ولی مسلم است که ما بین آنچه انتشار یافت با متن بیانیه که روز شنبه هشتم آذر بالطبع بهیئت وزرا رسید اختلافات فاحشی وجود داشت که موجب تعبیرات سوء و مزید بر تشنجات موجوده در کشور گردید. رابعاً در جلسه فوق العاده روز چهارشنبه یازدهم آذر که بعد از انتشار بیانیه تشکیل یافت باطمینان اینکه هیچگونه تغییری در متن اولیه داده نشده اطلاعی از متن جدید برای ما حاصل نشد و فرصت مطالعه آن هنوز پیش نیامده بود. بنابراین آنچه که در موقع استعفانامه خودمان ذکر شد بدون تردید صحیح و منطبق با حقیقت است.

جواد بوشهری

استعفا نامهٔ وزیران کابینهٔ قوام

خدمت با بهجت جناب مستطاب اجل اکرم سرکار امین الدوله رئیس دارالشورای کبری دام …

… ۱۳۰۸





کلیشهٔ پاکت حاوی نامهٔ امیر نظام به امین‌الدوله (وابسته به نامهٔ شانزدهم) و نوشتهٔ ناصرالدین شاه درکنارهٔ بالای پاکت (وابسته به نامهٔ هفدهم این کتاب)

فهرست نام‌ها و لقب‌ها

فهرست نام‌ها و لقب‌ها

نام	صفحه

این غلط‌ها را درست کنید

صفحه	سطر	غلط	درست
۲۷	۷	انسث	است
۶۳	۲ (زیرنویس)	نفور	نفوذ
۷۱	سطر آخر	۱۲۹۷	۱۲۹۵
۱۶۵	سطر اول	پس از کلمهٔ «آذربایجان» سه کلمه «محرمانه و مستقیم فوری» از قلم افتاده است .	